'RECORDAK' MICROFILM SERVICE

TITLE OF DOCUMENT FILMED L/31/59/72

PERSIAN MSS

PLACE OF ORIGIN India Office Library

PHOTOGRAPHED BY I Briggs DATE 26-2-60

KODAK LTD. RECORDAK DIVISION LONDON

I N D I A O F F I C E L I B R A R Y

Persian Manuscript I.O. 4682.

Letters of Ṭīpū Sulṭān 1789-93.

BEGINS

Microfilmed February 1960. foll. 287.

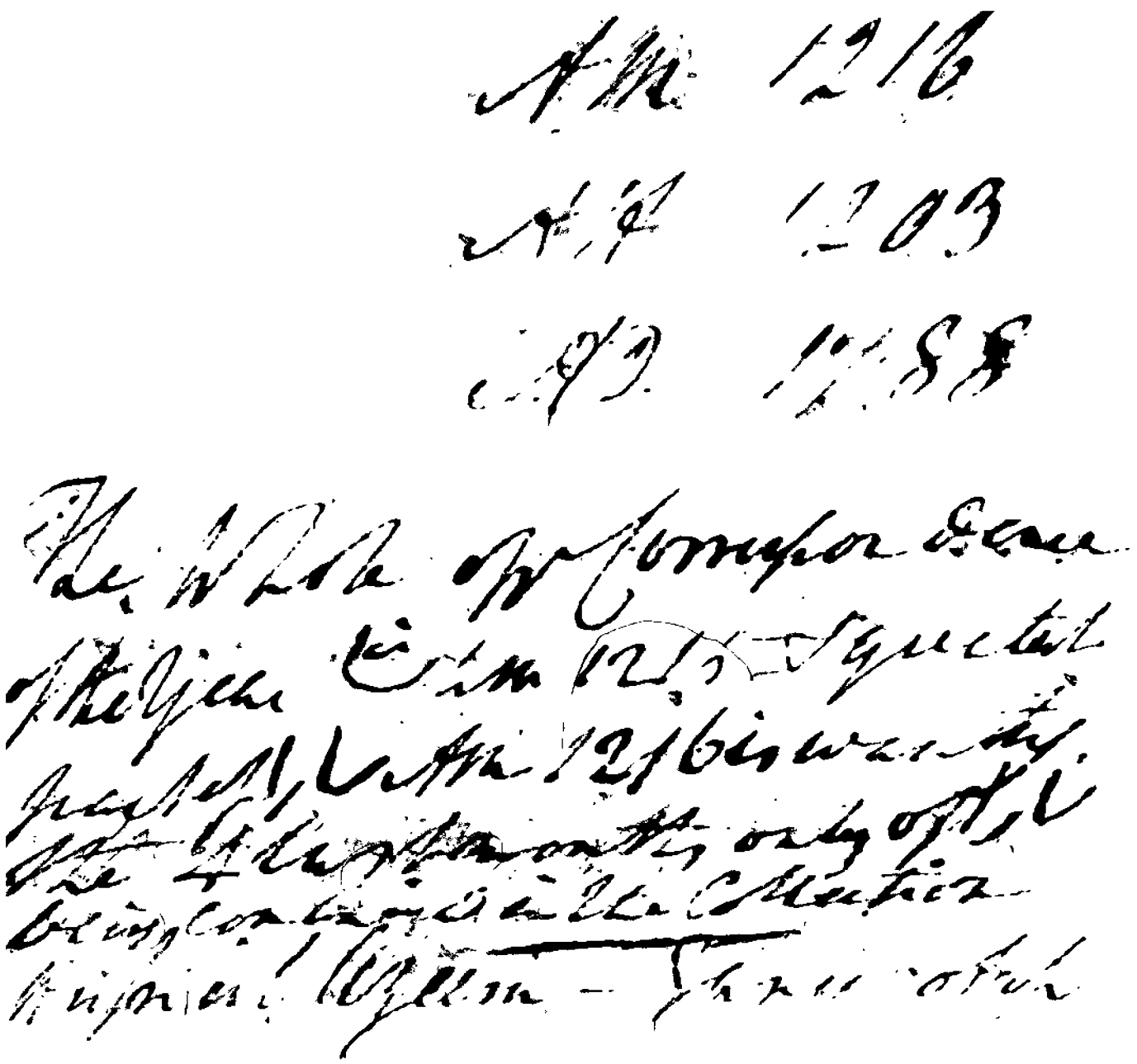

ایضاً سید غفار بست دو تیر را یکصد و پنجاه پیاده
و شصت سه برنگ مقرره چهار هزار کته و سنگ چقماق
هشت هزار عدد ذمه شما کرده شده است به یکصد و
سی نفر غلامی خلاصی قشون متعلقه شما داده همراه
قشون نگاهدارند و سوای حکم میرحسن علی دوم بخش اول
جیش خرج نباید کرد و قشون شما را بر بهاری فرود
امدن در راه رفتن مقرر نموده شد که تمامی بیرقها پیش
خود گذاشته قشون شما را عقب نموده در آخر دارند
دبستور فرود باید آمد و اکاری قشون سید حمید را با
توپ مقرر کرده شد باید که وقت راه رفتن متصل
قشون مذکور همه بیرقها انداخته معاف میرفته
و فرود می آمده باشند و دسته های تفنگ و پیاده های دو
را نزد خود فرود باید آورد

حکم به سید حمید و سید غفار علیحده نوشته داده شد

ایضاً حسین علیخان فوجدار درجی میرحسن علی را باید

در کتاب سابق سوادات لغایه یازدهم ماه ذاکریان سال را
نوشته شد

۱۲ ماه ذاکری سال مذکور رسید بمدت دو لی را گفتند
و بنجاه نفر داده شده است برانها بک بزرگ داشته
همراه قشون باید گذاشت وقت فرود آمدن نزدیک
خود فرود باید آورد وقت راه رفتن باید براهداری
دو صد و بنجاه نفر کماتی برادری کنی کوه و سادهای
دولی را اکاری کرده از دست انها راه درست باید
کنانید وقت راه رفتن و فرود آمدن اکاری قشون
شمارا حکم فرموده شد باید که بیقید و هوشیاری بیشتر
باشند

باشند و بر یک منهی از و سخط خاص میر مرقوم است از آن
معلوم خواهد شد ایمعنی را مخفی دارند و مطابق نوشته
سابق زر بر سفاین روانه کوریال نمایند

ایضاً سیوم و چهارم عیش مطابق نوشته سابق تعه
جمعیت متعلقه خود جلد بحضور برسند

ایضاً بخشی اختام حضور و به میر محمود سپهدار سابق
که شما حکم نامه داده شده است باید که سراغ کافران
دریافته دلگیر آورده انچه بدر ختان او بخته است او بخته
باقی انچه روانه نموده نشده به میر امین روانه سازند

ایضاً داروغه خزانه بین محانه میران حسین سپهدار
مت راضی دریاچه از غره رجانی مسلل شار امعروف
خوبه فتحا میر سانده باشند

ایضاً تربت علیخان داروغه کتل بنکول و داروغه کتل
دوست که بحضور عرضی نموده بود مرخلوف است انرا
دیده مندوست کتل ها بعمل آرند

قشون روانه فرموده شد بعون الله تعالی بامدرقه
انتصالی الهی و باعانت حضرت رسالت پناهی ص
پیشتر ایشان خواهند رسید باید که ایشان با لفاق
سرمذکور کافرانرا اسیر و قتیل سازند و هر که از
قسم مذکور کم از سه سالکی باشد اسیر نموده
باقی کفارانرا تا بچهار رکس بدرختان اویزان
نمایند

ایضاً بتاریخ دوازدهم ماه ذاکری میرحسن علی دوم
بخشی اول جنگلی و قشون سید حمید و سید غفار
و موسی لالی و دو هزار پیاده از راه کتل باسرحدی
روانه شده اند اطلاع آنرا بنگارش یافت
باید که ایشان فوجدار کوتکری را مع جمعیت که
مناسب باشد پیش خود طلبیده از نزدیک رسیدن
کمک جمعیت اطراف و جوانب عملدارانرا نزد خود
طلبیده بتیری بسته بسیار بخبرداری و هوشیاری

باشند

1784

کچهری و شرح سرشته و ضابطه و عمله و فعله و مرمت آنرا
نموده در سید گرفته معه راعدادی که ملفوف است بحضور
برسند

ایضاً اخذم در جواب عرضداشت سرکار معه تنبیه
قلعدار و سرشته داران و هولی داران قلعه خطی که
بر قلعدار اول نوشته فرستاده بودند از نظر گذشت
و کیفیت معروضه مفصل ظاهر گشت

ایضاً خوجه فراشت ده خلاف کهادی و چهار خلاف
چهنیت و چهارده موجار و سیزده رومال کهادی
که بر سبوجه سوزی بسته بحضور ارسال داشته بودند
در یک بسته سربمهر برانک فرستاده شد

ایضاً چهارم بخش طلب سابق را تقسیم نموده
قوم شیخ را علحده کرده بحضور برسند و داون رو
یی وغیره در حضور مقرر گشته

ایضاً دیوان بمال آباد شما هم بکور مال رفته حساب

~~ایضاً دیوان و بخشی ظفرآباد آداب ان نقشه خان بخشی~~
جیش با صنور طلب داشته عوض ان میرزا حسین بیگ
را برای اول بخشی گری جیش مقرر فرموده و حکمنامه
که بکچهری جیش باقی مرقوم شده فرستاده اند کورست کرفته
بدانموجب عمل نمودن بیت رالته باکید ساخته روانه
فرموده شد باید که موجودات و تعینات و طلب و
تنخواه مردم جیش کچهری معرفت مشار الیه معمول می اورده
باشند و در حکمنامه کچهری مذکور فی سررشته هشتگانه
مرقوم و حال فی نیز سته چهار گماشته تقرر یافته است
باید که چهار گماشته را داشته و در ماهه داده بر کار
حساب مامور نمایند و اگر ازین زیاده باشند بر طرف
سازند

~~ایضاً آداب ان اسد خان میرزا حسینی بیگ را برای~~
بخشی گری کچهری جیش انجا مقرر ساخته روانه فرموده
شد باید که آداب ان حکمنامه و کتاب فتح المجاهدین و مهر

بکچهری

1764

وجهل پیاده نوشته بودند معلوم شد حاضری دو صد
وجهل و بجنگرکانی میکردند و شصت و پنج پیاده برای
آوردن بار رفته بودند کولی در قلعه مانده بودند فرستاده
شد خواهند رسید

ایضاً بخدمت اخترام و حساب بصار حاضر شدن مردمان تشیعه
قلعجات بابت ماه جعفری بارامعه کوشوارهان
که بحضور ارسال داشته بودند رسید بدست شیخ محمد
جوهدار بحضور اخترام گذرانی

ایضاً میرحیدر فوجدار کوشکری راجه کوشکری و دگر
از بالی راسل ظاهر ادوستی و ربط اتحاد میداشته
باشد اگر اینها بجمله بدست اینده فی الفور اسیر کرده
و اصل جنم سازند هرود سکان بدست امده مطابق
صدر بعمل آرند

دیوانان بحضور عرضداشت مرسله معه یادداشت
لاکوڈ کداقصد به ای اهنی از نظر گذشت عرض

کتب تعلقه و تباری جهازات و بخره عمله و فعلانی
دریافت نمایند

ایضاً بخش جمال آباد بحضور ظاهر شد که بر او دو نا
اسپ فرود آمده اند مالکان را بگویند که بحضور بیارند
والا نه بهمانجا قیمت مناسب مقرر کرده سوبا دداشت
قیمت روانه حضور سازند در رقیمتش بمالک آن
برسند

ایضاً حسن علیخان بخش دویم اول قبض منجمله دو هزار
پیاده فرجاب چهار مات همراهی افغان نصب و
پیشقرچیت آوردن باروت و گولی در قلعه رفته
بود در لهذا از دعلی الحساب آنها در بما مانده بود حال
همراه شد سرشته دار سه دو دنیم را جنح بجاب
فی نفر نیم راضی فرستاده شد باید که رد بروی خود
دست بدست تقسیم نمایند

ایضاً آنچه از حاضر بودن میت و چهار هر کاپی

قلعه‌دار پیش محل نوکه تمار میشود نام آن فرستد محلی
نهاده دو دو تمار بخش که یکی بیت و ثانی
چهارده بیت است مرقوم و ملفوف و مرسل است
باید که تمار بجهای مذکور رانویسنده بدارند که اینده
برسنگ کنند اینده حکم فرموده خواهد شد

ایضاً میر صد نوصدار کوتکری هر قدر مبلغی که در
کوتکری دیوزه فلاع علاقه شما باشد همه را برادرده
پیش خود فراهم کرده زود بچرکل رسیده باتفاق
نوصدار چرکل باید بود

ایضاً بجنس انجام فرمایند حصار فرستادن مرحله
پنجم نوشته قلعه‌دار دوم دو رشته داران قلعه
حطلبی براول قلعه‌دار از نظر گذشت انچه از طلبیدن
قلعه‌دار مذکور نزد خود دو دیگر عریضه فرستادن تو
بودند بسیار بجا باید که بوجه احسن او را تاکید کرده
کار همچنین تکرار می‌دهد و مطابق حکم عمل نماید

مذکور معه بیگی بدست شیخ ابراهیم چوبدار بدیوان کچهری
حضور

۱۵ شیخ قطب بهارم دار دفعه هرکاره آنچه از رسیدن
خود همراه لشکر و منوری مفسدان شرارت پیشه
نوشته بودند معلوم شد باید که قلعدار و عامل را
رد برو داشته بسر مذکور بگوید که آن مفسدان کجی
کجی لند نمانند ۵

فرمودگی

برسنگ کنداخیده فرستاده برای چسپانیدن آن
بجای یکه حکم نموده خواهد شد مطابق آن بعمل آرند
ایضاً میرمدهن علی موکد از تعلقه کهدی اول شتر
سکرامدی انچه از رسیدن خود بمدکری و موجب
توارد بحاضر نمودن عهده داران ارتبت دارد بوزدار
و سرحل و جماعدار و جوانان معروض بود معلوم شد
بخشی ایشان بیمار بودند حالا صحت یافته اند در انجا
برسند انچه نوشتنی است نوشته همراه بخشی مذکور
داده شده است باید که شما بندوبست نموده
از جوانان قواعد کنانیده تیار تا بعد اگر کسی در کار
سرکار قصور و یا تغافل کند تنبیه سازند
۱۹ امیر عبدالله بخشی جمال آباد انچه زیاده طلبداشتن
وکیل الیحان و تاکید کرده روانه نمودن مجهوده برای
آوردن جهاز الیمان که بار نبات و غیره است نوشته
بودند معلوم شد پیش ازین غلام محمد عامل کوریال بنجا

41

کفته باز بهمانی روانه تماشند معروض نموده بودند که قلعدار
مذکور و عامل باهم قرابت دارند لهذا عامل دیگر ارخصو
خواهد رسید

۱۷ ایضاً از ماتحت عرضداشت مرسله معتمد خلوت بادشاه عمر
دال بر تعلقد اکوکاک زاخار عامل سنکولی و سکانون
وغیره بهند بهم ماه مذکور از نظر گذشت انچه از درخواست
حکم جنابر رفتن خود ما سلام اباد و رحمت اباد برای
بهدست نمودن محصول وغیره بهند و لیست معروض
بود معلوم شد بهتر است باید رفت

ایضاً محمد بیک و حراست خان بخشی سوم بخش انچه
از نوطلاذم گردانیدن نکصید جوان عسکر و بخش معروض
بود معلوم و مستحسن شد باید که دیگر جوانان هم مثل
کنانیده بنوبت نمذور زود روانه شده بروند

۱۸ ایضاً محمد رشید حیرالله داروغه عمارت بکلور نام
عمارت انجا فرخ محل مقرر فرموده شد و از حضور تا بخش

الخ

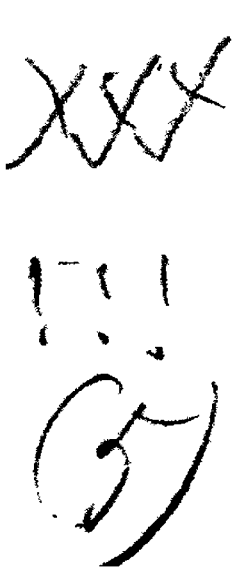

ایضاً عامل کوریان دوسه بهاز فراهم سیس برای
خرید ی غله وغیره در انجا میرسند باید که موافق درخواست
شان سوای معمول باطمینان گرانی غله میری به نرخ آورد
باید داد و سرداران فراسیس کس بهازی ابتدا از
عرائض سرکار بیارند ملفوف عرائض خود کرده بحضور
بفرستند و هرگاه از حضور جواب برسد میرسانیده
باشند

ایضاً نیل شاه صاحب مسجد اعلی که در دارالسلطنه
بنیل تیار شده است برای خطابت ان یک شخص
می باید کسیکه از باشنده های ملک سرکار اعلی
لایق و خطیبی باشد دیده بحضور روانه سازند

ایضاً دیوانان سنبلور عبدالرحمان نامی را برای
دارو غگی رعایای احمدی مقرر و راهیج راضی
شده کچهری ایشان فرموده شد و حاضری وصول
نامبرده ملفوف است باید که مطابق حاضری وصول

بنادیق بهار الیمانی نموده دو طرح بحضور فرستاده معروض
نموده بود که قیمت یکطرح بهارده روپیه و قیمت طرح ثانی
پانزده روپیه است لهذا نوشته شد که قیمت بنادیق
بهارده روپیه را سیزده روپیه و بنادیق پانزده روپیه
را بهارده روپیه خرید نموده اگر در عوض زر قیمت صندل
و فلفل سیاه و غیره بگیرند بدهند و اگر زر درخواست
کنند زر بدهند و حال بابت آن هم تحریر می یابد که
اتفاق حاصل مسطور مطابق مرقومه صدر بعمل آرند
ایضاً ترتیب تعلیق آن باب رسیدن نذر سالگره
شهنشاه افاق
ایضاً تسلیم الله خان عامل بر بکلور انچه از معبد کی نمودن
بیست هزار راضی و منجمله آن ده هزار روپیه وصول
شده بکلور ارسال نمودن معروض نموده
بودند معلوم شد باید که بموجب معروضه خود زر وصول
کرده بتوشکخانه بکلور برسانند

بخشی

تعلقه جنس دیزه از نظر گذشت کیفیت کفایت جوابان
بمارمعه سرانجام در کنداء معلوم شد باز هزار کوفی رنج
همراه محمد عبدالله چوبدار دیه پیاده کلش آباد و نماسته
دار روانه فرموده شده است خواهد رسید مرقوم بود
ته صد و چهل جوال بمنج رسید و اظهارش ما هر کاره
است که شصد و شصت جوال مدسنکی بورد و
کتی ملواری مانده است بتر خواهد رسید و ته صد
جوال از تعلقه بازار نرسید معلوم شد هر کاره و
دار و غه ما تاکید نموده ته صد و شصت جوال که در
کتی ملواری و دیزه مانده است از اطلیده بگیرند و
ته صد جوال باز انکه نرسید عوض آن هزار جوال
حالا فرستاده شد سر برد انه بنام تعلقه داران سرکار
مرقوم و ملفوف است بعمال نموده بغله اطلیده شده در
بازار انداخته فروخت کنانند جوابات بمارکه در کندل
داشته اند انها را بحضور طلبیده شد خواهند آمد

نسبت بلطه سرکار علت داده بر کار مرجوعه مامور دارند

ایضاً به دیوانان فرخ آباد حصار نبیرند حضور رحمدر

عبدالحسین نامی رابرای دارو غگی رعایای احمدی

به دیوانان سنجلور تحقیق امضی ثابت کنده گردده

مهر کند اسد الهی وغیره مرسله داروغه دارالضرب

هوتلی درک که ارسال حضور نموده بودند بملاحظه

خاص رسید

ایضاً اول دیوان سنجلور بازده روپیه نذر دوم

بخشی مجرد بنه نذر بابت سالگره شهنشاه

آفاق

ایضاً بیران حسین سپهدار محب سرودنه سمارا بادی

بردادم که از فرخ آباد حصار به بیش آمده بار فرخ آباد

حصار بسر و مدرسه قوم ملفوف است

۲۴ حسن سلیمان سه طغرا عرضداشت مرسله معاذ الله

مفصله خط هندی بابت جوانان بیمار و مفرور و غیره

نقل

B An1246

بهتر شد قسمیکه بان عظمت نشان حکم نه نوشته داده
شده است باید که معاون آن بعمل آرند و عملداران و سرشته
داران کجا هستند سراغ گرفته کیفیتش معروض دارند
برای گرفتن اباکوتی وغیره از آن مکان که حکم فرموده شد
تجسس و سراغ نموده هرکجا باشند بگیرند و سایر
وکورکها وغیره اقطاع که بگیری آیند اینها را نازیانه کاری
کرده و داغها داده سراغ مردمان گرفته بگیرند
سلح دیوانان سنگلور یک قبضه اعلی سرکار داروغه
دارالضرب هنری درک بابت کنده کرده میکند
اسدالهی وغیره که فرستاده بودند بملاحظه خاص رسید
الفاتحه علیخان پیش از این عرضی مرسله بعثه
یادداشت اسم نویسی جوانان مغرور و سرانجام وغیره
بملاحظه خاص رسیده جواب هم بقلم آمد بنابر عدم
مغروری جوانان که بندوبست واقعی نمودند معلوم
و مستحسن شد حسب معروضه شما بنابر داشتن سی پیاده

[illegible] فرمانده [illegible] فرمانده [illegible]
سوء [illegible] از نظر گذشت چنانچه خلوظ مذکور بازداس
طرف مرسل [illegible] رسید

[illegible] فرنگی هیچ کیفیت فوت شدن [illegible]
مرقوم بود معلوم شد قبض است که اخبار از چنان
طلبیده بنابر اطلاع خواهند نوشت از کیفیت ولایت
فرانسیس وکلای سرکار نیز مفصل اطلاع دهند

[illegible] سوم و چهارم حبس جوقدار اول کوفته از هر شش
قشون را برای مثل حضور همراه خود بیارند

[illegible] قلعه دار تبن در هر دو کارخانه بنادقی که بسته
بنابر سیتول که بست و یک خانه دارد و عمق خانه ترک
چهار انگشت در عرض آن موافق کولی ضابطه
سرکار سته معلم بسته برای دادن مردم کوفته از جا
بستن کم جلد تیار کنند

[illegible] غلام علیلی رسیدن [illegible] با فصل ابادی نگر

[illegible]

احضار شیخ قطب کیفیت بکیر آمدن ایشان و دو نفر
ماپلو زنابر و زنار دار و بغره که معروض نموده بودند معلوم
شد از قسم مذکور انها همگی زیاده از بیست ساله باشند
بدرخت اویزان سازند و بدلبر دل خان بگویند که فوج
خود را سه حصه کرده در تراکم اشجار و بغره جستجو نموده
همه را بگیرانند

احضار دیوانان بکلور بمرافعه رساله معه یادداشت
جمعبندی یوسف ابلو و بغره سه تعلقه و یادداشت
سرانجام جوالهای سیاری بابت همدست شده
کنل با الکهات که عامل سوز باکل کاوان مذبور را
معه سرانجام نزد ایشان فرستاده بود از نظر گذشت
باید که سیاری و بغره بفروخت آرند و کرایه داران را بپای
بریده واگذارند که چرا کرایه نموده اجناس به بالاکهات
می برند کاوان جوالهای مذبور روانه حضور نموده بودند
رسید

مقرری وبست پیاده افزود جمله پنجاه پیاده بردانه
بنام قلعه دار کندل مرخوم درسل است انچه درمانده
قلت غله معروض بود معلوم شد از حضور بکبرار حوال
غله که روانه فرموده شده بود حال ایشان که عبور
کتل نمودند در انضلع غله بسیار است لهذا ضرور مرا
جوالهای مذکور واپس طلبیده شد انچه از فرود آمدن
فشون سید حمید و موسی لالی معه یکتوب فشون سید محمد
از کتل ناشبرچری و هموار شدن راه که فی و پشکان
زمین را بهر جا کنده و درختان بریده انداخته
سد راه نموده بودند و فرد افشون سید غفار را
معه یکتوب لالی و پیاده ها از کتل فرود خواهند آمد
معروض بود معلوم و بهتر شد بفضل الهی تا حال
ایشان بمکان مقصود رسیده باشند دو عرضی
حسین علیخان که براسک فرستاده بودند بحضور
رسید

و قواعد هم بکنند که هم جوانان تیار میکردند و دیگران
کاه و دانه هم خواهد شد

ایضاً نوشته بودند که در قلعه جای خالی دیده
نجم بهت جوانان به تیاری می آمد و متصل آن یک
مکان هست که در آن باروت نهاده اند معلوم شد
پروانه بقلعه دار انجا داده باده پرداشتن باروت
از انجا و نهادن بجای دیگر مرقوم و ملفوف است

دیوانان بخلوت نوشته بودند که محمد اشرف نامی
برای عاملی تعلقه کادیری تین معه پروانه از حضور
در دینی رسیده است و حسب الارشاد نعل می آرند
و پیش ازین حکم شده بود که برای عاملی تعلقه مذکور
کسی را مقرر نمایند لهذا بر بافرمانی را که باهوش
بود مقرر نمودند و در دو ماه ما بجهار راضی وصول
کرده داخل توشکخانه ساخت باز محمد اشرف را
اگر در انجا فرستاده شود واقف شدن البته دوده

التفات تربیت علیخان عامل مورد مکمل جوانهای شکارچی
وغیره بابت هدیه شده کنل بالاکهات معه کرایه
داران نزد دیوان بنجلور فرستاده بود مرقوم شد که
کرایه داران را بنبی بریده بگذارند و بگویند که رفته باز
کرایه نمایند

التفات قلعدار بنجلور سید احمد درویش را که برای سوار
دولی داده روانه حضور نموده بود مرقوم شد رسیده مبلغ
سی روپیه که برای خرچ درویش موصوف داده
خوب شد

عرضداشت رحمانی عبدالمجیدخان بخشی دوم لشکر
بجهت اینکه از مقدوف شدن دو شتر سماد متعلق حاجا
تبدیل نمودن شتران و معالجه نمودن انها معروض
بود معلوم شد شتران مذکور را بسته بسنه کاه و
دانه هیچ نشده سقط میشوند باید که بشتران مذکور
جوانان را سوار کرده سه چهار کروه گشت کنانند

Mr Rehmany
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۲۷

۳ رزاباقر فیخ از حرکت باز نمودن محمد رحیم بیک معروض
بود معلوم شد تاکید منام شان علیحده مرقوم و ارسال
شد اگر موافق سپهدار آن دیگر قبول کردند فبها و الا
شما و مصدمان و قوم شیخ را که علیحده نموده در بزرگ
داشته اند همراه کرفته موافق حکم سابق رود و از حضور
شوند و امروز که سیوم ماه رمضانی است که لشکر فیروزی
شد افشان هم زود برسند

ایضاً بدر الزمان خان فیصله دادن قضیه ارامنی
رعایای سرحد ملک کنتور و غیره و ارسال رسایل و سلوک
بلازمان چون سر لهم مسخن شد هر زمان که اینها پیشان بیایند
جواب می نوشته باشند و باز بمحض اگر بجای دیگر مناسبه
باشد فیصله داده بجرد و خویش برود

چهارشنبه ۱۱ امکان حاکم شین ۱۱ کجهری بخشیان اخشم
کجهری اسد اللهی و احمدی بخشیان اخشم و غیره ۳ رمضانی
و سه سابق کوندا زا بمعیتی بود لهذا بجای کوندار درخش

خواهد کشید معلوم شد کسیکه از حضور معذور شده بر
او را فرستادن و معذور کرده خود را بحال خواستن
و معروض نمودن بعید از دانائی و هوش و عقل
متصور گردید باید که محمد اشرف را نگاه دیری بتن
روانه سازند دیر میرسد فریک دو آدم محصل
داشته روانه حضور نمایند در اینجا هم ظلوف
است
انشاء عمامخان دارد که نامه مشتمل بر عرضداشت
مرسله معه نمونه باروت از نظر گذشت آنچه از یکی
کاران دیگر معروض نموده بودند معلوم شد باروت
مرسله ناکاره است باید بموافق حکم سابق انجام
از قلعدار بهر رسانیده باروت تیار کنانیده و برای
دیدن وزن باروت یک توپ خورد داده شده
از آن دیده باروتی که بهتر است آنکه بیرد آن قسم
تیار کردانند

الجواب

و شیخ امام فردا رعنه فلان و تاریخ فلان ماه رحلت
نهضت تقرر یافته باید که همه مردم را بهمراه کرفته روانه
شده بر منزل خود فرود آیند و تعیین دارند که کسی در
راه فراری نشود و یک جوق پیش متعلقه بکذارند
نامردم مغرور و عقب مانده را کرفته بیارند و مردمان
بیمار را بر کاوان و دولی سوار کرده همراه مشوش می
برده باشند

کجری امه الهی فردا که تاریخ فلان و سنه فلان باشد
نهضت تقرر یافته است باید در وقت صبح صادق همه مردم
خود را معه اثقال و سرانجام دیکره همراه کرفته روانه
شده بر منزل خود فرود آیند

و السیوم پیش پیش ازین مکرر نوشته شده بود
که معه قشلات زود بحضور برسند و تا حال نرسیدن
موجب تعجب ماند که هنوز معه جمعیت بهین نرسیده
ازانجا براه کندل و کنل تا نیر چرمی بوقتی رسیده دویم

انداز و نام توپ درخش مقرر فرموده شد و معنی درخش
برق است و برق هر کدر سید تا زنده نماند باید کرایه
ثبت دفاتر نموده بهمن نام درخش و درخش انداز
رواج دهند سوای سوده صدر بخش کهرات
جوانان عسکر دستار زمرد و به بندند و جوانان چیس
موافق دستار مردم اسد اللهی افزون و سادح
جوب راست داده باید بست و رسالدار و جوقدار
و سرخیل و غیره عهده دار موافق خود دستار به بندند
بجکهری روز بافیمانده یکدفعه قواعد بایکنیند دفعه
دوم درکار نیست چرا که از قواعد دو دفعه مردم
حیران میشوند

~~۱۲ دار دفعه نقاره خانه افتد بر وقت طلوع تا زمان~~
سیزدهم رجمانی است بایدکه چهار گهری شب مانده
یک نقاره و صبح صادق یک نقاره بهصت نامند
بهر چهار سپه دار سید قاسم و زمان بیک و علام حسن

جیب خان سپهدار جیش متعلقه کچری بجم آنچه از حاضر
دیدن جوانان عسکر و جیش دیره و کسلمندی عهده داران
دیره معروض نموده بودند معلوم شد دیوان و بخشی از
حضور دوانخا میرسند برای سکونت مدهوت مقرر میشود
شد حسب عرضه شما مامور مرقوم و برای آوردن
والیسکان میرخان نیز دارمطلوب است

دارد خه ارباد کورنال مرحمتخان مرسله معقول خط
میر خیرالله بخشی جمال ابدال نظر گذشت آنچه از درجواب
برداشته علیحده برای آمدن خود بحضور معروض نموده بودند
که بخشی مزبور بایشان نوشته بود که مرخص حضور شوند
لاکن در نیامده بخود حکم صادر نگشته است معلوم شده باید
که بمجرد صدور منشور روانه حضور شوند و راهداری هم مرقوم
و ملحوظ است

قلعداران دویم بقلعه کنکو با دیره و قلعه امقرر کرده

بخشی دویم بخشی ما معلک منصبی هندی و یکهزاری
برای نیاز نمودن مردم منصبه قرجات حصار و رتن گذاشته
شما با جمعیت بحضور بیایند و اگر خبری علی الحساب
درکار شود فی نفر حساب یک راس و بقی قشون افزار
دو صد راسی از داروغه خزانه متن بگیرند و در بیاد
داروغه مذکور بردازه مرقوم و ملفوف
است
ایضاً داروغه خزانه بخشی جنس بخشی مجری سوم اگر علی الحساب
درخواست نمایند فی نفر حساب یک راس و بقی قشون
افزود دو صد راسی داده روانه حضور سازند
ایضاً چهارم بخشی جنس ازین مکرات برای رسیدن
حضور زیب نگارش یافت لاکن تا حال نرسیدند
خوب آینده مرتکب این جنس حرکت و توقف نشده
مردمانی را که پیش ازین حکم فرموده شده است همراه
گرفته زود بحضور رسیده و نقدی مردم بخزانه نوبا
ندگرفته باز بسمو کرفته تقسیم نمایند

ازگان

ایضاً خلعت جهت ظفرآباد و فضل آباد و نکرار
طرف سرکار کاوان وغیره برای زراعت زمینه
سایرها نموده شده بود ایعنی دریافته کاوان
وغیره جمع نموده بران چرکه پیاده ها داشته نزد دیوان
پنین روانه ساخته رسید طلب دارند

ایضاً سیر محمود سپهدار مضمون صدر

بخش و جواب حصار نوشته بود مدت حساب عمل و
فعل سپرد دیوان نموده بحضور میرسند معلوم شد
باید که عمل و فعل ذمه دیوان نموده بسیار زود دیوان
بحضور برسند که علیحده کار فرمودنست

ایضاً تلعدار دهارواد در جواب خط کوتهی ملک التجار
از حضور ملفوف مرسل بهت باید که خط مذکور بادم
کوتهی مسطور رد انجا برسانند

ایضاً شیخ فضل حصار مرقوم بود که مردم ات مسمی
هندی انت پورکه روانه حضور شده بود در بار بچوته

همراه سرتق روانه حضور نموده شد و حال در حضور قلعداران
دویم علیحده مقرر شده بقلعه ارسی کراو غره رسیده اند
و بجای دیگر هم خواهند رسید باز در باب دویم قلعداران
سابق هر چه لازم شد کرده معلوم شد قلعداران دویم
که همراه مردم سرتق بحضور رسیده اند در نوکری سرکار
ما فرازند از حضور قلعداران دویم که علیحده روانی
روانه شده از قلعه هائی که دویم قلعدار نباشند
انها را مقرر نموده روانه نمایند

~~از دیوان دو~~ فرجاب مقدار موضعداش ~~مرسله~~
معکتاب تصدیق سابق بابت کچهری احمد آباد نظر
کرده شد انچه در تصدیق حال که از ماه جیغرست معلوم
آن میباشد ارنه

~~جمال الدین بن رنگ بن فرد آمده~~
غله و غیره بخرج آورده بطرف آباد برد و خرد نمه مشهور آن
نمایند بادبق و ترک و سنگ حقاق روانه کرده میشود

ابریشم نیز تیار ساخته بحضور بفرستند

۱۹ دیوانان بنگلور عرضداشت مرسله معه خط سید میر
قلعدار که بایشان نوشته بود مذاز نظر گذشت انچه
از ضرورت کاوان برای اجرای کارها لازم و مفوض
بود معلوم شد در مکاتبه شما نسبکه مرقوم است معلوم نگشت
انچه کاوان و جاموسان بهمرسانند یعنی کاوان بدهند
ایضا بدرالزمانخان انچه از آمدن سه نفر قلعدار از
مکان متولی و کوکاک والا و تورکل والا برای ایشان
و عوض آن ایشان خلاع بوکلای هر سه مکان دادن
نوشته بودند معلوم و مستحسن شد وصول نمودن بکرار
و پانصد روپیه بملکهی نایب دیسکت اسلام ابا از
متولی و تورکل بهتر شد حسب عرضه خود برای درک
رفته مبلغ دیسکت انجا نیز وصول ساخته داخل
سرکار خویش شود

۲۰ قلعدار بنگلور عرضی محمد خیرالله دار دغه فرخ خط

و بهمو جنس متعین شده بقبض حساب والپس آورند
و ارشاد شد در بدل پیاده های مذکور بروانه حضور
نمایند لاکن سوای اجناس مذکور دیگر اجناس متعینه
قلعه مطلوب نیست وارکنداجاره هولکنداجاه حاضر قلعه
در جواب هر چه ارشاد معلوم شد باید در همان
پیاده های اجناس صدر را باز روانه حضور نمایند
[redacted] جناب سابق بهت آمدن شما بحضور
مرقوم گشته و راهداری هم فرستاده شده بود حال
بقلم می آید که بمانجا بوده راهداری مذکور والپس بحضور
ارسال دارند و تنبیه ضابطه که مابین نوشته داده
شده بهت موافق آن مردمان باید گذاشت و
ازان بیکقدر افزود داشتن درکار نیست
[redacted] حکیم واصل حسب [redacted] بقلعه پروانه انجام
دارد و جنس و نقدی مرقوم مرسل بهت ادویات
گرفته نسخه تیار نموده ارسال دارند و دوای شربت

بابت کبار معه جنفر بهلبان که روانه حضور نموده بود
رسیده بازمعه راهداری واپس روانه نموده شد

~~ایضاً حاصل سیلم معروض بود که از کچهری حیدرآباد~~
الکبان واز قلعدار سیلم یک بهره جوان گندا چار
بنابر تحصیل یک لک و بست دسه هزار راضی باقی
ده دوازده سال نمامی تعلقه سیلم وغیره تشدد می
نمایند و تعلقه سیلم حسب الحکم سه حصه شده بان
شرافت پناه تعلقه بست و سه هزار راضی بحال
ماند و دیوان مذکور زر هر سه حصه طلب میکند معلوم
شد تعلقه سیلم انچه که تفویض ایشان شده است
زر آن درخواست خواهند کرد و زر تعلقه مفوضه
دیگران از شما درخواست نمودن چه موجب باید
زر تعلقه مفوضه خود برسانند و در مقدمه درخواست
تاکید بنام دیوان انجا بنابر دادن رسید چهل هزار
روپیه که ایشان رسانیده اند معلوم شدند مذکور

که بحضور رسیده بود ملفوف مرسل است انرا به بیند که
در صحن دارالامارت چه قدر طویله شکسته میشود و باقی
چه قدر میماند در یافته معروض دارند

ایضاً تفهمان بیک دار و غه مقبره نظر اباد معروض بود که
مردم عیش و عیاده و غیره در مقبره فرود آمده ضایع
می سازند [redacted] که انها را فرود آمدن
ندهند و بیرون کنند و در میاده بقلعه دار اینجا تاکید
بلیغ مرقوم و ملفوف مرسل است

ایضاً قلعه دار نظر اباد بحضور ظاهر سازند که مردم عیش و
عیاده و غیره در مقبره فرود آمده ضایع میسازند
ایشان در انجا نشسته خاموش نمیماند چرا فرود
آمدن میدهند و مقبره در علاقه شماست باید که احاطه
مقبره مذکور نماند و کسی را فرود آمدن ندهند اگر
کسی فرود آمده باشد بیرون کنند

ایضاً [redacted] بر اس

کرده معلوم شد مشک و توشکی نه جنس بهت از انجا گرفته
دو انبار نمایند

انتصاب خلیفه قبض حصار معروض بود که چوبداران هرکاره که از
حضور برای زر یافت بکهری آمده بودند زر مذکور وصول
شده روانه حضور نموده است راهداری غایب شود لهذا
راهداری سه راس کاو و دها رده پیاده دیزه مرقوم
و ملفوف بهت نوشته بودند که ارشاد شد مردم لاز
را داخل زمره اسلام نمایند تمامی مردم مذکور چنانکه در
نوکری باشند داخل اسلام سازد مردم متعلقه قبض حصار
را در جناب هرچه امر معلوم و موجب نصب شد چراکه مردم
لاز از قوم قصاب نمی باشند انها نه مسلمان و نه معنود
پروانه که از حضور رسیده بودند که دران قسم مرقوم است
اغلب که انزلکم کرده بحضور معروض نموده اند باید که مطابق
مرقوم پروانه سالفی بعمل آرند

انتصاب یاسم سپهدار محمد بیک داروغه هرکاره بحضور

بکسی که داده اند و رسانیده اند رسیدان از او بگیرند

اخبار غلام جعفر عامل سنی بالا متعلقه سلام آباد آنچه

شرارت زنار داران و متصدیان تعلقه ایشان

معروض بود معلوم شد باید که تنبه نموده حساب و کتاب

می نویسنده باشند نوشته بود نمکه در تعلقه

ایشان دو اکرار موضع شلابور و تیور دوازده

قریه بسال سه هزار راحتی وصول میشود و زنار

داران موضع مذکور در سرکار جمعبندی یکهزار راحتی

نویسانیده نمه دو هزار راحتی از خدمت میخورند

و در موضع مذکور تالاب و نالا شکسته ست اگر درست

شود چهار هزار راحتی بوصول خواهد آمد معلوم شد از

ابتدا که جمعبندی اکرارهای مسطور در سرکار یکهزار راحتی

شده و سه هزار راحتی بوصول آمده است باید که زر موافق

وصول از تنازیانه کاری بوصول آرند و حال نمه سه هزار

راحتی جمعبندی نموده و تالاب و نالا که شکسته افتاده است

59 (out of order)

درست ساخته من بعد چهار هزار راجه جمعبندی

باید نمود

انشاء دیوان سلام آباد عرضی عامل سنه ماضی که حضور رسیده

بود ملفوف است ارایه نماید در موضع دواکرام

سه هزار راجه وصول شده و در سرکار بکهار راجه

جمعبندی شده است مادر زریفا باد دو هزار راجه

از آنجا در میزرا نماز نامزد نکاری باز یافت نمود

بوصول آرند و اینده نیز سه هزار راجه جمعبندی نماند

و بعد درست تالاب نالا رشکته افتاده است

چهار هزار راجه جمعبندی باید نمود

انشاء دیوان خان لوانی موجد ارساد که حضور فاطر رشد

که در ضلع بالکهات مقرر ان شرارت آرا شده اند

باید که شما در انجا رفته قبضه نمودن مذکور نمایند

انشاء دیوان فرخی خواهد که شما بکور خان فرستاده بود

زر مذکور باز و ایس نزد شما میرسد باید که خزانه مذکور

معروض نموده اند که ارشینه بفاصله نیم کروه بجاده نفر
مخالف بر قله کوه نمودار شده بودند لهذا بعلم می آید که
هر چهار رساله جیش را جریده علیحده علیحده برده چهار طرح
کرده کودنوامی کردیده دزدان را اسیر نمایند برای
راهداری نمودن که حکم فرموده شده باید که دو حوق
داشته راهداری زود کرد انند
ایضاً بر محمد صیح شیخ امام سپهدار دو رساله جاده های
احشام کی رساله نجی خان یکهزار و چهل نفر و باقی هر رساله
چند بهان یکهزار و دو صد شصت و دو نفر جمله
دو هزار و سه صد و دو نفر را همراه کرفته زخوراک دو روزه
کرفته از لشکر فیروزی بفاصله راه دو باس کنجات کوته
نامی لکر کوت است در انجا فرود آمده و از انجا چوراهی
نامی کوه بفاصله راه دو باس است نیز در انجا رفته
دزدان را اسیر و قتیل باید کرد و در اثنای راه نیز چند
مردم فرستاده دزدان را اسیر نمایند و بهر دو همان

40
CFM1246

مرقوم و ملفوف است در خط خود ملفوف نموده بفرستند
و از طرف خود بنویسند که شما نوکر قدیم نمک حلال استید
انچه لازمه بندگی بست نمودنیست نموده بمانند

انجا عبد الملک بیگ انجام ۴ عریضه شما دو خط
فارسی و دو خط هندی از نظر گذشت باید که باتفاق
حسن علیخان دویم بخشی جنبه کفاران نماند و مکتوبه
که بنام والیه نوشته داده شده انرا به بندد و موافق
ان کار بند شوند کچرا تروداروپرپ نازداله و دیگر مفسدان
کجا کجا اند سراغ کرفته دیگر آورده بدرخت اویزان سازند

انجا حسن علیخان بخشی دویم عریضه مرسله معروضه
۷م ذاکری به بست و سیوم از نظر گذشت انچه از ربندگی
خود نوشته و قبل و اسیر نمودن چند کفار که در انضلع
اجماع داشتند نوشته بودند معلوم شد باید که باتفاق
حسن علیخان موجب ارانجا تنبه مفسدان نمایند و مطابق
حکم مکتوبه بعمل آرند

کرفته داشته رسید بر هند و غله و غیره که می آمد از انجا کرفته
برازند

~~ایضاً دیوان دیکر جهاز آمده خبر آورد که از فرنکی نزدیک شهر رسیده~~
است باید که از انجا باز واپس بفرنکی روانه نموده رسید
طلبد از مرد و دانه سرخ و سبز و غیره بر جهازات تجار و سرکار
بار نموده برای فروخت بفرنکی روانه سازند

~~ایضاً حکیم داخل اخبر برای قطع نمودن پای سیر غایت اقتضا ان~~
که برای مرض دملی بر پای است معروض بود معلوم شد
لاکن این بغیر کلی است که بمجرد قطع پا جان بحق تسلیم خواهد
کرد و دوائی که از حضور غایت شده است استعمال همان دوا
باید کرد انبد و چنکه فرع شود بحضور معروض دارند که باز از
حضور مرحمت خواهد کشت و از برای کرم ادویات باید
طلبید و معالجه باید نمود شافی مطلق شفا خواهد بخشید
نوشته بودند که ادویات حضرت ایشان تمام میارد
میکویند که تنک در حضور ست لوزن یک و نیم درم غایت

داد

صدور یافته تجسس نموده بازواپس [redacted] فیروزی
برسند اما می نایک هرکاره که زبان انها میداند و
هم از راه واقف است همراه شما داده شده است
۲۲ ترجمه خلیجان انچه از وصول نمودن شصت هزار
هزار و یا نصد و نود و یک راجه منجه یعنی پانجاله
وغیره اجناس از قلعجات و زمه دیوان نموده رسید
گرفتن نوشته بودند معلوم و مستحسن شد موروض بود
برای روانه نمودن یک سرشته دار انگل و رای کوته
بحضور ارشاد شد لکن سوای ان برای نوشتن حساب
دیگری نیست و از حضور مقصدی دیگر نرسیده و رام کشنا
شانهوک قلعه مسور حسب الحکم سابق معه دو کماشته
مامور بکار سرکار است در باب روانه نمودن آن هرچه امر
معلوم شد از حضور سرشته دار برای نوشتن حساب
انگل و رایکوته روانه شده است باید سرشته دار قدیم
را روانه حضور نمایند و شانهوک قلعه مسور را همانجا داشته

انضمام سید و سیف‌نظر سپهدار حکمرانه که نسبت او شنیده
داده شده است باید که از انجمن علیخان فوجدار
انجا نموده و از تعقیب همراه کرفته در حکمرانی شما هر قدر
مفسدان را اسیر و قتیل نمودن مرغوب است پیش
از رسیدن سواری خاص انقدر کفار را اکر قتیل
و اسیر نمودند بهتر والا نه انچه دیدنی است خواهند دید
و سواری خاص هم مقرب رسیده و اند

انچه دلاور خان توانی و دلیر حیدر باید که شما بسیار
بخبرداری و هوشیاری بجای خود بوده کفار را از ایلات
و سیله سازی می پرداخته باشند و اصلا بر خاص
از طرف سرکار ما انها معلوم شدن نباید داد
انشاء الله المستعان عنقریب سواری خاص بدرقی
افراز انضلع شیخوپوره یعنی رسیدن سواری خاص
مخفی دارند

انچه شما در خصوص جهازات انها کو ریال جهازات و غیره

علاوه شمار اهراه کرفته بغزی آمد حاضر باشند

و والی
۴ خان رفیع مکان سلمه الله حافظ فرید الدین خان عرض
رسانید از نظر کذشت و کیفیت مندرجه موضوع کشت
برای نماز جمعه مسجدی که نزدیک کنبد معیت رفته ادای
نماز نمایند و هم برای سیر و شکار میرفته باشند عرض
موسومه نواب مختار الامرا و نواب اعظم الامرا ای صمغ
فرستاده بود در رسید مضمون ساخته و خریطه حضور
موسومه نوابین مذکور روانه حیدرآباد نموده شد و
برای نماز و بزه بر سنکاهلیه ما بنمود

۴ سیف الدین در جا کار شادی در پیش است انشاء الله
نوشته میشود که در بنا آمده بعد فراغ شادی مذکور روانه
شوند

۴ انشاء دار و غه دار الضرب فرخی معروض بود که در دفاتر
مسل روبری دیوان کذاشته شده فی اطل حساب
چهار و نیم دک کم کرده معلوم شده بمطابقه آنچه کمی شود شد

بعد رسیدن [illegible] دیگر از حضور شان بهوک مذکور را
روانه حضور نمایند

[illegible] روز بنه آدل کچهری عسکر از نظر گذشت و ها بندن لار بنه
کچهری مذکور معرفت پور بنا خوب شد

[illegible] باید که راهداری رود درست کنانند
دمر دم علاقه خود بهیچ جا فرستادن درکار نیست

[illegible] کتب علاقه غلام حیدر برآورده ارسال دارند

[illegible] دیوانان فرخی هفت قطعه عرضی مرسله معروضه
۱۳ و ۱۴ و ۲۷ ذاکری وغیره و هفتم و نهم رحمانی بیست و سیوم
ماه مذکور از نظر گذشت و کیفیت معروضه مفصلا مطلع
گشت عنقریب سواری خاص رسیده دانند دل پیش
از رسیدن منشور بدولت و اقبال رونق افزای انجا
بشویم و دو قطعه منشور موسوم راجه کوتکری و کرت نار

افهم

46

ام زاری محمد علی دویم دیوان فرخی و یکهزار و صد و
چهل و دو نفر نامجار و تیروشالبر و غیره اشرا بابت
دبستار نزد ایشان فرستاده شد و یادداشت
تفصیلی داز اسم قوم ملفوف است باید کا اینها را خبر
کرده داخل اسلام سازند و به نی نفر مردشش دست
رخت یک کلاه و به نی زنکه هشت دست رخت
و یک چوپا بموجب حکمنامه مرحمت و بقید نگاهدارند
اگر دران تفاوت و عاوری خواهد شد باعتراضیه
خواهند آمد

غره ماه رمضان دویم نشور بکلور اشرف صحیح معروض نموده
بودند که ایشان سوسید پیر قلعدار و عامل و متصدیان
پیمایش زمین نموده یادداشت آن ملفوف است
معلوم شد باید که تمامی زمین پیاده ها را پیمایش نموده
پیش ان ارسال حضور دارند

ه دار و غیره یک کتاب تفسیر حسینی خواه در یک جلد

مرا خواهد آمد انجا از کمی مزدوران مانع
توقف تیاری فلوس ها و غیره میشود نوشته بودند
معلوم شد باید که همه را تاب مدهوان بگویند که توقف
تیاری فلوسها بعمل نیاید

۴۴ رای میرزا علی نقی آقا پیش شاهزاده عالیقدر
عرضداشت مرسله متضمن کسلمندی مزاج خود و
اسندعای حکم رسیدن کلب علی قلعه دار کشکو به
نزد ایشان معروض نموده بودند معلوم شد جابجا
پروانه مبنی فرستادن ایشان برای رسیدن نزد شما
براسکدار روانه فرموده شد خواهد رسید باید که
چندی بدارالسلطنه تبریز بوده بمعالجه پردازند
بلطف والله تعالی صحت خواهد شد

۴۵ خواجه رامچند رحسب عرضه شما امداری
نبابر طلبیدن همشیره و فرزندان ایشان از بانکیپات مرقوم
و ملفوف است

A. Sa 1246

دو پروانه جهای فرستادن نامبرده نزد قلعدار بنگلور
کشا جی چواپی که در سوار کچهری سابق سرشته دار
بود از خدمت معزول شده بخانه خود در تعلقه شما
نشسته است طلبداشته مع یک زمار دار طعام برد
یک نفر دیگر منقید ده نفر پیاده نزد قلعدار بنگلور
روانه سازند و بر خانه اش نیز ک پیاده ها داشته
نقید دارند که کسی امد رفت نکند

ایضاً غلام محمود تعلقدار سلیم محب معروضه شما
راهداری دو صد راس کاه نبایر فرستادن
سرانجام اهنی و تهانان ببری و غیره برای السلطنه
بین ثبوم و ملفوف است

ایضاً تعلقدار علیحده و بدیوان و بخشی ده کچری خواهی
فرمی و نیام عبد الزمان خان و عامل و قلعدار کورنل
بیش از هفت ماه سواری خاص نبایر بندوست یک
فرمی رونق افزا شده تمامی بهادر و بالای را طلبداشته

وخواه دو جلد باشد از کتابخانه سرکار برآورده و
بران موجبانه و بیزه با حباط بسته سربمهر براسک از
راه کوریال روانه حضور سازند و نوزده جلد کتاب
فخرالشیوخ نیز روانه حضور نمایند

~~قلعه دار موضع شوران نگور کشایی~~ جوابی که در
سوار کچهری سابق سررشته دار بوده خانه اش در
تعلقه هسکوته و باکولارست و شارابه از دست
مذکور معزول شده بخانه خود نشسته است و برای
فرستادنش نزد شما پروانه بنام قلعه دار و عامل هسکوته
و کولار مرقوم و ملفوف است باید که او را طلبیده داشته
در یک خانه علیحده مع یک نفر دارطعام بروز یک وقت
دیگر گذاشته و برانها بزرگ داشته باحباط و خبرداری
گذاشته کیفیتش بحضور معروض دارند و نزد شارابه
احدی را آمد و رفت کردن ندهند

~~قلعه دار و عامل هسکوته و کولار بیک مضمون جلیحده علیحده~~

جنگ و هنگامه را شنوندان و الله المستعان بر شما
مطابق کتاب الله حکم خدا و رسول خدام جاری نمود
بکقلم نامی ملک را شرک نا سلام نموده قوم احدی مقرر
کرده خواهد شد نوشته داد همه ها را تاکید سانه سواری
خاص جلوه افزود ربدار السلطنه گردید بعد چهار ماه "
دار الحرب ان هنگامه را دفع دبر با نموده بکقلم منحرف
کشته با فوجداران قبایل جنگ و فصول بسیار کرده
به تنگ آورده بودند بمجرد دریافت مادر بحطای
کفاران بار سواری خاص منسوبه ملک فی کشته موافق قرآن
حکم خدا و رسول خدام بیش از یکهزار و دو صد سال
شده بود همه دران انچه که جهاد بعمل آمد مابود همه از
کتب قدیم معلوم است بعد ازین جهاد هیچکس بعمل
نیاورده بود بعمل الهی و باعانت حضرت رسالت پناهی
صلعم درین زمان که جهاد بعمل آمد هیچ احدی کسان
هیچ حسنات نمیرسد و از باعث جهاد اکثر کفاران خود

وجدل

احوال داد و ستد رعایا دریافته
مید اوند حقه سیوم معاف فرموده و
برمضمون تفصیل نوشته داده شد که در دادن محصول
شما سیوم حصه تخفیف نموده شد تا میکه برایستی و درستی
در کار تراید زراعت مامور بوده نزد سرکار رسیده
در اطاعت عمال سرکار حاضر نموده باشند و در قوم با
زن را شوهر و شوهر را زن مغرر نیست مثل همام سوای
مادر و خواهر و دختر باقی با همه اکه معرف شوهر خوب
نیست بلکه از افعال شنیعه بازمانده هر کس از
برای خود یکیک زن نموده در خانه خود نگاهدارد و غیر را
پیش زن خود آمدن منع غرض اینچنین بی امور
نامناسبه که بود نوشته و در اخر حکمنامه اینهم نوشته
شده بود که از بعد بمجرد شما قرب یکماه سرکار
سرکار را گذشته و باز ما شرارت میکردند عالا از بکار
باز آیند بار دیگر اگر شما شرارت نموده ما سرکار
بنگ

اند طلبیده معه بهر و رساله احشام از کنل من تنا تبعلقه و
نواح کوتنکری و چرکل کرسواری خاص رونق افزاست
روانه شده بحضور رسند

۱۰ اعلام جلیل شرشنه دار و نامدار و مایلهای محتشم ثابت
تعلقات ملک کرت نارد کوتنکری را جمع نموده
روانه حضور سازند اگر برای جمع شدن مایلها و غیره
توقف شود بافعل سرشنه داران را معه کواغذ
حساب زود روانه حضور سازند

۱۱ حکم نامه باسم محمد علی بخشی احشام حضور شما نامه
رساله مردم احشام و محمد علی و صوفی و ماهی محمدی
با صد نفر محمدی بقلعه کنباری رفته از آنجا بفاصله
یک دو کروه که کفاران قلعه مذکور جمع بستند از
معرفت محمدیان سراغ شان بهر سانیده روزی
که از لشکر ظفر پیکر روانه میشوند همانروز از دو سه راه
رفته همه کافران را اسیر نموده نزدیک قلعه مذکور فرود

بخود بامردم متعلقه خود قبول اسلام نمودند در هر مکه خواست
که از اهل اسلام کسی جهاد نماید و باقی اهل اسلام اگر وقت
جهاد نرسند انها هم داخل ثواب اند یعنی بجمیع اهل اسلام
حق سبحانه تعالی ثواب عابد خواهد فرمود و خوشنودی
خدا و رسول خدا و خوشنودی جمیع کافه اسلام است لهذا
حکم فرموده میشود بروز جمعه اهل اسلام را در مسجد جمع نمودن
این منشور را خوانده بهها اظهار نموده بگویند که بعد
فراغ نماز جمعه دو کانه شکر بجا آورده مستدعی شوند
که حق سبحانه تعالی همیشه همچنین فتوحات نصیب کاعابد
نماید و بعد نماز جمعه مست و بکنیز ب در خش سر نمایند
و بخانه اطفال شکر کرفته بجمع مردم تقسیم نمایند ان المنان
غفر بیاری خاص روزی افزایش ارکان سلطنت شکر دو

افاضل خان سپهدار این فرامین را طلب نموده فرموده
شده است باید که در خشی و صندوق سر انجام و صندوق
متمک دشتان شهاب و بنزه که در خوش لشکر داشته

نابارو وغیره چه درکار و قبکه مکتوبه از حضور مرحمت خواهد
مطابق مرقوم ان معمل بایدآورد تا انزمان نزد عملدار
باشند

۱۶ داروغه خزانه بتعین عرضداشت مرسله معه یادداشت
افزاد برآورد تعلقه قلعه از نظر گذشت و ادن روز رتبه
بتعلقه قلعه معرفت پورنیا مستحض شد و رسیدن
چهار هزار و پانصد و چهل و پنجهون حیدری وغیره و
پنجاه و پنجهزار روپیه بهلجی وغیره از تعلقه فیض حصار
درانجا معلوم شد باید که زر مذکور صرافی کنانیده
و داخل خزانه ساخته رسید برهند

ایضاً میر محمود و سپهدار شمار امعه قشون برای رفتن
برای کردن شکوه حکم فرموده شد باید که تا بانزدهم
ماه احدی در افضل ابادی نکرده بموجب حکمنامه
بعمل آورده بتاریخ مزبور ماه مذکور از انجا روانه شده
به بیرمابین رسیده در بخش و خلاصی و بجاردکانی

آمده همه را در یکروز از معرفت محمدیان برنج و ماده کاو
طلبیده طعام تخته همه را خورانیده داخل زمره اسلام
نموده همه مردم را از محمدیان مزبور ساخته تاکید کرده
که همه را خاتان کرده در خانه های انها بجال بگذارند و
از همه کار دو سه روز فراغت یافته روز چهارم
بحضور میاینده نکات راد فارسی نویس را مانک
کاشته هندوی نویس همراه خود برده پیمایش عرض
وطول قلعه کنانیده پس آن بحضور ارسال دارند
ه اردوم دیوان فرخی سیستانی نامی را بخدمت عالی
قصیده فرخی سرفراز نموده موکتاب مکرمه روانه نجف
فرموده شد خواهند رسید باید که شما اله را بکار مرقوم
مصروف داشته کمار سرکار سیکرفته باشند
انجا غلام حسین شیخ الاسلام عرضداشت مرسله
متضمن روبوش شدن رعایای نایار موضع لوهانی
از نظر گذشت شما را از روبوش شدن و یا طلبداشتن

بخش که برای توپخاری قلعه مرکتل مذکور مامور شده است
رسانیده کاوان خالی همراه خود گرفته بحضور برسند

انجا تربیت علیخان دبیر عرضداشت مرسله
معه صندوق خط کوتر چاپتن از نظر گذشت توپچی
هرکاره مذکور را گفته باید رسانید که لشکر فیروزی
بغاصله بعید است جواب عریضه آورده شما متعاقب
خواهد رسید بافعل شما باز پس بچاپتن بروند

داداره عرضداشت مبلغ شصت روپیه بابت
حافظ فریدالدینخان از معرفت سید محمد قلعدار گرفته
عوض ان روپیه های علاوی مذکور را داده باینده
وکیفیت روپیه های مذکور معروض دارند که کدام
قسم انروپیه وزن است

انجا قلعدار چاپتن عرضداشت مرسله خط بندوبی
معه یادداشت حافظ فریدالدینخان از نظر گذشت
دریادداشت مذکور مرقوم بود که نزد خود شصت روپیه

باب اول پیش کچهری که در پیرامون داشته اند همراه
کرفته به پیش برسند و در خرش و خلاصی و غیره معوکید
دسی دیه جوان عسکر قوم شیخ بابت قبحاتی ظهیر آباد
که نزد شما هستند بخشی اول پیش رسانده و پیش
صد کار و صحابت شیخ حیدر چوبدار که نزد شما در شاه
شده معه چوبدار تحویل دار و غه خزانه پیش نموده رسید
بگیرند و خود و قشون روانه شده بجرائی مکان مذکور بروند
دو هزار و نه پیاده با سلاح و شصت و یک پیاده بی
سلاح و بست و یک نفر کماکی صحابت ملا ملک رسالدار
معه نایک هر کاره کوبندر آدار راه کتل مشار والیه
صفور سازند

~~ایضاً شیخ امام سپهدار شما را موقوف صفور~~ فرمود
شده باید که بر دو صد رأس کاو که سابق تحویل
ایشان نموده شده شالی بار کرده همراه کوچ داده
بالای کتل ناپیر جری رسیده شالی مذکور بسپارند یک

راهداری جابر طلب قبایل ایشان دهم قبایل سبوانس راد
منشی کچهری ایشان از نظر گذشت حسب معروضه شما
ته راهداری مذکور مرقوم و ملفوف مسترقوم بود که اگر
مکم شود بسر خود را بعد فراغ نماز تراویح ماه رمضان المبارک
باستان بوسی جهان روانه نماید معلوم شد
رمضان المبارک در انجا که میرسد در جا هم خواهد آمد
باید که شتر راله را بحضور روانه سازند که نماز
تراویح ماه مذکور بهمین جا ادا خواهد کرد و راهداری
نبر مرقوم ملفوف
الضا عظمت الله خان دارد عدد دهم چهارات کوریال
انچه از نبودن مارنا رجیل و رسن وغیره معروض
نموده بودند معلوم شد در حکم مرسانوشته شده
که خلاصیانرا در موسم بارش خالی و بیکار نشانند
از ضخایر طلبداشته از دست انها رسن تیار
کنانند حکم مرا بطاق نسیان گذاشته و نمی بیند

باقیست و در نجا رایج نمیشود حکم عوض ان مرمت
کردد بعد ازین اقلام می آید که زر مذکور از مشارالیه گرفته
بداروغه خزانه ملکه پرداخته موسومه داروغه مذکور رسانیده
و عوض ان روپیه های طلا دلی گرفته بمشارالیه میدهند
و کیفیت روپیه های مذکور مشارالیه معروض دارند که کدام
قسم انروپیه وزن است

بعضا بدر الزمان خان نوشته بودند که از انجا که
ما در موضع ملک دار تعلقه کمندرکده بابت اخراجات
راه هولکر سب الحکم حضور زمینداران راه مذکور
واگذاشته شد و مبلغ سالگذشته موصول و
داخل حساب کردیده در جناب هرچه امر موضع شده
واگذشت اراضی مذکور خوب شد و زر موصول سال
گذشته که داخل حساب کردید سخن کشت مسترد
نباید ساخت زیاده چه نگارش رود

اشرف علیخان عرضداشت مرسله مشعر بادوات

رایداری

A.S.B. 1116

درکار باشد برنگارند که فرستاده خواهد شد

ایضاً به نه کچهری سوای فرخی و جمال آباد در تعلقات شما

معلم مغنی ملان که طفلان را درس تعلیم میدهند بت

شخص بهمرسانیده سرفرسه چهار راهی برای خرچ

راه داده روانه حضور سازند که بکار و خدمات

قضا سرفراز فرموده خواهد شد

ایضاً زین العابدین دیوان فیض حضار عرضداشت مرسله

منضم روانه شدن معه قبایل خود و سواد

هندی نویس و دیوراد مقدی فارسی نویس

معه کاشته های او فیض حضار از نظر گذشته

زود در انجا رسیده مطابق مرقومه عمل معه بعمل

آرند

ایضاً حسین علیخان دو قشون که از حضور متعین شما فرموده

شد منجمله ان سه رساله بابت قشون را مجدد راج

هستند حال رساله جمال محمد را مبلغ هشتصد و چهار

وکاغذ سکار را بمعروض نمودن حرف وحکایات
بجا خراب می سازند ایمعنی خوب نیست باید که
مطابق مرقوم حکمنامه مهلک آرند

ایضاً عدد اتفاقا در تعلقدار لوهنگر رسیده دوازده
هزار نفر کفار را مشرف باسلام نموده ازانمان لنبوری
وبهت مار و معبران را که منصارف ربودند بجهور
داشته باقی از همه قرارنامه گرفته واز حضور هم
حکمنامه داده معه عیال واطفال بخانه انها روانه
نموده شد باید که شما هم کفار انرا ایمعنی گفته و
طلبداشته وسلمان ساخته بارمنجانه انها روانه
سازند و لنبوری وبهت مار و معبر انرا باظهار
انعامات شما را از حضور خلعت طلبیده داده روانه
مینمایم پیش خود نگاهدارند مالفعل حکمنامه فرستاده
شد بهمین مضمون از انها قرارنامه ها نوشته گرفته
حکمنامه های مرسله معبران انها بدهند دیگر هرقدر حکمنامه

در ایالت

(12 March)
23 March
1789

Ar 1216

آن رفعت ترتب هم بمزید محبت و اتفاق خواهند
کوشید

۴ سید غفار سپهدار قبل از رسیدن عرضی شما
دو نفر حراج روانه نموده شد رسیده باشند حسب
درخواست ایشان بالفعل بست تهان کبادی
مرسل است بمردم مشرف شده اسلام تقسیم نموده
بدهند و طعام گوشکاو بخورانند و منجمله آن چهار
بچ محصر و عمده ها را باظهار اینکه شما را بحضور برده
خلعت داده رخصت میدهیم نزد خود نگاهدارند
و باقی ها را بخانه اینها روانه سازند برای دادن کبادی
بایروانه بنام عامل طفوف است رسانیده هر قدر کبادی
مطلوب شد بگیرند

۵ فوجدار ساوکار دلاور خانی توپخانی چیش از این بمنصور
نصفت قبیه نمودن نایبان و غیره و داخل نمودن در
زمره اسلام اینها را زیب نگارش یافته بود و حال هم

راهی برای خرچ بطریق علی الحساب داده روانه نمودند
دویصد و هفتاد و چهار روپیه مابت رساله مذکوراند
باید که اینها را داخل منشور کرده نوکری سرکار میکرده
باشند

نام نخجیران بکلور عرضداشت مرسله معروضه
بازدهم ماه ربانی سنه غریطه مهتابی مابت چنابتن رسیده
داروغه کنول میلا نوشته بیست و چهارم ماه مذکور از نظر
گذشت جواب غریطه مذکور مرقوم و مظروف است باید
ازانا نزد داروغه مزبور فرستاده بنویسند که صحابت
جوری همکاره که از چنابتن آمده است روانه نماید

انصباکو از چنابتن رقیمه خبرت ضمیمه عرضداشت
خود بچنابتن بتقرر خدمت کوتری همره ارای وصول
شده مسرور و مشرح ساخت افزائش اتحاد
و دوستی که فیمابین سرکار اسد اللهی و کمپنی انگریز
مبسوط و مربوط است بهمه وجوه مطمح نظار و شد از عکس

نوشته که منجمله مقصد پیاده سید پنجاه پیاده
رسیدند معلوم شد بنی اینها برادری دارد مرتبه
مالکوف است وارشیخ برادرش که در انجات
موجودات گرفته حاضر کند زیاده چه نگارش
رود

~~الصاقی محمد غوث دارد غه مودیخانه حضور انچه از هم سر~~
بوریه ها بابر بلبشن موری های فلفل سیاه مقرر حمل
بود معلوم شد باید که انچه بوریه های بهمد رسیحی فرستن
نموده فلفل سیاه روانه فرمی نماید که در انجا موریها
خواهد بست مع مقرره شما بمحفوظیت فرستاده
شد همراه فعلی روانه نماید زیاده

~~الصاقی فوجدار ادم خان دبا بار ضابطه فوجدار~~
حسن ابادعرف ساوکار زیب نگارش می رود
شما را برای بند وبست مع تعلقه مقرر فرموده
مکتوبه علحده بمهر خاص نوشته معرفت محمد عیسی آدل

بقلم می آید هر کسی کار از قول و خود بخود آمده مسلمان شوند آنها
را مشرف باسلام ساخته و سر تفرشش دست باو
یک کلاه و یا مانت هشت دست یارچه و یک جوال
داده و برای خوراندن طعام تعجال هم تاکید نموده شد
شما هم تقید داشته و طعام خوراند

[illegible] عبد الرزاق عرض میکند دو معتبر نامبرده که در برک داشتن
خوبشد برادر نسبتی نگارم و دیگر معتبر انکه قوای می
خواهند معروض نموده بودند باید که قول داده هر خواهش
طلب داشته در برک گذاشته معروض نمایند
قلعه سیاه هر جاکه باشد از اطلبده یکجا جمع نموده
برک بگذارند یکرساله بدهن خان نیز پیش شما
روانه نموده شد از اعمراه داشته در هاشته
طلا و نقره و سر و غره سرانجام انچه باشد متصدیان
خزانه از حضور روانه شده اند رسیده باشد در حساب
متقید و خبرداری نوب بنده ارسال حضور نمایند

دانسته بوده

This letter
seems to have
been written
by the 6th
Khalifa
Abdul Rezak
the 6th of the
Sheikh Zaid
1217

از نظر گذشت مرخص و اجازات که منشی دستوای ارسال
بنی های زیر مذکور در عرضی هم مجمل مجمل و اخلاق که بغلان
کهری و بغلان متعلقه دهانیده شده است معروض
می نموده باشند عرضی عامل خوشحال بور که ملفوف
عرضی مرسله ایشان بحضور رسیده بود باز داشت
ملفوف است و دور بجیر فیل معه فیلبانان و غیره
که از انجا آمده است باید که از اداره کار خانجاتی
که نزدیک و مناسب بود داخل سازند

الفاضل عبد الرزاق عرض بیگی معروض نموده بودند
که نمس و غیره سرانجام سرکار در نجا بسیار است بر
کهاری معمی دیا دوله که بهم میرسد زود روانه میشود
معلوم شد محمد علی مردیه چاوش را متعلقه برای
و غیره روانه فرموده شده است دونی ها گرفته برسد
باید که بران دونی ها نمس روانه سازند انچه از
شرارت دشمنان سیاه معروض بود معلوم شد

۱۲۱۶

Inhmeg

بخشی جیش کچهری دوم فرستاده باید که در اطاعت
بخشی مذکور در امورات سرکار بوده مطابق حکم به
بعمل آرند جمعیت همراهی شما و قلعجات که از سابق
در ان چندکس را تبدیل نمود عوضی آن تقرر
فرمود از حکمنامه مرقوم گشته است مطابق ان جمعیت
مذکور نزد شما خواهد رسید

ایضا بنام میر محمد علی بخشی اول ردیم جیش شرف صدور
می یابد حکمنامه و پروانه موسومه هردو فوجدار حسن آباد
عرف سادکا دبهر خاص مرقوم درسل است باید
انرا نزد هردو [illegible] فرستاده رسیدش
طلب داشته بحضور بفرستند زیاده چه نگارش رود
مرقومه احدی سال سراب سنه یکهزار و دو صد و بعده

محرم

[illegible] دارد نقل های حواله بتن عرضداشت مرسله محمد افضل
خرچ انجا معروضه چهارم ماه احدی بدوازدهم ماه مذکور

انقاد کن

Records the month of
Rabbiny of the year
1216 or 1217.

This section includes
also a few Letters of
the month of Ashmed
of the Ordinary year (217)
i.e. to the 12 inclusive
or 12 April 1789.

رساله بدهن خان را فرستاده شده است انزاهم
همراه کرفته جا سکه کفاران پنکامه آراسته اند تبه سازنما
رد صندوق سر بمهر بابت کلس وغیره طلای و نقره
ارسال نموده بود در رسید معروض بود که بجاه نفر
مزدور بهمرسانیده چنانچه قوم تیردا صنکر بجور انعول
داده طلبیده اند اینها را مزدوری در شالی آنانت اکر
حکم شود دیر بهتر است اینها را در شالی مکذارند مزدوری
داده دیکر کسان هم جمع نمایند دیر بارا نکشته
طلا و نقره و مس وغیره مصارف هم از تقید برآرند

37

هو الغنی

سنه ۱۲۱۷ محمد

نشانبر قبض تاشیر [illegible] حبت و هفتم ماه رجبی سال سراب

لغایه اخر ماه ربانی سال سنه ۱۲۱۷ محمد مرقوم بخط غلام حیدر

نشانی

لا مو قطعه

سنه ۱۲۱۷

[illegible] حبت و هفتم ماه رجبی سال سراب

۱۲۱۷ لغایه اخر ماه ربانی سال . لغایه اخر ماه ربانی سال مذکور

مذکور سنه الیه سنه الیه

مالی قطعه احمامی قطعه

سنه ۱۲۱۷

[illegible] ماه رجبی سال [illegible]

لغایه اخر ماه مذکور سنه الیه . لغایه اخر ماه ربانی سال مذکور

مالی سنه الیه

مامونی

مرقومه حبت و هفتم ماه رجبی سال سراب [illegible]

1st March 27 = 12th April 89
27th February Do = 9th June 1790

in February, Letter begun
with Remarks, of Mr Hunter
of the Jean Sinclair from Bay
and Letter, and of
Letter closed with
the Surgeon (Mr Hunter)
of Sierra Leone 1215.
Three years & six months
in the service of the
Africa Company.
The Chart is between the 12th
of April 1789 and 9th June 1790

دیزه که جنگی است همراه دارد غه اول حسن خان دوازدهم
دوم کمال الدین بزودی روانه ساوکهات نماید
مرقومه حب دهم شهر جمادی الثانی سال سراب بسامی محمد نام
اشرف علیخان آصف جاه آباد عرضی مرسله
معه دو خط که کونجی تمنا بشما نوشته بود و یک مسوده
خط شما که تمنا میرده مرقوم ساخته بودند بنظر انور گذشت
چونکه تمنا میرده یکی از کافران حربی و دشمنان دین نبوی
است بهر طور و بهر نوع در دفع ان کافر مدکوش سعی
نمودن و بقتل رسانیدن از جمله عباد تهامه الکات
پس در دفع این عدوی دین بحکم کلام الله قسم واقسم
هم مضایقه ندارد در اینصورت باید که آن عظمت و
رفعت نشان بهر قسمیکه دانند و توانند خواه از قسم و
واقسم خواه از حیل و فنون کونجی تمنا را بکیر آورده
بقتل رسانند که اینمعنی موجب رضامندی خدا و رسول خدا
و خوشی خاطر اقدس اعلی است پس در اینباب سعی موفور

سید عبد الله عبد روس و سید عبد الله هادی و شاه محمود
و علی بن الحسین هر چهار تن را چهار نشور بهین
مضمون بفصل آلهی و باعانت جناب
رسالت پناهی همگی مشرکین ضلع فرخی مشرف باسلام
رسیده مرکز ظلیلی در انطرف ملک کوچی باقی آند عزم
صمیم است که اینها را نیز مرد ولت اسلام سرفراز و ممتاز
سازیم چونکه مقدمه جهادست بان حقایق آگاه نیز
مرقوم میگردد که همه مجدیان علاقه خود را همراه کرفته
وافر النور برسند که در عرصه قریب از بیعتی فرا
حاصل نموده صاحب رامعه مجدیان روانه خاه
نموده خواهد شد ٥

فرموده رب العلمین شهر رمضانی حال سراب [illegible] محمد نام
محمد سعید عامل خوشحال پور سابق هم در باب روانه نمودن
چهار ات سرکار اسد الهی زیاد تر تام یافته بود دکر مرقوم
میگردد که بمجرد ورود منشور فیض کنجور مرقوم چهار [illegible]

Received
Beantwortet
XVV

بدر الزمانخان سه قطعه عرایض مرسله شما بنظر انور رسید مکدشت
در ابنولا در ملک فرنگی مقدمه مشرف باسلام نمودن تمامی
کفاران را در پیش و منتظر بفضل الهی و باعانت حضرت
رسالت پناهی صم قریب چهارلک مردم کفار مشرف
باسلام و از ایمان سرفراز و ممتاز گردیدند فی الجمله کفاران معدود
بارام نابرطعون که باقی مانده از ان خبر بفضل الهی و باعانت
حضرت رسالت پناهی صم عنقریب مشرف باسلام و بایمان
سرفراز خواهند شد در ابنولا سواری خاص شوره مقدمه
مذکوره است بنابران رونق افزای دارالسلطنه در تعویق
مانده دین و جهاد با کفار از دیگر امورات مقدم و
بمطابق کلام الله معظم کار انگاشته اوقات مصروف
و مامور بر امر شریعت پرداختیم بعون الله عنقریب
بمنصه ظهور خواهد آمد باید که ان رفعت پناه بجمیع بزرگان
دین و علما و فضلا سوال نمایند که همه مسلمین دست
دعا بدرگاه قادر علی الاطلاق برداشته در نماز بنجگانه

از اهم امورات انگاشته بزودی آن کافر را بکیفر اعمال
اطلاع دهند تمامی کفاران آنملک را مسلمان سازند
واحدی را باقی نگذارند که اسمی هم باعث کرشکنی آن
کافر شد ۵

مرقومه جات دهم شهر رمضان سال سرانجام محمد جانم
میر فخرالدین بخشی نجم عسکر همه متصدیان تعلقه کچهری خود
معه طبلچی و چند جوانان که روانه کردنی است همراه خود
گرفته بحضور سپاه راهداری مرقوم و ملفوف است ۵

مرقومه جات دهم شهر رمضان سال سرانجام محمد جانم
غلام علیخان و لطف علیخان و جعفرخان بموجب نوشته
شما تاکیدات باسف فرمی برای روانه ساختن شما
بحضور پرنور معه سامان و سرانجام زیب ارقام یافته
باید که شماها از قرمی روانه شده از راه ساوکهات
خودها را بحضور پرنور رسانند ۵

مرقومه جات دهم شهر رمضان سال سرانجام محمد جانم

1790 February
20 [illegible]

است بر مراکب سرکار دراینجا نفرستند

فرزند چهارم راضی نامک سراب بحضور ابراهیم محمد

قلعه دارالسلطنه تبریز عرضی مرسله در مقدمه ندکه

قصاب معه فتوای شرعیه بحضور انور اعلی بگذشت بالفعل

جنون بشرعیت پیوسته معلوم میشود که قاتل را گذاشته و

برهمه قصابان شهر متعدی نموده اند در صورت تعرض

همین است که مبنی و هر فرد کوشش قاتل بجهه بگذارند

فرزند چهارم شهر مذکور سنه ۱۲۶۰ بتاریخ میرزا محمد علی داروغه

عمارت کجوری تبریز عرضی مرسله متضمن کیفیت درختهای

انار منظر انور اعلی بگذشت منجمله بیست و سه درخت در

حیطه قلعه باغ است دو درخت را در همان باغ دا

بی سبزده درخت در دریاچه دولت باغ و بگمان همه درختها

نشکنند و در پرورش واجب طالبها سعی موفوره

بکار برند

جناب فرزند چهارم شهر مذکور سنه ۱۲۶۰ بتاریخ میرزا محمد

همین دعا بر دارند که اللهم انصر من نصر دین محمد و اخذل من خذل
دین محمد که فی الحقیقه در ضمن اینده عار رضای رب العالمین
روح مبارک جناب ختم المرسلین است و تجمیع مسلمین
فایده این فرصت نکنید و شصت و پنج اسپ مال
که بجز در آمده بسیار باشد آینده هم مردمان خود را
بطرف مان فرستاده اسپ ها طلبداشته در طول
بسو مادیان کماله فرستادن جوانان حبش مدار السلطنه
تین پر لمی اذبردن تفنگ بسیار باشد بموجب معروضه
ایشان مناسب موقتی محمد محمد دم صدیقی و همانخان بلغی
مناشیر روانه کرده است

فرمود چهارم رادی مناسب اسپ بسته محمد نام حامل
خوشحال بود یک بسته مناشیر موسوم راجه رایدین
راجه ملک کچه در اجمیر خواص و بنده مرسلت این بسته را
نزد شمس الدین و قطب الدین دارد و نهای کوتحی ملک
کچه روانه سازند و سرخ سیاه و بنده اجناس که فرستادنی

بالفعل دو بخشی زیاده درکار نیست ازهمان دو بختی ها.
کار روائی میکرده باشند

چهی نرومه دهم راجی بنام عبدالرزاق سپهدار هرقدر
نامبرده بتیرها که نزد شما فرستاده میشود بایه که انهارا همان
وقت خنان کنانیده و یک پارچه کهادی چهار دستی
از نوشکی نه سرکار دهانیده تا سه روز احتیاط و رسم بندی
کنانیده روز چهارم انهارا بگذارند و تا سه روز برای عوراب
فی نفر هر روز یکیک دک برنج و یکفلوس دنبه برای انجام بیماری
مریم از مودنخانه سرکار دهانیده باشند و چ دک مریم یکمرتبه
تیار کنانیده نگهدارند تا بمعالجه همه ها بکار آید

چهی نرومه دهم راجی بنام کاربردازان نوشکی نه
هرگاه سید عبدالرزاق سپهدار چهی بمهر و دستخط خود
برای درخواست کهادی های اهدیان که فی نفر چهار
دستی کهادی مقرر نموده شده است بفرستند کهادی
ها سیداده باشند

جمال اباد عرضی مرسله در باب ضایع شدن حکمنامه و دواب
فرستادن ان بحضور پر نور شرف انضمام یافت مقارن
حکمنامه دیگر از جانب نبیده فرستاده می شود بموجب
آن کار بند باشند ۵

مرقومه چهارم راجی بسوال سرات بنام محمد جان
وارد فیلخانه کیفیت عرضی مرسله اشرف بوضوح
پیوست مسبوق المعروضه شما تاکید بقلمی ارقوشته شده است
از نامبرده پیاده گرفته نزد فیلان حاضر دارند بموجب
نوشته سابق مراجعت دیگر فیلان را براه گرفته روانه
سلام اباد شوند معروضه انجش فیلها را علاوه آراسته نموده زنجیرها
داگرده خالی گشت کتابنده معروضه دارند که فیل مذکور بحضور
طلبیده خواهد شد که در حضور بررسی آراسته خواهد
گردید ۵

مرقومه دوم راجی بنام محمد عثمان راجه فیلی وارد فیلخانه
عرضی مرسله بنظر گذشت مفصل کیفیت بوضوح پیوست

بافضل

رواج دهند و در تمامی ملک دینی بوفور تیار می ساخته
باشند

مرتبه دوم از ایلات سمنان بسلام علی راه کتابور
عرضی مرسله متضمن قلت جمعیت خود و عدم فرمانبرداری
شما سرداران قدیم محمدی موضوع نیوست انشاء الله تعالی
بعد ازین بدستور معمول سابق حسب الخواهش شما
سرداران محمدیانرا در اطاعه و فرمانبرداری شما داد
خواهد شد در اینوقت هر قدر که جمعیت خود موجود
همراه کرفته بحضور برسند و در اینجا هم قریب ده هزار
محمدیان مجتمع اند باید که شما هم از شرف جهاد که ازین
سعادت عظمی در دارین نبوده و نخواهد بود محروم
نباشند هر آینه امیدی موجب خوشنودی خدا و رسول
و رضامندی خاطر اقدس معلی است و در ضمن این
بهبودی امورات دنیوی خود هم شناسند و بیست هزار
محمدی که حاضر اند همه را از ذمه شما نموده بر کاری مامور نمود

فهی مرقومه دهم ماری جناب مدار دخه مودبخانه ایرکاه
سید عبدالرزاق کسبهدار رسید فهمی بهمرود سخطاوند
بهمت درخواست یکیک دک بریخ و یکفلوس فی نفر
احمدی و نیز سرانجام تیاری مریم برای علاج و درستی
خان انها عزیز سند میداده باشند ۵
مرقومه دهم ماری سال مذکور رسیده جناب مشیر خان
آصف فرخی عرضی در باب روانه نمودن دولک
فلوس بحضور انور بگذشت باز انچکه فلوس اولدفعی
دیم پاره دیزه تیار و موجود است بحمل همین بار بردار
که ازیجا واپس فرستاده شده است روانه حضور معلی
سازند معروض بود گردد تات بنی در انملک نابات
لهذا مرقوم میگردد ده نفر احمدیان هشیار دیده بحضور
روانه سازند در ایجا تعلیم تات بنی سازی آموخته
نزد شما فرستاده خواهد شد و از انها اکثر احمدیان
دیزه باشندگان ملک فرخی تات بنی سازی آموخته

حال را اول و دارو نه سابق دوم مقرر نموده شده باید
شما هر دو را بکار مامور سرکرم داشته در درستی و تیاری
باغ سرکرم باشند

مرقوم سیزدهم ماه ذی حجه سنه ۱۲۷۶ بنام سید محمد دوم
اصف حال که از عرضی مرسله سیدی فخرالدین و محمد مهدی
دارو نه های کوتحی مسقط معه ثمنی خریدی شصت راس دنبه
نر و ماده نزد شما فرستاده شده است انچه که دارو نهای
مذکور در مقدمه کمی در وزن جنس برنج و مرچ سیاه و غیره
مورد مداخله آیمقدمه را دریافت نمانند تا آینده
بهیچ کمی در وزن اجناس نشده باشد دیگر انکه در دو
بست عمال و تجار بعلقه خود را تاکید سازند که مورد برنج
برابر جهاز یک بخته می بسته باشند دار این کم و زیاد
هرگز نشده در اینولا در حضور پرنور نام داوالیاسی
و نام دیگی خضری قرار یافته است شما هم همین قسم می نوشته
باشند

خواهد شد

مرقومه بازدهم رازی نمک مذکور رسیده بنام حسین علیخان
صدور فرمی مجملکه کرفتن ان مفسدین از محمدیان
تعلقه مراد آباد بجهته اسیر آوردن سرکار مفسدین
شرارت دزدان انصلع نسبار بجا و مستحسن شده
شما تاکید بنام تعلقدار مراد آباد در باب موقوفی
رسانکی محمدیان انجا مرقوم است و ملفوفست باید که محمدیان
تعلقه مذکور را بر سراغ و جستجوی نردبار مقرر نموده تا
سازند که در اندک مدت ما بر ده اسیر شود سوای
این محمدیان علاوه محی الدین محمدی را که بجهته تنبیه فساد
مفسدان تعلقه در آباد که مقرر ساخته اند اول دانسته
آینده هم در باب کرفتن مفسدان تکلم و دفع فساد
انصلع هر قدر که سعی جمیله معمول آید بهتر

مرقومه بازدهم رازی نمک مذکور رسیده بنام میر محمد علی
داروغه عمارت کچهری دارالسلطنه تین داروغه مرسله

82
AK/2/917

بحضور معروض صدارند دبیری چترخبر ارسال شد

مرقوم بانزدهم ماه رانی سال سرایت شده بنام
غلام محی الدین بخش چهارم سوار کچهری سابق معروض داشته
بودند که معه جمعیت خود بحضور رسیده سرکرم خدمت
خواهند بود لهذا ازین اندیشی می یابد بحضور رسیدن
ان شهامت مرتبت درکار نیست باید که معه جمعیت
خود در طرف سلام آباد بوده حقیقت وکوائف آنجا
همراه دو سوار و یک نقیب بزودی بحضور معروض
دارند

مرقوم ساتزدهم ماه رانی سال سرایت شده
بنام میر معین الدین باید که شما معه جمعیت خود
مستعد و آماده بوده منتظر حکم والا باشند واز
اطراف وجوانب خود خبر گیران تعین نموده همه معروض
حضور فیض گنجور میداشته باشند

ایضاً مرقوم ۱۶ امه بنام محمد رضا صاحب اول لشکر کچهری

82
AK/2/917
Rukuji
32
33

جام کوتهی واران سقط مرقوم سبزدهم ماه راری
سال سراب سلیم با عامی حسن ماه انچه کمشور صادر
شده است نقل ان ملفوف است باید که مطابق ان
ایشان هم بجامی حسن ظاهر نموده یک شخص ازبرادران
نامبرده را در کورتال بفرستند تا بر کوتهی تجارت خانه
شاراله تقرر کنند در بی فی صد پنجلی نرخ هون حیدری
کهصد و بانزده هون بهار انه است شما هم در عوض دیگر
قسم زدا زین نرخ پنجلی بفرستند اگر اجناسی فی صد یکهون
یا دوهون نقصان هم شود مضایقه ندارد اگر ازین نرخ
بهم رسد بجنس روپیه پیلچری یا منبی یا صورتی او مولی
و نامی و بغزه قسم جلاوتی عوض روپیه برابر گرفته پیش
حامل کهوال روانه سازند

مرقوم چهاردهم ماه راری سال سراب سلیم جام
محمد غیاث عرضی تمهین که بیت سر براسد الهی بشرف
وضوح پیوست بزودی از تباری سر مرفراز حاصل نمود

لفظ

بخشی چهارم بخش کچهری

ایضاً بنام مرقومہ الصدر بہمین مضمون بنام محمد بیگ
میر حراست عمال بخشیان ششم بخش کچهری

ایضاً بہمین مضمون بنام سید علاء الدین دسحاوت علیخان
بخشیان ہفتم بخش کچهری

ایضاً بنام مرقومہ الصدر بغلام محی الدین بخشی سیوم سوار کچهری
باید کہ شما تمامی جمعیت فوج خود را یکجا جمع نموده مستعد
آماده و منتظر حکم والا باشند

ایضاً بنام مرقومہ الصدر بنام محمد محمد دم بخشی چہارم
سوار کچهری بمضمون مرقومہ الصدر

ایضاً بنام مذکور سہ ادہ بنام بہادر خان تلعدار
شنکری باید کہ شما ہمہ اخبار اطراف وجوانب کما
طلبیده بحضور معروض میداشته باشند وبجای خود آماده
ومستعد وخبردار باشند ۵

ایضاً بنام مرقومہ الصدر بنام فضل علیخان آصف

شما معه جمعیت خود آماده و مستعد بوده و به تعاقب
ایشان پرداخته منتظر حکم والا باشند
ایضاً بتاریخ مذکور بهمین مضمون بنام [illegible] خان
بخشی دوم لشکر کهری زیب ارقام یافته
ایضاً بتاریخ مذکور بهمین مضمون بنام خواجه آقا خان
بخشی سوم لشکر کهری
ایضاً بهمین مضمون بتاریخ مذکور بنام محمد علیخان بخشی
چهارم لشکر کهری
ایضاً بهمین مضمون بتاریخ مذکور بنام میر نجم الدین
بخشی پنجم لشکر کهری
ایضاً بتاریخ مرقومه الصدر بنام میر [illegible] بخشی
جهت لشکر کهری باید که شما مردمان متعلقه لشکر کهری
خود را تیار و آماده داشته و هر چیز خیمه ها و غیره آن
را نیز تونکخانه کرفته منتظر حکم باشند
ایضاً بتاریخ مرقومه الصدر بهمین مضمون بنام [illegible] یک

بخشی

38

[illegible] تاریخ مذکور جناب محمد سعید تعلقدار خوشحال پور
هر قدر داد و دهنکی های که ذمه شماست بتفصیل ذیل همه را
روانه کچی نموده تاکید سازند که تا موسم آینده همانجا
باشند و بکوتهی دار انجا بنویسند که اگر بمردم همه خرچ
اگر ضرور افتد در انجا بدهند

[illegible] خضری [illegible] پور

[illegible]

[illegible]

جناب تاریخ مذکور بغلام محمد تعلقدار کوریال است
هر قدر داد و دهنکی های که ذمه شماست بتفصیل ذیل
روانه مسقط نموده تاکید سازند که تا موسم آینده
همانجا اقامت ورزند و بکوتهی داران بنویسند که بمردم
همه خرچ بقدر ضرور میداده باشند

خدا آباد و ابنولاهه سباب درخش و تفنگ و سرب و باروت
و غیره و غیره قلمجات متعلقه بگجهری خود را درست و آماده
داشته انچه از اصف و عمال کرمان است سرانجام آن
بزودی نموده بحضور انور معروض دارند

انضباط بتاریخ مزبوره الصدر بنام صدور بگلربیگی جهان
مضمون بر قومه الصدر

انضباط بتاریخ مزبوره الصدر باشرف علیخان آصف
جمال آباد

انضباط بتاریخ مذکور بنام اشرف علیخان آصف جمال آباد
هر قدر داد و دهش های سوداگری سرکار که در خوشحال بور
و کوریال است باید که در خش و غیره سرانجام سنگین جلدات
را در قلعه جمال آباد داشته مراکب خوشحال بور به کچه در کب
کوریال بمنطر روانه ساخته تاکید اکید سازند که تا موسم
آینده همانی بخشکی کشیده بارند و بگوتهی دارانجا بفرستند
که انچه بمردم چهارخرج ضروری افتد در انجا برسند

انجمنه

88

مرقوم بیستم راجبی سال مذکور سنه ۱۱۸۰ به نام غلام محی الدین
بخشی سیوم سوار کچهری باید که ایشان معه تمامی سواران
علاقه خود را همراه کرفته به خانق آباد پیش میر معین الدین
رفته مطابق اظهار مومی الیه در کار و بار سرکار اطاعت
ورزیده همواره کیفیت انجار امعروض میداشته باشند
و منشور موسومه میر مذکور نیز ملفوف است باید رسانید
بردم علاقه خود تاکید بسازند که احدی مجوز ظلم و تعدی
نشود و کاه و هیزم از صحرا میکرده

مرقوم بیستم راجبی سال مذکور سنه ۱۱۸۰ به نام میر معین الدین
بخشی سیوم سوار کچهری را معه جمعیت فرستاده شده
است باید که فوج سرکار پیش خود حاضر داشته منتظر
حکم حضور بوده هیچکه نوکری سرکار باشد از نابرده باید کرفت
و بردم فوج تاکید دارند که احدی در ملک سرکار مجوز ظلم
نشود

مرقوم بیستم ماه راجبی سال مزبور سنه ۱۱۸۰ به نام بهادر خان

90

مرقوم بست و سیوم ماه مذکور رساله بنام محمد اسمعیل
سپهدار منضم این پور حسب المعروضه شما تاکید در باب
رسانیدن وجه طلب پیاده ها بصدر خدا آباد مرقوم
است باید که مشور تاکید بصدور رسانیده زر وجه
طلب پیاده ها کرفته تقسیم نمایند و بکار مرجوعه خود سرکرم
بوده تتبه مفسدان و نمکحرامان انجا بواقعی پردازند

مرقوم بست و سیوم ماه رازی سال مزبور رساله بنام محمد
بنام فضل علیخان صدر خدا آباد وجه طلب پنجاه
پیاده های متعلقه این پور رسیده است باید که وجه
مذکور روانه ساخته معروض دارند

مرقوم بست و سیوم رازی سال مذکور رساله بنام
محمد غیاث عرضی مرسله متضمن خواندن ادعیه مأثوره
بشرف وضوح پیوست حسب المعروضه ایشان تاکید
بنام داروغهای خزانه در باب مقرر نمودن یک شخص
صالح و متقی و معتمن نمودن شما مرقوم است باید

بعد از لشکری بخشی چهارم سوار کچهری را موجب
فرستاده شده است باید که فوج سرکار را در میدان فرود
آورده معروض ندارند که دهنم صحرا بدانند در رعایای
ملک سرکار امری را ظلم و تعدی کردن نه بندد
ملفوفه در منشور چهارم سوار کچهری
مرقوم بیست و شیوم ماه رازی سال سراب سنه [illegible] نهم
نبدهش شاه قادری در اینولا استماع یافته که مزاج
اقدس جنگسل دارد در اینصورت از خلیم رجوع
نموده در استعمال باید فرمود همیشه خاطر نگران اخبار
اخبار دانسته باطلاع خبر تهاسر ور دانشه باشند
و اشغال در زیدن ان کوهر درج طریقت در اوعیه
مانوره بحسب فتح و نصرت بمقتضای دعای کریمه اللهم
انصر من نصر دین محمد و اخذل من خذل دین محمد صرورت
بقسکه بهبیت سلیمن و خادمین خودیم در اینباب تاکید
خواهند فرمود

برد جی ہما دلال جام نگر مرقوم ۱۴ راری سال سرکار اللہ
دریا بنولا بحضور قرار یافتہ است کہ یک کوتھی درمندی
و یک کوتھی در جام نگر داشتہ آید آن صداقت نشان
ہر دو کوتھی را از روبروی خود تبار کنا نیدہ این کوتھی
بقسمت دہا نیدہ در ہر امورات متعلقہ کوتھی ہا یان
دل ساعی باشند و یکدست خلعت جہاد با جہت برای
شما مرسولست

مرقوم ہشتم پنجم ماہ راری سال مذکور سرکار اللہ بنام دارو غہ
جہازات خوشحال پور در بنولا موسی یکنی مرا نامی سردار
عمدہ فراسیس معہ دو جہاز بر تہ بندر مسطر ملازمت حضور
ایستادہ است باید در خطوط ملفوفہ ہندی را بزودی
از راہ دریا بہ بندر نزد سردار مذکور روانہ سازد مزد
پیغام بردار معلوم کردہ بفرستند کہ برای استقبال شما
مردم عمدہ سرکار اللہ الغنی رستہ ای حاضر و منتظر اند ہا یان

مرقوم بست و پنجم ماہ راری سال مذکور سرکار اللہ بنام سید محمد

همیشه باشتراک این پنج شخص ادعیه ماثوره میخوانده
باشند و چیزی بویه بانها از نوشکی نه میدهانده
باشند

مرقوم بست و سیوم ماه مذکور سنه بنام شمس الدین
و غلام حیدر دار و غه توشکی نه شرف صدور می یابد
پنج شخص صالح و متقی دیده چیزی بویه بانها مقرر نموده
متعین محمد غیاث ساز نه تا مابرده باشتراک این
پنج اشخاص ادعیه ماثوره شروع نمایند

مرقوم بست و چهارم ماه مزاری بنام محمد صفی الله و
شمس الدین و قطب الدین دار و غه کوتهی های که در
مسقط محمد ابراهیم مسلح مکمید رویه که از انجا گرفته آمد
در حضور پر نور در طلب مجرا گرفته شده سوای این مبلغ
نود و شش روپیه دوانه که مابرده برای تیاری کوتهی
سرکار خرچ نموده است حساب آن بتفصیل نوشته
گرفته شما ها از طرف سرکار میرادهند و بدلال برسانند

ادبی کاکا و لال

94

دار دغه مسقط مبلغ یکصد روپیه ۲ محمد ابراهیم که از انجا
گرفته بود را طلب نا برده مجرا گرفته شد سوائی این نود
دست روپیه دوانه که نا برده در انجا برای تیاری یکوتی
مرج نموده حساب انا بمقابل نوب نبده گرفته شما از
طرف سرکار مجرا دهید و بدلال برسانند ۵

بنام بخشی سوار کچهری

مرقوم بست و پنجم ماه رازی سال مذکور رساله بنام
کریم صاحب عرضی مرسله بشرف وضوح پیوست همیشه
خاطر اقدس را منظر اخبار راخبار خود دانسته از اطلاع
صحت و عافیت خود دهمه خورد و بزرگ مسرور و مبتهج
می نموده باشند ۵

مرقوم بست و هشتم ماه رازی سال مذکور رساله بنام
خواجه آفتاب خان بخشی سوم سکر کچهری باید که شما معه
جمعیت هراهی خود برای کوته رفته اقامت ورزیده
بجای خود خبردار باشند که بانصارا منافقه رو داده

آصف تین عرضی مرسله موضوع پیوست باید که شما
حکمنامه خود جنس شهر گنجام تیار کنانیده داخل توشکخانه
ساخته باشند و نیز در باب نوتیاری جنس متعلقه آن
توشکخانه هم مرقوم است در اینباب بکار پردازان کنیم
مزاحمت نرسانند که در صورت تاخیر و دفور
خرچی سرکار نفع و فایده کارپردازان است

مرقوم هفدهم ماه مذکور سال مذکور

شیر خان آصف قرضی عرضی مرسله در باب اینکه عمال
تازه کاری روانه نموده می شود پیش از رفتنشان
رسیده رجوع نشوند بحضور اعلی گذشت عمال مذکور
مقدور دارند که بدون داخله کچهری متعلقه شما روانه
تعلقجات شوند باید که هر قدر عمال کچهری داخلی را
بر کچهری شما عمال روانه کرده باشند همه را طلبیده
مجلکه ضابطه سرکار گرفته پاره تعلقجات روانه سازند

مرقوم هژدهم ماه مذکور بنام محمد سعادت و شمس الدین و قطب الدین

داروغه

داده رسیده بسکرفته باشند و دانه خوردنی اسپان زیاد جمع
نموده بدارند ۵ ملفوفی در منشور ستیم عسکر کهری

مرقوم ۲۴ م بنام محمد علیخان بخشی چهارم عسکر کهری باید که
سوجمعیت کهری خود به بنکلور رفته منشور ملفوفه بنام آصف
انجارسانیده دانه راتب وغیره از آصف گرفته باسپان
سرکار خانه رسیده باشند و برای سکونت شما هسکوته
و بالاپور خورد و خان خانهلی و باکلور مقرر یافته است باید که یک
یک موکب در سر چهار موضع نگهداشته بجای خود خبردار باشند
که مقدمه جنگ نصارا در پیش است ۵

مرقوم ۲۴ م بنام راجه رامچندر آصف بنکلور در جواب
محمد علیخان بخشی چهارم عسکر کهری برای اقامت به بنکلور
رسیده اند باید که شما دانه و کاه وغیره راتب اسپان
خانه رسانیده رسیده بسکرفته باشند و در هسکوته
و باکلور و خان خانهلی و بالاپور خورد در هر چهار موضع
یکیک موکب نگهدارند ۵ ملفوفی در منشور بخشی چهارم عسکر

باشند و میرخانک مخفی دارند اگر خدانخواسته وقتش
باروز از راه مکر جمعیت نصارا را در یک قلعه آمده بگویند
که جمعیت سرکارست برای کمک آمده ما بان را در یک
آمدن بدهید باید که هرگز بقول عمل ننموده هیچکس را در یک
آمدن نداده بزبانی یکدو کس گفته باید فرستاد که شما ها
بیرون بر تاب نیر در قرش فرود آیند و منشور و خط
و مهر خاص بفرستند گفته اگر اینها منشور و خط و مهر
فرستند باید که در خط و مهر و خط نشی موجب ضابطه دیده
شناخته و با سرداران خود بخوبی کرده اگر در منشور شک
و شبهه نباشد مطابق ان بعمل باید آورد و اگر چیزی
خطا باشد تنبیه باید نموده و میرخانک مخفی دارند

نقوم ۲۴ مر بهمین مضمون بنام قلعه دار کنگری در
بندری بخط میرمورس شد

نقوم ۲۴ مر بنام محمد علیخان جهلک آصف نورسید سواد
باید که مرج سیاه را از آصف نگرخواه هزار اطلس طلبیده

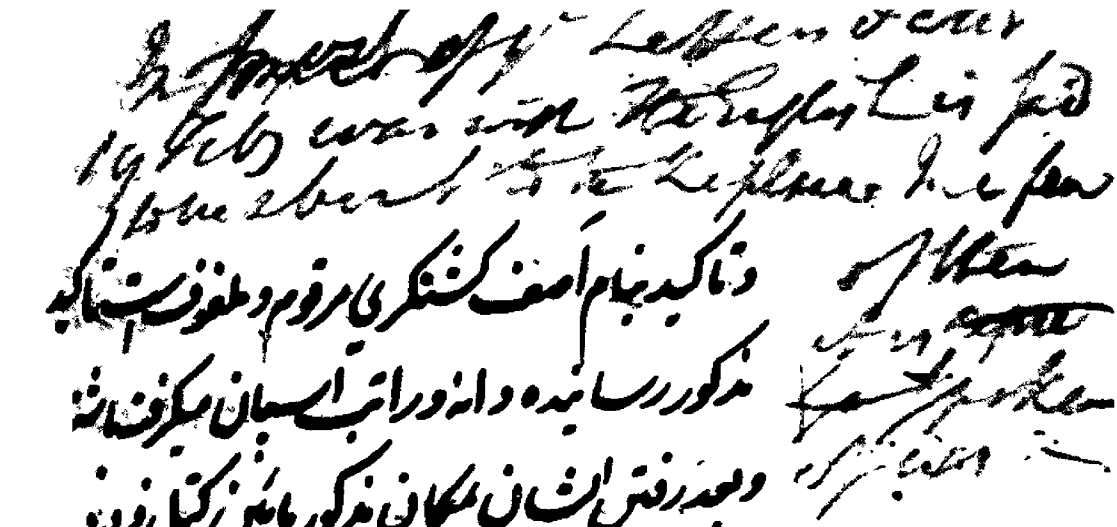

و تاکید بنام آصف کشنکری مرقوم و ملفوف است تاکید
مذکور رسانیده دانه و راتب اسپان میگرفته
و بعد رفتن ایشان بمکان مذکور پائین کتل فرود
آمده جای خوب که علف زیاده باشد دیده هما
موکب را بمکان فرود آورده کیفیت دانه و علف را
مفصل معروض نداشته باشند اگر فوج مخالف در
سرحد نمودار شود مایان را اطلاع دهند اول نوشته
فرستاده من بعد بعد دو روز رسیده رو را پیش قلعدار
و آصف کشنکری از دست مردم خود خبر می طلبیده
باشند ۵

مرقوم ۲۴ راجی سال مذکور رسیده بنام امام بیگ
آصف کشنکری شرف صدور می یابد که در انجا
خواجه آفتاب خان بخشی سوم عسکر کجهری حسب الحکم
مصور پرنور برای کوشه رسیده اقامت خواهد ورزید
باید که شما دانه و کاه و دیگر راتب اسپان بکار برده
داده

کهری

مرقوم ۲۴ مه بنام علاءالدین آصف من التسلیم سامان
و سرانجام جنگی هر یک قلعه کهری خود را تیار و درست
دارند تا غلاف خابر و سرب و باروت و بیزه قلعجات
حاضر و موجود باشد و در تعلقات عوض باقی زیاده
نگذاشته زود بعرض وصول آورده روانه دارالسلطنه
بتن نموده باشند و ناشیر بنام ولی محمد قلعه ارکم
دانت کهری طفوف است بزودی بر سانند

مرقوم ۲۴ مه بنام ولی محمد توپدار چیل دراچیو قلعه
جنگ نصارا رو بکارست باید که شما هم جمعیت خود را
بکجا جلهر نموده نشسته خبردار و هوشیار باشند و هر جنگ
مجمع دارند

مرقوم ۲۴ مه بنام قلعه دار جنگ باکنار نصارا
رو بکارست باید که شما هم با سامان و غلاف و سرب و
باروت و بیزه درست و تیار داشته خبردار

هرگز ندارند ۵

ایضاً مرقوم ۴ هم مرتب نام دارد و بکوتهی برگره

مرقوم ۴ هم مرتب نام تعلقدار قدیمی سفینه های سرکار

بسفط تعلق بنویسند و بکوتهی جات سفط بنویسند

بدون طلب شما از انجا سفینه ها نیابند ۵

مرقوم تاریخ مذکور بنام تعلقدار انت کری در انبولا

بانصار اناقه ست باید که بجای خود خبردار باشند

در سامان و سرانجام قلعه را درست دارند ۵ و مرخص

مرقوم ۴ هم مرتب نام آصف اول جمال آباد و اودو

بکوتهی جات سفط روانه سازند و بندوبست قلعجات

بوافعی مبذول دارند ۵

مرقوم ۴ هم مرتب نام محمد مهدی آصف نلوآباد در انبولا

بانصار اطمینان ست بجای خود خبردار باشند و از

تعلقجات بندوبستی بعرض وصول آورده روانه

دارالسلطنه سازند ۵ خبر خبک مخبر دارند ۵

بفروخت ارزنه قیمت مرغ سیاه و در اعتی بهفتاد
مقرر نموده شده است بر انموجب بیه را فروخته زران
علیحده روانه دار السلطنه تبریز سازند منشور بنام
آصف نگر ملفوف است رسانیده مرغ طلبیدارند
هر قدر پشه های اکلان کلان که در انجا است بهمراهان
و در نگان تا کنید سازند که مرغ سیاه را فرد خواهد
در ملک سرکار بفروشند باز ملک فیروزه

ترجمه مرغ نام محمد خوت آصف نگر بجانب هراه
اطل مرغ سیاه را بر کاوان و بفروه بار کرده نزد آصف
نشور شید نواد روانه سازند در سیه بگیرند هر قدر
کاوان بار بردار که از حصن العظیم خواهند آمد سوای
بر کاوان تعلقه متعلقه خود روانه نمایند که ملفوف فرید
منشور آصف خورشید سولو

ترجمه مرغ نام دارو غه کوتهی ملک ابتی رازنی
بفتصلم ملفل سیاه تمام و کمال بفروشند و امانت

مرقوم ۲۰ ماه مزبور بنام میر علی نقی صدور نظر آباد در
انبوله
باضافه اضافه بیست بجای خود خبردار بوده بعد
قلعجات متعلقه کچهری خود را بواقعی پردازند و خبر خلاف
مخبر دارند

مرقوم ۲۰ ماه مزبور بنام محمد غوث آصف لشکر همه قلعه
سیاه
را بزودی بفروشند خواه بتجاران ملک سرکار باشند
باغیر و در بنوله بحکام نصارا بر بایست و زر عوض قلعجات
زود بمعرض وصول آورده روانه سازند

مرقوم ۲۰ ماه مزبور بنام فضل علیخان صدور خدا آباد
در انبوله بحکام نصارا رو بکارست باید که بجای خود
خبردار بوده در بندوبست قلعجات متعلقه کچهری زود
بواقعی پردازند و متعلقان عمال و قلعداران را روانه
بین سازند و باصف انجا تاکید نموده بزودی زر
بمعرض وصول آورده روانه میانه باشند که
خبر خلاف مخبر دارند

مرقوم ۴۹ مرحوم میرزا صادق آباد
بانصد امناقه ثبت بجای خود خبردار باشد و
بندوبست قلعجات بواقعی پردازد و مصدر تکید
نموده زر بزودی بمعرض وصول آورده رساند
خبر خبک مخفی دارند

مرقوم ۴۹ مرحوم بهادرخان قلعدار اکشکرک
بانصد امناقه ثبت بجای خود خبردار باشد
قلعه بواقعی پردازد و مضمون دماغ ناقص هم مثل قلعدار
کهم مرقوم است و خبر خبک مخفی دارند

مرقوم ۴۹ مرحوم سید محمد قلعدار بن اسم
انگرز احمدی معه قید بهده های مقرری اینها نوشته
روانه سازند

مرقوم ۴۹ مرحوم حسین علیخان بیرقطب الدین خان
در انبولا بانصد امناقه ثبت همه جمعیت خود حاضر
و تیار دارند

فرخوم ۲۴ منه بنام سید محمد خان آصف نمد ابادی
جنگ بالکار فضا راست باید که شما خبردار و هوشیار
باشند و در نبردی بمعرض وصول آورده روانه
می ساخته باشند و متعلقان عمال را روانه دار السلطنه
بین منموده باشند ۱۲ خبر خلک مخمر دارند

فرخوم ۲۴ منه بنام شیخ امام سپهدار در انجوا
کفار خلک است بجای خود بخبرداری باشند نباید
اطلاع قلمی گشت ۱۲ خبر خلک مخمر دارند

فرخوم ۲۴ منه بنام میر محمود سپهدار در انجوا
کفار خلک است باید که شما بجای خود خبردار
بنابر اطلاع قلمی گشت ۱۲ خبر خلک مخمر دارند

فرخوم ۲۴ منه بنام [illegible] خان آصف قزلی هر قدر
فلفل سیاه باشد بها را بفروخت آرند و امانت
نگاه نباید داشت نرخ فلفل سیاه در راه هفتاد
قرار یافته است در عوض تعلقات رزدی بمعرض

وصول آورده روانه حضور میساخته باشند

رقوم ۲۴ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۳ بنام محمد افضل صدر در کشکر ارضروم

بانصار اخبار است باید که شما بجای خود خبردار
بوده قلمی ات متعلقه کچهری خود را بواقعی بندوبست
بردارند و باصف انجا تاکید نموده بزودی ارز عرض
وصول آورده باید روانه دارالسلطنه تبین می
ساخته باشند و متعلقان عمال و قلعه داران را
روانه دارالسلطنه تبین سازند و خبر خنک مخفی
دارند

رقوم ۲۴ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۳ بنام مرتضی خان صدر در کشکر ارضروم

بانصار اخبار است باید که شما بجای خود خبردار
باشند و بندوبست قلمی ات متعلقه کچهری خود را
بواقعی بردارند و خبر خنک مخفی دارند

رقوم ۲۴ شهر جمادی الاول سنه ۱۲۸۳ بنام سید محمد اصف دوم عمال اما
در ارضروم قلعه سیاه دوراچی بهت قلم مقرر نموده

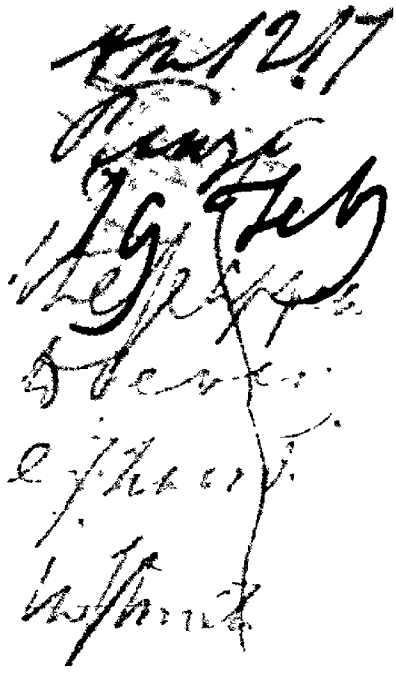

نباشند بزبانی یکدو کس وکفته بنویسند که منشور بمهر و
وخط خاص بنویسند اگر انها منشور بنویسند باید
شما باسرداران خود تحریر نموده مهر وخط وخط منشی
بموجب ضابطه شناخته اگر واقعی منشور سرکار است
مطابق ان بعمل آورند والا عدم بکرده
خبر خنک مخفی دارند

مرقوم ۲۹ شه بنام محمد بیک وحرات خان بخشیان
ششم جنس کمری در انبولا با نصار اخنک است
بجای خود خبردار بوده در تیاری زین وبرده ضادیق
درخش بر دارند وان خبر خنک مخفی دارند

مرقوم ۲۹ شه بنام حسین بیک بخشی جم جنس کمری
خنک باکفار نصارا در پیش است بجای خود خبردار بوده
در تیاری زین وبرده ضادیق درخش برداخته مستعد
آماده باشند وخبر خنک مخفی دارند

مرقوم ۲۹ شه بنام مرزا قربیگ چهارم جنس کمری

شده است باید در تمام و کمال فلفل را بفروشند و
خبک ها کفار نصارات بجای خود خبردار بوده زود
بزودی از تعلقات بعرض وصول آورده روانه
می ساخته باشند و داود و دنکی سرکار که روانه
مسقط خواهند نمود بر همان منازل مرحله سیاه و غره
اجناس بار کرده بمسقط روانه سازند
این خبر خبک مخفی دارند

مرقوم ۲۰ امنه بتمام قلعه ارضه الا اهالی خبک کفار
نصارا در پیش است بجای خود خبردار بوده بهتر است
قلعه را بواقعی بپردازند مردم اختیاری را بالای قلعه
داشته بسیار خبردار باشند اگر خدانخواسته وقت
شب یا روز جمعیت نصارا نزدیک قلعه آمده بگویند
که جمعیت سرکار است برای کمک آمده ایم ما را
آمدن باید گفته انها باور ننموده جواب بدهند
شما ... ما برتاب نیاورده بیش ما شتاب اندرون

حضور باشند و خبر خنک مخفی دارند ط

مرقوم ۲۹ نمه بنام بدر الزمانخان موافق قرار همه
جمعیت خود را نیاورد حاضر داشته منتظر حکم باشند
و خبر خنک مخفی دارند ط

مرقوم ۲۹ نمه بنام ~~سلک~~ ~~اسف~~ کشکری خنک با
نصار را در پیش ست بجای خود خبردار و هوشیار
باشند و بعد وصول قلمیات بموجب کفته صدور
انجا نموده زر ارتعلقیات بزودی زود طلبیده
بدار السلطنه تبن روانه می ساخته باشند

مرقوم ۲۹ نمه بنام غلام محمد ناظر و غلام رضا فرزندان
ترمت علیخان سامان و سرانجام معه کسی ملفوفه مرسول
ست ترمت علیخان در خنک سرشده اند بحریت
مراجعت خواهند نمود سامان و سرانجام خود را درست
و تیار داشته منتظر حکم حضور باشند راهداری داده
طلبیده خواهد شد ط

مضمون مرقومه الصدره

مرقوم ۲۴ شهر بنام ملا ولی الدین و سخاوت علیخان
بخشیان هفتم جیش کجهری مضمون مرقومه الصدره
مرقوم ۲۴ شهر بنام قلعدار کرور باکفار نصارا اینک
است خبردار بوده سند دربست قلعه واصی برداخته
ذی نخورند و مضمون دهنا نخوردن تمام و کمال نوشته
شده است

مرقوم ۲۴ شهر بنام میر معین الدین در انجولا نصارا
خبک است متعلقان خود را روانه پتن سازند رایرا
مرقوم و ملفوف است اگر مخالف بسر حد سکار برسد
تنبه سازند سیوم سوار کجهری هم نزد شما فرستاده
شده بجهت دسواران را که کرور روانه نموده اند در کار
نیست طلبه ارند

مرقوم ۲۴ شهر بنام میر خبک در انجولا با نصارا اینک
است موافق قرار جمعیت خود را تیار داشته منتظر حکم

No 1277
Russian
12 March
25 March

رقوم مجیم رمانی سال سراب بنام اصفهان
خورشید کواد ارزدی معروضه شما مبلغ پنجاه
که عوض مبلغ پانزده هزار هون فلوس و بادلا دیم
بادلا در انجاست لهذا از بیت نگارش می یابد که
فلوس ده هزار هون را برکاوان رسده بارکنند
بحرانه دارالسلطنه تبریز مرسولداشته معروضدارند چهار
قطعه راهداری دوصد کاوبار بردار فلوس ملفوف
ست

مرقوم مجیم رمانی سال مذکور بسلیم بنام محمد مسیح چهارده
قطعه فیض حصار برای روانه ساختن وکیل در ای مجبور

نمره ۵

مرقوم دویم ماه ربانی سال سراب سنه ۱۲۱۷ محمد بنام
دویم وارد عه جهازات قرنی شد عه چوبها را فروخته
شده است بمجرد رسیدن نزد شما بر یک غلیت
سوار کنانیده بکوریک روانه سازند

مرقوم ۱۲ ربنام جهانخان بمجرد نامه نزد شما فرستاده
شده است باید که عه ها را امروز در طوق زنجیر
گذاشته نزد ایشان او بزند برای وسط علم
شد که مهر بالای از لاک نموده بفرستند

مرقوم پنجم ربانی سال سراب سنه ۱۲۱۷ محمد بنام محمد قاسم
بارد عه علیخانه حب المعروض شما نامه شیر
نوکید بنام آصف سلام نامه وارد متعلقداران دهنا کن
کوشته دنبره مرقوم و ملفوف شده باید مهر شما هم افتاده را
به دهنا کن کوشته برده زیر دزخان کنانیده شد

از

۱۱۲

سید آباد و رفتن متعلقه بسند آباد برای بیمایش بشرف
وصول پیوست مطابق حکم نه بردی از بیمایش متعلقه
بسند آباد هم فراغ حاصل نموده معروضداشت
مرقوم دهم شهر مذکور بنام دارو غهای توشکی نه دو
قطعه عرائض رسیده معه مبلغی ملفوفه تنهائی وغیره و
دیگری معه مبلغی ملفوفه مرحمت عامره معه مجدهم رای
لغایته شش دویم ماه مذکور بحضور انور گذشت بموجب
مبلغ جاه عدد تنهائی کهارده و پانزده عدد تنهائی
رنگاری درسته بسته سربمهر برابک بحضور پرنور رسیده
شهر مهر مرقوم اول مرقوم چهاردهم ماه ربانی سال سرابسته
بنام سید عبدالرزاق پیشدار سلسله نفر مرک متعلقه ازان
اول پیش کچهری نزد شما مقرر شده باید که انهارا در
بزرگ گذاشته نشان سازند و در رساله استدلالی
عهده داده برارند
مرقوم چهاردهم ماه مذکور سلسله بنام علی راه گذار یکعدد

پروانه راهداری مرقوم و ملفوف

مرقوم چهم ربیع الثانی سنه مذکور از اله آباد بنام احمد خان
یوسف خان یوسف ای عرضی مرسله و ملفوف پروانه
راهداری بجهة روانه ساختن وکیل طهمورث شاه دران
قبل ازین ملفوف شود محمد مسیح سپه وکیل
مذکور سازروانه سازند

بنام قادر علی اصف سلام آباد عرضی مرسله
معروضه عدد جوری سرکار سید سماد و وجودی پرمور
دست مرتبان اجاروسه تاری سرپهر محصور اعلی
بگذشت ده عدد جوری باز تیار کنانیده مرسول
دارند ۵

مرقوم دهم شهر ربانی سنه مذکور از سراب بنام میر
اصف فرخ دو قطعه عرایض یکی متضمن روانه نمودن
یکمن ریحه داخل مخدوم بعد قلم تازه و دیگری جواب
فراغ حاصل نمودن ان رفعت نشان از بیماریش تعلق

بسم الله

اصف فیض حصار عرضی مرسلہ معہ تبی ارقوسی بعمالان
تعلقات مبطا انور بگذشت از عملدار ہر متعلقہ ضامن
معتبر گیرند با متعلقان او را در مکان حاکم نشین طلبیدہ
نگہدارند تا کہ ضامن فرمند و متعلقان ہم مدارمات
نویسی اظہار بحضور روانہ سازند ۱۲

مرقوم بست و دویم ربیع الثانی سنہ مذکور بنام مدرس
موجدار عرضی مرسلہ معہ خط مادہ بگہ از بیان مادہ کان ہم
سوای مادہ نامی کہ از بونہ مضطرب الاحوال گردیدہ بنام
شما مرقوم نموده بود دمسودہ در جواب کہ آن مضطرب
نشان نوشتہ بود در مبطا انور بگذشت فی الواقع کہ لازمہ
مادگی سرداران آنملک ہمین است کہ ہمیشہ مضطرب و
ہول کن و سراسیمہ خواہند بود ملاحظہ نمودن خط و سومہ خط
و جواب نوشتہ فرستادن ان رفعت نشان بسیار بجا
و مستحسن شد لہذا بنویسی کہ از انجا خطوط بنام ارفعت نشان
صادر گردید ملاحظہ نمودہ بنویسی جوابات می بردانخہ باشند

اسماء سنگ کان که بقیمت و وضع خواهولت می آورد
برای شما فرستاده شده است باید کنکدم با بیج نما
ازین آسیا آرد نموده و از آن آرد نان بپزانید و مشغول
بخورده باشند که از خوردن نان خون در بدن بهم
پیدا نشود و قوت قدماء اصفهان بسر رسید
بعلت دنیا محکوم شد حکم شد در کازرت از اول که بهر نمود
بفرستند

فرزوم جشم ماه ربانی سال سراب اسفاه چهارم دارد غیر
حسینی نوشکی نه یک کاغذ طغرا که بر آن چند طغرا
نوشته شده است مرقوم و ملفوفست از آن جمله
یک طغرا که در آن بعبارت فارسی مرقوم است بهرود
طغرا را بر بمبی هشت یک کتابی تقطیع بابا دامی کنیده
رکنا نیده در دو انگشتری طلا تیار کنا نیده روانه حضور
سازنده

فرزوم جب دو دیم ربانی سال سراب چهارم دین الفاظ مدان
افزون

سرکه دار سر بمهر رسیده باید که محکم بصندوق ولایتی که در کلکیوت
بهیر مشود روانه سازند صندوق بصیغه راهدار درخت خوب
بخته نموده بفرستند تا محکم آن در باغات سرکار کاشته
آید

مرقوم شد در جواب رقیمه غلام حسن سپهدار عرضی
مرسله بنظر انور گذشت بموجب گفته میر محمد علی بخشی دویم
بخش کچهری کارمورچه تیار نموده باشند اصلا و مطلقا
انحراف حکم موی الیه نشاید نمود هر چه خواهند گفت
مورچه نمی سازند از طرف خود اختراع نمایند

مرقوم شد در جواب رقیمه محمد قاسم داروغه توپخانه
عرضی مرسله متضمن گفتگو احوال بنظر انور گذشت
قبل ازین مکرر تاکید بنام آصف و قلعدار و تعلقدار
سلام آباد در باب دادن هفت نشانه شالی خام
و چهل عدد شکر روزینه و تیار نموده دادن خانه کاهی
بخته سایه فیلان خدا بخش و الهبخش مرقوم و ملفوظ شد

حسب العرضه منتهی راهداری جوابی آمدن متعلقان
میرشارت علی وارد خواسکدار کجهای تورشید سیاد که
از ترجمانی میخواهد که نامبرد ظلبنا در حرکوم و تلوف
است

مرقوم بست دویم جمادی سال مراب جام محمد خان
مبلغانه عرضی مرسله مطالعه نمود که شتا کما مدت سلام آباد
توقف نموده روانه دهنا کن کوشش شود که در لنغره
براحت پای فیل الکش هم درست می شود و برای
دادن هفت پشته رشالی عام و چهل عدد شکریه
متعلقه ارانجام مرقوم است هر روز گرفته بفیل مذکوری
خوابیده باشند واز متعلقه ارانجام بیاوده تا برای
کشت کنا بندن خیلان نگرفته فیلان را کشت ندهند
تا برودی فیل الکش و خدا بخش آراسته و قابل
سواری خاص شوند و فیل مرتضی بخش را هما نجا دارد

مرقوم چهارم جمادی سال مراب مرجان ابیار تلوی

درابتوا بخشی سیوم سوار کمپنی را معه جمعیت پیش انهران
فرستاده شده باید که در تعلقه خالق آباد نزدیک خود
بلکه درمیان ملک خالق آباد جای دانه وکاه دیده فرود
آرند خدانخواسته اگر کفار نصارا درمیان ملک سرکار
رخت ادبار کشند ازمان انهران باجمعیت سواران
باهاتک قضاقی نمایند وسوای بی اعتدالی انها هرگز
انهران باقدام خنک نباید داخت ومتعلقان خودرا
روانه بین سازند ودرخالق آباد مردم جنگی خوب ومضبوط
ومعتمدی نگاهدارند ط

مرقوم صلح زیبا بانجام مطلب خان دارد عه دوم
کارخانه جهازات عرصی مرسله بوضوح پیوست باقی
معه خلاصیان وغیره روانه نموده شده است باز
درخش دنبر را از غلبت مغز دوآورده باید رفته مرقوم
روانه حضور سازند ط

مرقوم شنبه

باید که باحتیاط کلی تمام فیلان را دانه و جاره از زردی تخم
می خورانیده باشند حسب المعروضه شما تاکید در بایت جان
تاش بی برای حصول افیال نوشکار و دانه و کلاوه و غیره
باصف مرقوم است به سرانجام را از اصف انجا گرفته
رسید دهند و از قلعه اریم چاده ها برای کشت دادن
افیال میگرفته باشند در عرصه ده بست روز فیلان را از
ولب داکرده با نفراده کشت داده آرا سه سازند

مرقوم بست دهم ربانی سال مذکور رساله بنام اصف
سلام آباد از زردی سعودی محمد قاسم دار و غه فیلخانه نوشته
رسیده است که بفیلان نوشکار حصول و غیره سرانجام مطلوب است
باید که از فعلیت نشان نات پتی برای حصول دانه و
کلاوه و غیره سرانجام ضروری افیال نوشکار را بدارو غه
مذکور رسانیده رسید بگیرند و در اجناب اعمال نمایند
که بزردی درستی دار استگی فیلان مطلوب است ۵

مرقوم سلخ ربانی سال مذکور رساله بنام میر معین الدین

No. 218

از انبان داود و دکی راهها زوالاکبر براسیر کرده برد
دهر دود او انطرف میهی بندر فراسیس لنگر کرده اند
باید که خبر امعنی هم مفصل دریافته معروض دارند

همر بنام اول دار دوغه حمام نکر بکعد و انکشتری مهر
که بالای ان دار سر اسر مال کنده کرده بهت برای کوتحی
حمام نکر مقرر نموده مرسول است باید مهر مذکور را نزد خود
داشته بر دروازه کوتحی دربالای بسته بارچه و پس
داجاسس وغیره کواغذ معاملات متعلقه کوتحی ثبت نمود
معمول و جاری دارند

همر بنام سید محمد قلعدار دار السلطنه تبن متواتر
عرایض مرسله بنظر انور نگذشت در مقدمه شراب و سبندی
علاقه داران خزانه بلکه معهد و بدرخود آمد ظاهر سازند
قبول نداشته اندرون مبهه های اطراف هر کرسبندی
نکداند برانبهم اگر کسی سبندی یا شراب اندرون مبهه

A. M. 1218

منشی زرد رقم محمد حسن المدرس سال نشان سلام محمد

کوریال

از جانب ذوالشوکه عظمت خان دارد رقعه دوم بهار
بمجرد وصول مکشور معه دو غلیت هر اجی خود بسمت
کوریال روانه شوند سابق هم دو غلیت برای آوردن
باروت و نیز درخش روانه کوریال کردیده باید که شما
بسرعت سریعه باروت و نیز درخش بر هر چهار غلیت
بار نموده جلد قریجا بیایند و دیر وقت آمد و رفت نظری
والا با شما مزاحمت خواهند رسانید و شرارت خواهد
ساخت باید چهار جام از فاصله نظری مردمای
عمیق آمد و رفت دارند مسموع شده که یک داد و یک
دیگی با دو غلیت علاقه شما بجه از کوریال بندی می آمدند

انزال

AM 215
31 March
Ahmedy

دبی طلب روانه این سمت نشوند اگر موسم رفتن
سا در نباشد منازل را بر خشکی کشیده بدارند
تعلقدار کورمال
الی جناب محمد مهدی اصفطر آباد در رنبولا بانفاری
باقی بمضمون مرقومه الصدر

Returned
Mahmedy
75

الی بدار دغه کوتهی مسقط در رنبولا بانفاری
بعین انکه بر جنک شروع است بجای خود خبردار بوده
منازل سرکار که از کورمال بندر دغه خوشحال پورد
فرضی می آیند بر خشکی کشیده بدارند دبی طلب
تعلقداران ایی روانه نسازند
الی ایضاً بنام کوتهی دار ایچه بمضمون مرقومه الصدر

بنام محمد مهدی اصفطر آباد در رنبولا بانفاری
انکه بر جنک اروبرست وقت نمود جوهر فقدیت
جانفشانی است وزر ملک هم بردی وصول ساعی

بیارد اول کوشش و بینی او بریده بعد ازان بحضور مرد فرمانده
فصاران در سر انجام بجز بیدار ام مغت خورده را داخل
توشکی نموده انهارا بگذارند و بگویند که شما مغت خورده
اند بروند هر جا که مال مغت یابند بخورند ۵

امر جهانم دار و نوه چهارات کور مال در انبولا
فصارا خلک شروع است باید که همه منازل خود را گرفته
اطراف و جوانب دریا میکرده باشند و منازل
نجاران ملک فصارا و غیر ملکه یکه منازل فصارا بغرقاب
کرده اسیر و دستگیر ساخته سرو فصارند ۵

امر جهانم دار و نوه چهارات خوشحال پور در انبولا
بمضمون فرمودم اقتدا ۵

امر جهانم محمد سعید تعلعدار خوشحال پور در انبولا
با فصارانی که بر خلک شروع است باید که منازل
علاقه خود را بگوشهای علاقه شمایان با مقطع و ستاد
تا کند سازند که بانجا رفته منازل ما را بر خلق کشیده بیارند

مرقومہ الصدر ۵

A.n. 1218

(Ahmed)

الامر بنام فضل علیخان مدور رضا آباد بمضمون

مرقوم الصدر ۵

الامر بنام اشرف علیخان آصف جمال آباد در باب

باکفار نصارا منک شروع است بجای خود بهمه وجه

خبردار و هوشیار باشند و در لوازم تعلقجات نزدیکی

وصول نموده روانه سازند مرچ سیاه و غیره اجناس

را فروخته نقد بفرستند

الامر بنام خیرالله صدور جمال آباد الفاً بمضمون

مرقوم الصدر ۵

الامر بنام شیرخان آصف فتحی الفاً بمضمون

مرقومه الصدر ۵

الامر بنام حسین علیخان فوجدار فتحی الفاً بمضمون

مرقومه الصدر ۵

الامر بنام زین العابدین آصف قبض حاصل

روانه دارالسلطنه تبریز می نموده باشند

الامر بجنام علی نقی صدور فرمود

الامر بجنام سید علاءالدین آصف محض التعظیم بصدور

مرقوم الصدر

الامر بجنام آصف فلک الاعظم دراینولا که کفار ایلچی

جلک رو بروست باید که بخبرداری و هوشیاری بوده

زر از متعلقات بزرودی بمعرض آرند و بندوبست تفنگچات

وغیره بواقعی برسانند و رعایای سرحد را اندرون ملک

روانه ساخته بدیگر رعایا تاکید سازند که خلو لباب

سنگین خود را بمکان مضبوط روانه سازند و غله

وغیره را فروخته مستعد تبه وزدان باشند

الامر بجنام صدور فلک الاعظم بصدور

مرقوم الصدر

الامر بجنام سید محمد خان آصف مذکور بصدور

از

خاص و داد و عدد تنهای نقره بر اسکدار ارکار سال نموده
بود مذکور بحضور پر نور رسیده است ۵

۱۲ امر بنام دار دغهای پنج لوشکمانه منجمله جوانان
امدی که منعبه عبد المجد خان داروغه شتر عسکر هر قدر ز
اطفال نوجوان بحد بلوغ رسیده اند ظاهر خواهد شد انها
را در دولت داخل جوانان سازند ۵

۱۳ امر بنام محمد بیک دبیر مراد خان بختیان ششم
جیش کهری هر قدر سامان و سرانجام که بشما بان
مطلوب است پیش ان از دست مقدی نوشته
بفرستند تا بعد دریافت ان از هر جانبکه دانند ن
است فرموده خواهد شد

۱۴ امر بنام ملک الدین دار وغه چهارسان خوشحال پور
عرضداشت مرفومه هم امدی بتاریخ دهم ماه مذکور رسیده
اطلاع داد مردمان داد که پیش ایشان امده اند انها
را همراه خود کرفته بخوشحال پور برند و در دریا کردند

معه بنی پنکش زرد صول کرفول بنظر انور بگذشت در
عرصه سه سال کامل عوض زر یکسال هم بعرض رسیدن
نیامده از بعضی بسیار تعجب است باید که احوال نزادوان
رشید و محصلان خلیط پرانها کماشته زر صول
سازند ۵

بنام عبد الصمد خان بخشی سرکار احدیان عرضه
مرسله بنظر انور بگذشت حسب العرضه ان تاکید
در باب دادن تبل و غیره مصالح برای عمارت شتران
بنام تعلقدار مدکیری مرسولست هر شتر از تبل و مصالح
مانده تازه و فربه دارند و طغلان احدی که بجوانی
رسیده اند انها را نیز داخل جوانان باید ساخت
در ابواب بعلاقه داران پنین نوشتگی نه هم مرقوم
است ۵

بنام دارو غهای توشکی خانه پنین عرضی مرسله
معه یادداشت فوطه شال و غیره قبل ازین مهر تمبی

نامی

۱۲ امر بنام غلام تعلقه از لورستان مشور بنام داروغهای
سفلا لولس مسقط ملفوف و مرسول است بردی روانه
سازند

۱۲ امر بنام داروغهای قوشکلی بابن عرضی مرسله رسید
مارده مرقوم سال و مهر یمنی و دو تهای نقره که مرسول داشته
بوده مذرسیده ۵

۱۲ امر بنام محمد علی آصف فرنی بیگی از ارسال دو دیرک
بنی رسیدن اشیای محوله ایشان رسید چراه همین مرقوم
نورده هزار راحی که حال جمع کرده است نفرستادند بعید
از هوش شماست الحال باید بمجرد جمع شدن عوض یکهزار
راحی بحضور ارساله داشته باشند و در دارالضرب طلا و
نقره دمس بسیارست زود مسکوک کنانیده ارسال دارند

۱۲ امر بنام داروغه دارالضرب فرخی دراین روزها
طلا و نقره و مس در دارالضرب انجا بسیارست بزودی مسکوک
کنانیده روانه سازند

منازل نصارا و منازل تجاران ملک نصارا را اسیر نموده
معروض دارند و محمد صعه الله و غیره وارد و غ مسقط
در اینولا از بنجا روانه کرده به بغرض رفته اند وقت
رفتن شما انها را نیز سوار کنانیده بکوریال رسانند

۱۰ امر خانم محمد صعه الله و مرتضی خان وارد و غه های
مسقط و کج عرضی مرسله متضمن لیت و لعل نمودن
تعلقدار فرضی در باب روانگی شما و سکونت داشتن
ایشان در فرضی بنظر انور نگذشت در اینولا کمال الدین
وارد و غه جهازات خوشحال پور روانه کوریال
می شود نامبرده از مهی بندر بغرضی میرسد باید در
شما ها بر جهاز همراه کمال الدین وارد و غه سوار شده روانه
کوریال شوند ۵

۱۲ امر خانم وارد و غهای مسقط دبه ها که فرستاده بسیار
بجا شده اند های نرنجاب فی صد دبه ماده دبه
نر میفرستاده باشند ۵ ملفوف خط نوشته محمد جمال کوریال

۱۴

موجب انشراح خاطر گردید برای استقبال شما مرر الطف علیخان
معماری وغیره سرانجام مرسول است معه رفقای همراهی
خود بحضور پرنور باریابی حاصل نموده بهره ور شوند ۵

۴ مر بنام لطف علیخان عرضی مرسله حضور [illegible]
رسید تاکیدات در باب دادن مجی برای فرد دوم
مکنی مراعمال بتعلقه مرد دسیتوای مرقوم وملفوفت بزودی
مجی کرفته سوای این هرکاه مجی خواهند بافت کرفته کار
روای خود سازند ۵

۵ مر بنام بدرالزمانخان بهادر عرضی مرسله معه فرد هندی
اخبار پونه بشرف وضوح پیوست باید که بعد ازین کس را بر اخبار
نویسی مامور داشته همیشه اخبارنامجی فرستاده باشند
۵ مر بنام بشیر قطب الملک در باب لاکه خوابی [illegible]
سنوه بشرف اسلام مشرف شدن جمیع کفاران ضلع فرخی بود
بفضل الهی وبا عانت حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و
آله وسلم قریب هفت لک مردم نامبارد بره کفار بشرف اسلام

مدت بهار موجه بکمال درستی تمار نموده هر چهار سلاح
کونجه را تا بخندق رسانیده و خندق را معمور ساختند
بسلخ ماه رجب المرجب بر دو بخشه حکم یورش عز اصدار
یافت بمجرد ورود حکم همه مبارزان فوج فیروزی بالای
حصار برآمده هزاران کفار نابکار بضرب تیغ مجاهدان
دیندار بدار البوار شتافتند و بقیه کفار بهدایت
اسلام مشرف شده در امن و امان سایه خان خود را در
قرار دیده بخیر و عافیت تمام رو بقرار نهاد قرب بمقصد درخش
کلان و سرب و باروت و غیره اسباب جنگی بمقدار
احاطه ان بمیزان نمود بغنیمت سرکار اسد اقلی در آمد
چونکه این فتوح عظمی محض از عنایات جناب کبریا
مراتب شکر گذاری بدرگاه باری بتقدیم رسانیده بمقدار
اطلاع ایشان قلمی گشت ۵

~~۸ هر بنام علیا حضرت گیتی نور عرضه مرسله شریف و صحیح~~
~~بوست مکرر عرایض بنظر انور بگذشت مناشیر تاکید بنام~~

مشرف گردیدند در ضمن ایمعنی بعرض اقدس رسید
رام نابر از راه عجب و استکبار خود بر ام راجه مشتهر گردانیده
در جائیکه مقدور گذر بنی نوع انسان نمیباشد تراکم
اشجار و انبوهی جبال و بوار مستحکم معه غارات جا
و سنی و خندق عمیق از کناره کوهستان تا بدریای
شور که فاصله سی میل کرده باشد بنا نموده در سر حد
خود مانع صوم و ملوث و باعث اذیت مسلمین میشود
اگرچه اراده اقدس به تنبیه و تخریب ملک رام نابر نبود اما
باستماع شنیده کفر و نفاق همت و غیرت اسلام که جمیع
خاص و عام خصوصا بر فرمان روایان روزگار دیرگزیده
های او بدیار کرک وجود ما حود انها محض برای انهدام بنیان
کفر و نفاق و تقویت دین متین رسول رب العالمین
است واجب و محتم لهذا سواری خاص برای تنبیه کفره
فجره گردیده فی الفور مبارزان همراه رکاب مبارر شجیر
جیوار مذکور را معرکه دیدند بلیدان چابک دست با سرع

ادم برای روانگی خانه مرسول است منشی فارسی نویس را
مثل حضور نموده باز همانجا فرستاده میشود ۵

~~ادم برای نام حیدر شاه متعلقه از قصبه سنگلور عرضه مرسله~~
بمعرفت خواجه فراست بنظر انور اعلی رسیده شرف
سواری خاص همانجا جلوه فرمای شود انچه رجوع و مقابله
باشد همانجا بعمل خواهد آمد عرضه اش در دفتر امانت
نگهداشته شده است تا وقت مقابله بکار برآید ۵

~~ادم برای نام جلال الدین خان صدر سنگلور عرضه مرسله~~
بشرف وضوح پیوست رشته دار هندی و کنری
که در قلعه کولار مطلوب و ضرور است باید که ازانجا نوکر
داشته اسم نویسی انها بحضور روانه سازند ۵

~~ادم برای نام دارو غه دارالضرب و خزینه متعلقه سیاده های~~
متعینه قلعه فرخی سیاده های یک بهره تعین دارالضرب
انجا نموده شده است باید که سیاده های ~~یک~~ دردارالضرب
حاضر داشته بزودی انچه طلا و مس و غیره در دارالضرب

عاملان گوای دیوم مرقوم و ملفوفست باید که عاملان را نزد
خود طلبیده انچه مراتب ضبط و نسق ان نواح باشد بعاملان
تاکید سازند که تا بدانموجب معمل اورده در ان باب
شما بکار سرکار حاضر باشند ۵

مهر بنام سید محمد قلعه دار دار السلطنه تبریز مسموع گردید
که مزاج نجابت علیخان در اینولا بیمار حکیم را برای معالجه
انها بفرستند ۵

مهر بنام حسین علیخان فوجدار فتحی عرضه مرسل رسید
چنانکه کفاران بدسکال بجا و مسحسن گردیده اینده هم مطابق
حکم مه پیشه مقهوران پردازند در اینولا عنایتنامه معاف
نموده شده بود دم متعلقه تاکید سازند که غیر از
بندوق حسابی هر قسم جنس که اورند معاف نیست فی
بندوق دو روپیه داده در سرکار میگرفته باشند و تاکید
دیگر باب گرفتن محصول واجبی از اندکمان این نواح بنام
آصف سلام ایام مرقوم و ملفوفست و نبرد باید اری چهار نفر

ادم

که در عرصه قریب کاه و یلها با نصرام رسد

۱۳ام نیام داروغه عمارت بلچه‌ی تعین بموجب ترقیم
ایشان تاکید در باب داون نخته‌ها و بغره نیام قلعه‌دار
مرقوم است بنا بر رده رسانیده نخته و چوبه‌های دیگر
گرفته برودی کار عمارت را با نصرام رسانند

۱۳ام نیام میر محمد حسن بخشی دویم جریده حسب المعروضه
شما تاکیدات نیام تعلقداران هر دو ستیوای مرقوم و ملفوف
است از حمال مذکوره دانه راتب گرفته بکاوان در خشکی
و فیل در خشکی و اسپان پیلچیان را هر روز دانه
بردی خود می خورانیده باشند

۱۱ام نیام زین العابدین داروغه آمد و رفت جهازات
عرضی مرسله نضمن تعین ایشان از بندر مسقط بکومال
معه برصارنگ های سرکار بطرافور بگذشت آمدن ایشان
بسیار خوب دریافت بموجب گفته غلام محمد عامل انجا بکار
سرکار سرکرم باشند

است مسکوک کنانیده حواله اصف انجا سازند

۱۲ امر بنام میرزا لطف علیخان مشک صندوق خلاع و
یک صندوق جقه مناشیر که در انجا نیکی متصور موسوم
راجه فراسیس دومی بنام اهلیه او سیوی لوازمداری
باهلیه وزیر نزد مرسلت منشور موسوم بنام موسی مکتی هرا
هم مرسولست مضمون آن بنا برده ظاهر نموده ترجمه خط
فراسیس نویس نبده بدهند تا از همه کیفیت مکتی هرا
نیز واقف و آگاه باشد و بر انموجب خلاع و مناشیر
نام بنام بولایت برساند و سفارش مکتی هرا هم براجه
زیاده مرقوم است بمجرد رسیدن نامبرده بولایت بخدمت
عمده سرداری سرافراز یافت ایمعنی هم موسی مکتی هرا
ظاهر سازند

۱۳ امر بنام سید محمد قلعدار دارالسلطنت تحفه نامه
چوبین برای تیاری محل سرای انجا مطلوب است باید که
تخته وغیره چوبه ضروری حواله دار و نموده تقید دارند

درست نمودند

۱۶ ام ماه عرضی مرسله بنظر انور رسید

مسلمان نمودن کفاران بجاد مستحسن شده بارکسهای

هزار در عه مرسولست موافق ضابطه بجرح آرند در انبولا

مهتاب خان وحبش کشیر او باج قشون نبابر مورچال

قلعه کلنکهور نامور شده رفته اند باید که شما جاسوسان

دهند بردم هشیار رافرستاده فرودگاه مهتاب خان

دریافته اطلاع داشته باشند دبروز که پانزدهم ماه بود

لشکر فیروزی از فرودگاه سابق کوچ نموده اندرون

دیوار دایره دارد نبابر اطلاع قلمی گشته ۵

۱۶ ام ماه محمد عثمان عرضی مرسله موسوم نسخه سیاهی راکه

بخط فرنگی نوشته مرسول داشته بود در نظر انور گذشت

باید که نسخه سیاهی بفارسی ترجمه ان نوشته بحضور

معروض دارند

۱۶ ام ماه برهان الدین عرضی مرسله مفتش تفتوح شدن

۱۶ امر بنام میر شاه قادری تفصیل آنی از جمله فتوحات
نصیب حال شد تمام و کمال مضمون فتحنامه مرقوم است سوای
براین دادن مبارزه جنبی نوشکی نه مرقوم و ملفوظ است باشنده
هر وقت که درا مطلوب شود مطلبیده باشند

۱۶ امر بنام دارو غه جنبی نوشکی نه هرگاه میر شاه
قادری دوا خواهند طلبید قدری قدری مغز ساده باشند
و حکم مجدد نطلبند

۱۶ امر ایضاً بنام دارو غه جنبی نوشکی نه هر قدر کتابهای
حکمار دو صد ورقی که درانجا تیار شده باشد ارسال
حضور دارند

۱۶ امر بنام سید محمد قلعه دار السلطنه تبن بکعد و جاکو
یکیک دبی نوتبار برای نمونه که مرسول بود از نظر انور بگذشت
چهار چهار روپیه بهر دو کار یکران بدهند و هر قدر جاکو ساز
و دبی ساز که از سابق درانجا هستند همه را از نو دست
این هر دو فرنگی ولایتی بدهند تا انها هم بزودی ارا سته

دوازده

از صدور انجا کرفته بکار تحصیل زر تعلقجات سرکرم دارند
و بعد شش ماه بدلی نموده پیاده های دیکر میکرفته باشند

۵ امر جهان مطاع صدور یافت عرضی مرسله
زین العابدین آصف کچهری قبض حصار بوضوح پیوست
که صد نفر پیاده بنابر تحصیل زر سرکار از جمله پیاده های
متعینه قلعه تحویل خود بود الحال قلعه از سبب نبودن منشور
تاکید بنام خود عذر درمیان می آورد لهذا امر نفوذ میکردد
که صد نفر پیاده را نوکر داشته تعین آصف برای تحصیل
زر تعلقجات بامید داشت و بعد شش ماه بدلی پیاده ها
می نموده باشند ۵

۵ امر جهان مطاع آصف سلام ایلچی عرضی مرسله معروض عملداد
بار در دربار شرارت کنکارام موکب دار بنظر انور
بکذشت منشور تاکید بنام بخشی نجم عسکر کچهری معه عرضی
تعلقدار بار در مرقوم و ملفوف شد موکب دار مذکور اکر
بار دیکر رعایا نموده شریک معاملت کردد اورا

قلعه پرور بنظر انور بگذشت هفت ضرب توپهای برسبی
که در قلعه است نزد خود طلبیده روانه حضور سازند و حفاظت
باروت و بنزه هم بواقعی برداز مسموع شده که در
یک تک موره برنج در قلعه است باید که همه برنج را احتیاط
نموده برسر مزدوران همانجا داده روانه سازند و نقد باید
نبود که احدی در خانه محمدیان مجور ظلم و تعدی نشود و هر قدر
محمدیان که در وقت یورش همراه سید ابراهیم سپهدار
بودند نفر زود و موره برنج و مانده باقی برنج روانه سازد
اکرمال و اسباب محمدیان در اندرون قلعه خواهد بود
تحقیقات نموده بانها باید رسانید ۵

۵ امر بنام آصف نفیس صادر شود که در رساله متضمن ضرور
بودن صد نفر پیاده برای تحصیل مزد تعلقات و عدد
آوردن قلعه داران سبب عدم منشور تاکید موسومه
خود بنظر انور اعلی بگذشت منشور در باب داون پیاده
های مذکور بنام صدور انجا مرقوم است باید که صد نفر پیاده

انفاذ

۱۸ مرقوم نام علی رامجه کنا نور عرضی مرسله مظفر نور نگذ
درا نبولا حسین علیخان قوجدار را برای تنبیه کفاران ان
نواح حکم فرموده شده است و نیز قشونات که از سابق
درانجا ست معین قوجدار مذکور ماشیر تاکید بنام
سپهداران مرقوم است باید که شما حسین علیخان را
نوج همراهی خود با تنبیه کفاران نموده در بندوبست ان
نواح بوا قعی پردازید و نصاراکه ازطرف تلجری برآمده
اند چقدر رانه اطلاع دهند سابق هم درباب روانه نمودن
متعلقان ایشان تاکید نموده شده بود باید که الحال
متعلقان خود را در ملک سکارجای محفوظ دیده روانه
سازند ۵

۲۲ مرقوم نام میر محمد علی بخشی دویم بخش کهری عرضی
مرسله متضمن درخش اندازی کفاران از انطرف
کهاری شرف وضوح پیوست بالفعل کرفتن قلعه منظور
است خیال نیری های انطرف کهاری نه نموده اول

بوجه احسن سرانجام نموده بحضور معروض دارد
تا بسزای کردارش رسانیده شود ۵

۵ امر بنام خجستان بیگ عسکچی کنکا رام نامی سوک
دار متعلقه کچهری شما که در تعلقه بارور بوده داخل معاملت
می شود دانسته که ایشان اطلاع ندارند لهذا عرضی
متعلقه مذکور مرقوم و ملفوف کنکا رام اراده سجایای
سابق هم اینجنس حرکات بعمل آورده است دراینصورت
او را تاکید سازند که اگر بار دیگر باینقسم حرکات بیجا
بعمل آرد بسزای خود خواهد رسید ۵

۵ امر بنام سید علاء الدین آصف محسن العظیم
عرضی رسیده بنظر انور گذشت بودن عطا در مقبره
فرزند میر علیرضا خان زاید است لهذا مرقوم میگردد
که هر روز نیم لک دام منزل میدانده باشند و در ماهه
هر سه حفاظ و باغبانان چه مقدار است بفصل معروض
دارند ۵

عرصه دوسه روز ایشان را طلب حضور نموده خواهد شد قلعه
پرورا منهدم سازند

مرقوم ۱۴ ماه بنام محمد علی عرضی مرسله متضمن کمی بارود
و عدم اکتفای ان بتمامی سرنگ ها و تقسیم نمودن برنج و
ساکی بابت ذخیره قلعه کلنکوه بمردمان متبعه و مطلوب
بودن بارچه کهادی بنابر فلیته دادن سرنگ بشرف وضوح
پیوست بارود کوتهی سرکار که نزد ایشان حاضر است ازان
کار روائی نموده بسرعت سریعه سرنگ ها را انشاء منهدو
سازند بارچه های کهادی بتحویل متعلقان سیتوائی برای
تقسیم احدیان نموده شده بود ازان کهادی ایا بفعل
لهذا هر قدر حاضر و موجود باشد گرفته باستعجال بکار انشاء وجهی
سرنگ پرداخته قلعه را منهدم سازند

مرقوم ۵ ماه بنام برهان الدین بخشی اول صحیفه کیفیت
سید ابوبکر را بملاحظت حضور پرنور مشرف و بهره در
ساخته نزد ایشان روانه فرموده شده است بمعرفت

از درخش اندازی سرکار درخشی های کفار را بند نمود
مورچال تا بقلعه رسانند و قلعه را به تسخیر درآورند ۵

۴۴ مرقوم شد نام محمد خان سدوزی عرضی حضور مرضی اثر مشتمل
بشرف وضوح پیوست بموجب ضابطه کیفیت نظم را
رو بروی خود نوشته بنده تبی ان نزد میر محمد علی بخشی
فرستاده وجه نقد بها و یزه گرفته می داده باشند

مرقوم ۴۳ شد نام برهان الدین عرضی متضمن دوباره
فتح نمودن قلعه بر در نشرف وضوح پیوست همه جمعیت
همراهی خورد را در میدان در یکجا فرود آورند و منتشر
نسازند و بر مردم فوج تعیین دارند که احدی بانظر
کهاری نزدیک بجای منبعه کهاری اب به قدرت
در یافته مفصل میرود ضدارند و بنا دیق کوتهی یو یزه
سرانجام در یافته بجناب نویسند و بجمل مزدوران
انجا روانه حضور شاه زند و مردم قلعه کلنک نورم گرفته
از دفوج سرکار میدری در قلعه داخل گردیده است و

مرقوم ۲۴ مرتبام برهان الدین بخشی اول جنس کهربا
قبل ازین برای منهدم ساختن قلعه بردرحکم فرموده
شده بود بتفنگه تا حال انهدام قلعه از تفنگ باروت
بعمل آمده باشد هرقدر سامان که در قلعه بردرست
ازانجمله انچکه قابل حمل مزدور است باید که بحضور نفرستند
باقی سرانجام برد و لی انداخته ازراه کهاری بقلعه
کلنک پور بنجویل میرمحمد صادق که درانجا هستند باید
ساخت وانشان بتاریخ بست وهشتم ماه بهاری
که روز چهارشنبه باشد معه جمعیت خود روانه حضور
پرنور شوند ۱۱

مرقوم ۲۷ مرتبام داروغه تهدی خزانه بین عرضی
مرسله معه نسخه موجودات قسم زر خزانه نقایه اخر
ماه احدی سال ستاسی ۱۲۱۷ محمد بعد وضع اخراجات و
شار نرده شده باد داشت کداخش طلا بابر بهاری احدی
وصد بقی وغارد فی بنظر انور اعلی گذشت اینده نیز همین

سید موصوف تمامی محمدیان را طلبیده بزبانی اینها ظاهر
کنند که کافران اینجا تمامی محمدیان سکنه اینجا نوعی خوار
و ذلیل داشته اند که بالاتر ازان متصور نیست در اینصورت
باید که احوال همه یکجا دیگرگون شده به تنبیه کفاران نوعی
بردازند که تلافی ایام سابقه معمول آید و فوج سرکار هم در اینجا
می باشد هر قدر محمدیان که سید ابوبکر جمع خواهند نمود تفصیل
بحضور معروض دارند برای دادن مناسب حکم فرموده خواهد
شد ده نفر شهابداران اسدالهی همراه سید ابوبکر
داده روانه نموده شده است باید که ده شهابدار از نزد
خود داده شهابداران اسدالهی را روانه حضور سازند

مرقوم ۱۲ ماه شهر محمد علی شب دوم حبس کهربای
فردا که روز یکشنبه است و هفتم ماه بهاری باشد
باید که ایشان معه قشون جمال الدین اینجان و جمعیت
موسی لالی ارکلنگ نوذ نهصت نموده بلشکر فیروزی
داخل شوند ۷

۱۲۹۲

دصنوع پیوست لهذا منشور فیض گنجور بنام احمد خان صدور
درباب وصول نمودن مبلغ سی هزار روپیه از اباجی نائک
مرقوم و ملفوف است باید که نائک مذکور را ذمه دار نموده
نموده تاکید سازند که مبلغ مذکور بعرصه قریب معرض
وصول آورده داخل خزانه سازند تا بهوری که برای
نمونه ارسال حضور نموده بود در نظر انور نگذشت
باید که بهمین نهج بهوریهای دیگر هم تیار کنانیده
ارسال دارند ۹

مرقوم ۱۰ ام ماه مذکور بنام صدور فیض حصار اباجی نائک را
ذمه خود گرفته مبلغ سی هزار روپیه بتاریخ نهم ماه
وصول نموده داخل خوشکی نه سازند

مرقوم سلخ ماه مذکور بنام اسمائیل خان خدمت حوالدار
خاص رونق افزای سلام اباد می شود بان رفعت نشان
هم بحضور پرنور طلبیده خواهد شد سامان و سرانجام
جمعیت همراهی خود تیار و آماده داشته منتظر حکم

قسم پنجه داری و هوشیاری در حساب و کتاب مفید
و سرکرم بوده افراد جمع و خرچ و بیزه معه تحفه روزنامچه بحضور
ارسال داشته باشند ۵

مرقوم ۴ ماه مرحبا ای آصف خصال آباد عرضی مرسله مقتضی
فراهم نمودن مبلغ رسیده ارسال حضور و صیرفی کنایدان
ان بتعجیل تمام معه افراد ملفوفه اخبار رسید بنظر انور اعلی
بگذشت باستعجال تمام از صیرفی مبلغ مذکور فراغ حاصل
نموده روانه حضور سازد سواری خاص هم عقب
رونق افزای آنسمت میگردد ان شاء الله المستعان زر
نزدیکی هر دو آن رفعت نشان هم بملازمت حضور مشرف
و ممتاز خواهند شد ۵

مرقوم ۴ ماه مرحبا ای آصف خصال خصار عرضی مرسله
متضمن براینکه اباجی نائک را زمه احمد خان صدور رای
نموده بودند صدور مذکور بسبب عدم منشور موسومه خود
عذر بیان آورده نائک مذکور بدیه خود نگرفته انصراف

دلی

تعلقداران منزل بمنزل برای حمل و نقل مزدوران می
داده باشند ۵

۴ مرقوم شد بنام محمد علی آصف قزلی عرضی مرسله خضمن بر
سابق بیست و چهل و شش عدد و احمال با قصد و شصت
عدد و کل صفادکدای بحضور ارسال داشته اند موضوح گردید
کل صفادکدای مرسله سابق و حال بحضور پرنور نگرفته باز
واپس فرستاده شد بهمانجا نگهدارند ۵

۴ مرقوم شد بنام محمد علی بیک داروغه فیلخانه افغال عماری کارخانه
و هشتال کارخانه را انبار نموده بر مقام حیدر حصار حاضر
دارند و شما هم بر هر دو فیلان حوضه بسته با دیگر فیلان
مذکور بحیدر حصار رسیده منتظر حکم سواری خاص باشند
کیفیت جهول و روندگی هر دو فیلان نیز مفصلا بحضور
معروض دارند ۵

۴ مرقوم شد بنام سید محمد نقعدار دارالسلطنه تبان و رضی
مرسله منضم بر انکه بتصدیق مرسله حضور والا آصف مدد

نامه شیر مکتوبه بمرحوم ماه تقریبات شاه الله محمد خان بتاریخ ماه
سنه ۱۲۷۵

مطلع نامه شیر

زیادتی در ماهه موافق تصدیق بعمل آورند و قبل از
ورود تصدیق نه مبنی که بلا شرکت آصف و صدور
تقسیم یافته است داخل بهر دو کچهری بنوبت نمند فصل
ازاین در مقدمه تنادیق کارخانه جات حکمنامه موافق
لوازمه مرقوم و مرحمت گردیده است باید که ایشان
سابق معمول خود بر کران بوده کارخانه جات جاری
دارند تعداد بندیواتان و غیره که کاهی کم و کاهی
زیاده می باشد لهذا در تصدیق داخل ننموده شده
باید که فی نفر بندیوان موافق معمول برخ و نقدی داده
باشند و داخلان کچهری آصف و صدور هر کاه
آصف با صدور در وقت نوبت بندن رو رسی
و تقسیم ان حاضر نباشند بابکار ضروری سرکار مامور
کردند باید که بدستور سابق بداخله صدور و آصف رقمی
بخزانه نوبت بنده عوض وجه طلب از خزانه برسیدات
آصف صدور کرفته ایشان معه منشور و مصدیان

نمود نقلش بکجهری قلعه بایدداشت ما اصل را در قلعه کهنه
گذاشته اصل با تصحف و صدور را بدرستی رسانیده و نیز قتل
از داود تصدیق نه بیتی تقسیم یافته است و چند ابواب
مثل بنا دیق کارخانه جات و چکلولی و بیدوه یوانان
و غیره داخل نیست سابق دارو غه و متصدی از حضور
مقرر می شد و مثل احشام رو بروی صدور بود و مثل
جوانان جیش نزد شمس الدین خان و الحال در اینجا
هرچه لازم بود در تصدیق چند ابواب مثل بنا دیق کارخانه جات
و در فارسی و هندوی و کنزی کم از بادانه چنانچه عمل
کمی و زیادتی ان علحده بر افزاد نوشته ملفوف
عرضی حضور روانه نموده اند بنظر انور اعلی گذشت باید
که اصل تصدیق در کچهری خود نگهداشته نقلش بصدور
و اصف و هند و از تاریخ ورود تصدیق بمقابله و
مواجه اصف و صدور موجودات و بیه رسیدات انها
هم بخزانه رسانیده ابواب ضعات اسپها و کی و

بماه جمع و خرج متعلقه کچهری خود را تیار کنانیده بکچهری
اصف و صدور هم داخل ان نویسانیده بحضور
ارسال داشته باشند چند مقدمات که در تصدیق مرسله
حال که از روی فارسی و هندی و کنری یکم و زیاد مرقوم
کردیده است باید که بصدور کچهری حضور روانه سازند
نادرست فهمیده فرستاده خواهند شد ۵

۵ مرقوم شام محمد مهدی صدور تین باید که اصل تصدیق
را بقلعه کچهری دهند و نقلش کچهری خود نکهداشته
مطابق ان تعمیل آورده باشند سوای این مردم حبش
واخته ام که قلعه را مثل دیده نوکر خواهند داشت ایشان
هم همره ها جوانان را طلبیده مثل دیده و بخط بر همره
جوانان می نموده باشند ۵

۱۱ مرقوم شام میر معین الدین امروز که بازدهم ماه قمری روز
سه باشد سواری خاص رونق افزای سلام اماده کرده
باید که ان برادر نیز جلد خود را با اشخاص معدود بحضور

یکجا نشسته از روبروی خود جوانان موجوده را دست بدست
تقسیم نموده قبوض ها گیرند و نقل از اهر دو کچهری ها شنند
در علاقه ایشان دو نفر مرد آدمی واقف از نوشت و خواند
و یک داروغه برای تقسیم رحکومی مقرر نموده شده است
روبروی قلعه کچهری هم مزدوران نشسته از معرفت مردم
و مقدی منشور بنقید نام دست بدست تقسیم می نموده
باشند و در علاقه ایشان کس نیکه نوملازم شوند انا بجمله
کماشیان ایشان خود معه منشور مثل دیده کماشیان مضبوط
و کارکرده نگهداشته باشند و بیش و اخام وغیره را
مطابق حکمنامه مثل دیده موافق شرح انها نگهداشت
نموده در پیش آصف و صدور بفرستند علاقه داران
صدور کچهری مثل دیده کسانی را که منظور دارند و برچه ها
دستخط سازند بحال گذاشته باقی ها را موقوف سازند
در این همه امورات منشور بنام صدور انجا نیز مرقوم است
داروغه و مقدی از حضور موافق معمول خواهد رسید

۱۴ امر بنام داروغه توشکخانه نقدی بتن محمد خان
یک شخص صالح را همراه خود کرفته در ختم خوانی اشتغال
دارند سر بمک نموده اند باید که شخص مذکور خبری بویسه
از خزانه میداده باشند ۵

۱۹ امر بنام آصف فضل العظیم عرضی مرسله متضمن
فرستادن راجه انکت کری عوض وجه فوجداری
بابت سوی سمجه بصحابت امام خان غوری نزد آن
رفعت نشان معه خط ملفوفه موسوم ایشان بنظر
انور اعلی بکذشت باید که از طرف خود بنام قلعدار انکری
در باب مزاحمت نرسانیدن برعایای ملک فی انکت کری
بنویسند دیر در جواب خط راجه مذکور دیر نباید نکاشت که
تا اطمینان او حاصل آید ۵

۱۹ امر بنام حافظ محمد خان جاکیردار شرزه پور عرضی
مرسله متضمن مبارکباد فتح و نصرت غازیان و عیدار
معه مبلغ و پیروپه مذر بنظر انور بکذشت او سبحانه

برسانند که بعضی مراتب ضروری در پیش است ۵

برای سکدار روانه

۱۲ امر انضباط نظام میرمعین الدین دیروز که بارو دیم ناه
نفی بود در باب جلوه افروزی سواری خاص سلام آباد
و فایض حضور گردیدن آن برادر زیب تحریر یافته بود
نامبا مرقوم است که بزودی زود با چند اشخاص معدود
خود را بحضور پرنور رسانند که چند مقدمات ضروری
در پیش است ۵

۱۳ امر بنام محمد مات عرضی هرسله متضمن شروع نمودن
ختم [redacted] و در ختم یک شخص صالح و متقی برای
ختم همراه خود بشرف دوضوح پیوست شروع ختم بسیار
بجا و مستحسن شده باید که شخص مذکور را از خزانه
چیزی یومیه مقرر میدا شته باشند در ابتدا بعلاوه دلتا
خزانه هم مرقوم و ملفوظ است ۵

۱۴ امر

فرستاده اند بهتر شد بعد رسیدن علیرضا حسین علیخان
فرزندان ایشان را پس روانه نموده خواهد شد و ایشان
که در قطب آباد معه فوج ماندن مناسب بنظر نمی آید
مقتضای وقت دیده در نزدیکی فیض حصار باشند
که یک جنبش کجهری در دولت معه سامان و سرانجام
درانجا ست وقت ضرور بکار خواهد آمد برای متعلقان
دیگر مردمان دو قطعه راهداری معه دو منشور موشومه
یکی باصف سپوموکه دویمی باصف حضن العظیم در باب
دادن خانهای برای سکونت مرقوم و ملفوف متعلقان
رابمکان مذکور فرستاده هر دو منشور باصفان برسانند
مکانها برای سکونت خواهند دانید ۵

~~۱۹ هر خانم آصف جی نظر متعلقان قطب ملک ما~~

بعضی از متعلقان مردم فوج که در اینولا برای سکونت
بی نظیر خواهند در آمد باید که خانها در قلعه خالی کنانیده
مدانند ما سکونت در زند

درانجا

اعلام دین متین بسعی بازوی مجاهدان دین مرتفع
و اداء نذر مرسل آنحضرت منشان بدرجه پذیرائی
در آورده شرف امتیاز بخشیده شده ۵

۱۹ امر بنام علیرضا عرضی ایشان مرقوم در دوازدهم
بنوزدهم ماه مذکور بشرف وضوح پیوسته مطلع گوناگون
ساخت ماذن قطب الملک در رفوح و آمدن ایشان
معه پسر شاه الیه مفهوم گردیده بالفعل ماذن قطب الملک
در رفوح بجا و مستحسن شد ایشان جلد بحضور معه پسر
قطب الملک خود را برسانند ۵

۱۹ امر بنام قطب الملک متعلقان خود را با متعلقان
مردم فوج رواله سیومو که نمایند و متعلقان بعضی مردم
فوج که باذن سیومو که راضی نشوند انها را روانه
حضن العظیم سازند و از معروضه علیرضا ظاهر شد
که ایشان مناسب وقت دیده در فوج خود بوده پسر
خود را با خطوط مسکان روانه حضور مصحوب علیرضا

انشاده

اصف انجا را مقید نموده جوانان یک یزک جیش و ده نفر
پیاده اعتمادی همراه داده بحضور روانه سازند و بر محلان
تاکید دارند که بخبرداری تمام بحضور برسانند
۴۴ مرسله نام غلام محی الدین و احسان الله خان شیبان
سیوم سوار کهری ایشان معه جمعیت همراهی خود منعین میر
معین الدین نموده در کار و خدمات سرکار حاضر و فرمان
بردار باشند و بی طلب مردمان فوج هم نزد یک میر
موصوف نیایند و مکرفته باشند و بهیر و نه بلشکر جایگه
حکم رد انکی خواهرشد در انجا باید فرستاد
رقوم ۴۵ مرسله نام عبد المحمد خان بخشی لشکر عرضی مرسله
منضمن بر اینکه بسبب نبودن اصف در انجا ضبط علی الحساب
دکاوان بار بردار و غیره رسیده بشرف وضوح پیوست
لهذا دو قطعه منشور بنام عامل و قلعدار انجا در باب دادن
ضبط علی الحساب دکاوان بار بردار و رسید عورات و
طفلان احدی و هفت عدد دولی برای بیماران و چهار را

۱۹ امر بنام آصف جاه اعظم در باب تعلقان
قطب الملک بعضی مردم سکنه از قطب آباد با
بعضی از متعلقان مردم فلوچ برای سکونت بحصن العظیم
می آیند باید که خانها در قلعه مذکور نبنده برای سکونت
بدهانند

۱۹ امر بنام آصف جاه ابا دو قطعه اراضی بجای
متصل خورد و برد نمودن مبلغ ده هزار روپیه بتعلقدار
پرورد، دیگری در باب رسانیدن مبلغ هفت هزار
و ششصد راضی بجویان بخشیان سیوم سوار کچهری
بشرف وضوح پیوست باید که بتعلقدار مذکور را
زنجیرها در بانموده نگهدارند و بتعلقدار مذکور بعرض ایصال
در آورند عشر بتعلقدار دیگر بتعلقه مذکور از حضور
می رسد رسانیدن زر به بخشیان سیوم سوار کچهری
و کرفتن رسید از انها بسیار بهتر و بجا باشد

۲۰ امر بنام عبد الرزاق صدور بی نظیر بدیع الزمان

امر

حواله آصف اول یا دوم انجا نموده رسید بگیرند

امر بنام هردو آصفان جمال آباد بادام و بسته و غیره
اجناس منقطه که در کورنال ضایع میشود باید که انرا
ذمه خود گرفته رسید به تعلقدار انجا داده اجناس
مذکوره را روانه دارالسلطنه پتن سازند

امر شاه قلی بنام سید علاو الدین آصف حسین العظیم
پناه عدد رومال سفید که روانه نموده اند نظر انور بگذرد
رومال ها با اعتبار نمونه بسیار کنده ست باید که رومال
های باریک و تحفه قابل داشتن حضور موافق نمونه مرسله
که نزد ایشان موجود ست تیار کنانیده روانه حضور سازند

AHR/1218
Zaid Sumry
n Supernumrry
Sumry
4 Jan 18

سایر شاه موقوف تا به زاید ثمری نعایته امر شاه مذکور
سنه ۱۲۱۸ محمد

امر بنام حسین علیخان سمندر قصبه قتل از این گذار تلچری دران

کاو برای درخش کشی مرقوم است باید که از عملداران سرخام
مرقوم الصدر کرفته روانه شود و منجله بماران کسانیکه
بالکل بی طاقت باشند اسهارا در دولی دربانی را بر
کاوان سوار نموده همراه سیارند و بعد رسیدن بدار السلطنه
تبین در خشها ذر علاقه داران کچهری احدی نموده کاوان
صدر والس حوالی سازند و چند صادق و توسدان
که زیاده اند از انها بکیک دو دو بر دیگر جوانان داده
باید آورده

۴۳ مرتبام سید محمد قلعه دار دار السلطنه تبین سری
منشی حضور میخواهد که متعلقان خود را نزد خود طلبدارد
باید که رونکی و چیهی بدهند تا روانه این سمت کردند

۴۴ مرتبام حاکم کورپال مرقوم مرسله قشمش تاج
جنس بادام و پسته و غیره بابت آمدنی سقط شرف
وصول پیوست منشور تاکید بنام آصف اول و
دوم حال آباد مرقوم است باید که چیش مذکور سد

عرضی ایشان معه عرضی مرسله علیرضا شرف وصول یافت
در جواب علیرضا منشور مرقوم و ملفوف است باید فرستاد
و بعد رسیدن علیرضا بدار السلطنه تبریز تنها با دو آدم
منشار الیه را درون قلعه برای ملاقات مردمخانه ایشان
رخصت دهند و تاکید سازند که یک روز بوده روز دیگر
روانه حضور گردد و بر قطب الملک و غیره مردم سرکار که همراه
علیرضا آمده اند انها را برسند حضور دریا کنا نیده مگروز
روبروی کنجام همه مردم را فرود آورده روز دوم از راه
پل نظر نا روانه حضور سازند

۳ مرقوم علیرضا ملفوف منشور قلعه ارمین عرضی
مرسله مرقوم بست و هفتم ماه بقی سال شتا روز چهارشنبه
به دویم ماه زاید ثمری معروض قطب الملک گردید
ایشان بود باعرض داشت شان رسیده بر مندرجه
مشروحا اطلاع دست داد مطابق معروضه ایشان
بندوبست قلعه قبض حصار و تسلیم نموده شده است

نواب فی الجمله بکامه را بود در این حال سبب رفتن فرمان
سرکار در انجا و تنبیه یافتن از انها باز داخل تلجری شده
اند لهذا حکم فرموده می شود که ایشان بسمت تلجری
رفتن ضرور نیست باز پس آمده در فرقی سکونت
دارند ۵

۴ امر جناب محمد علی آصف فرخی طرفه مرسله تضمین طوفانی
کردیدن جهاز امام مسقط و تکرار احسان ان بتعلقه
خرد ابا در عرف بار بشرف وضوح پیوست باید که جهاز
مذکور را احتیاط نموده هر چیز که مطلوب افتد بجهاز والا
برسانند تا تکلیف نکشد اگر تا انقضای ایام بارش
اراده سکونت بندر خواهد عزاب را در کهاری گذشته
نگهدارد مزاحم نشده بحال او لطف و مدارا مرعی
دارند ۵

۴ امر برنجا فاضل جناب سید محمد تعلقدار دارالسلطنت تین

۳ مرتبام آصف دسته در تفحص ارقوف حضور
موسوم بخشیان ششم کچهری جنبش نهی ششم جنبش
کچهری با بعمل ایشان در کچهری خود با قوف نبنده از
معرفت بخشی رو بروی خود دست بدست تقسیم می نمود
باشند در ایمعنی بخشیان هم مرقوم شد ۵

۴ مرتبام میر معین دوقوف در خش یکی دوازده رطلی
دیگری نه رطلی که بسیار خوب و درست اند نزد اصاحب
مرسولست باید که هر دو درخش را بالای قلعه خالق آباد
نگهدارند باز دو درخش که متعاقب از حیدرآباد می آید
روانه نموده خواهد شد یکعدد شیشه سرکه سفید برای ایشان
مرسولست خواهد رسید ۵

۵ مرتبام میر رازمانخان عرضه مرسله معه نبی جوانان
وغیره بنظر انور نگذشت باید که مردم را همیشه در قواعد
ارابه داند و سرانجام وغیره لوازمه درخش نیز آماده
و تیار داشته بجای خود خبردار باشند و همیشه اخبار

دوم قطب الملک رقوم است که فیض چهار سه فوج آمده
اقامت نماید ۵

۳ هر بنام قطب الملک باید که سه فوج خود فیض چهار
امده اقامت ورزند دستور سوسوم بخش ششم بخش
کچهری بدیمضمون مرقوم و ملفوف است که در هر باب با
جمعیت جیش و عسکر در کار سرکار در اطاعت و فرمان
برداری ایشان باشند ۵

۴ هر بنام هر دو بخش ششم بخش کچهری ملفوف دستور
سوسوم قطب الملک باید که ایشان در هر کار و هر مقدمه
خنک طاعت قطب الملک باشند و حاضری نبی جیش
رعسکر و نبادیق و کرنسه و اسباب موجوده و
مطلوب را جلد نوشته بفرستند و انچه خرچ مطلوب باشد
مطابق رودر بنی از پیش آصف نبی نوبیندن کرفته
بمردمان رو بروی دست بدست تقسیم می نموده
باشند ۵

همیشه سرو کار اینها با شیشه است در اینصورت کمال فا
را از فرنگیان تعلیم خوب و درست میخواهند که تا بزودی از این
آگاه شوند و در باب ادن درختهای کهنه و شکسته
بقلعه ارم قوم است از تردنا مبرد کرده از دست فرنگیان
درخش ساز درخش های بهتر تیار کنانند ۵

از نام سید محمد قلعه ارمن بعضی درختهای کهنه و
شکسته که را کهنه رزاد در ان آورده است نوای
درختهای کهنه و باره های چرسی که از ان تا هم درا
گران باشد در خش کارخانه بذمه محمد عثمان نموده
درختهای نو تیار کنانند چنانچه در اینباب محمد عثمان
هم حسب الخواهش فرنگیان درخش ساز در اینباب
عرضی نموده بود باید که باره های چرسی کهنه و درختهای
کهنه را حوالا آنها بسازند ۵

از نام حسین خلیفه سید درخش عرضی مرسله
مضمن بر انکه تصدیق مردم قلعه فرخی بر حال قصبه است

کفاران انقطاع دریافته بحضور هم معروض داشته باشند
و در جاسکه قلعه مضبوط باشد در انجا اقامت ورزیده
از مکر و دغای کفار بفکر باشند ۵

امر بنام محمد عثمان عرضی مرسله متضمن کوائف کار
معه حاکوای ملاحظه انور بگذشت کیفیت مندرجه بوضع
هوست حاکوای بسیار خوبی درست شده است فاما تاکید
باید نمود که از بهم نخفته و قابل داشتن قلمدان خاص تیار
نمی نموده باشند ان شاء الله تعالی بعد جلوه افروزی سوار
خاص بدار السلطنه تعین برای دادن انعام بحاکو سازان
حکم فرموده خواهد شد باید هم جلد تیار کننده برای
ملاحظه حضور روانه سازند مرحب العروضه ایشان تاکید
به تعلقداران ملک سکار در باب فرستادن موهای کلان
کلان و باریک بجهة بانات بانی مرقوم است آینده
موهای مطابق مرقومه الصدر خواهد رسید یقین است
که کحل بافان انملک از فرنگیان خواهند یافت نسبت انکه

باشند ۵

~~بنام شیرخان آصف خدایار~~ بنام محمد خان آصف

مودل را روانه حضور سازند اگر مقدمه حساب و کتاب

باشد از تصدیان وغیره کماهی دریافته بحضور پرنور معروض دارد

تا مبرده را روانه سازند ۵

~~بنام محمد خان آصف معزول خدایار~~ بنام محمد خان آصف معزول خدایار با پدرش

ایشان بمجرد دیدن منشور روانه حضور شوند قبل ازین

راهداری برای روانه نمودن متعلقان ایشان به

دارالسلطنه بتین مرقوم و مرسول بود باید که بزودی

متعلقان خود را روانه ساخته خود را بحضور برسانند

~~بنام محمد دوم~~ بنام محمد دوم ~~بخشی چهارم~~ سوار کهری ~~خلف~~ ولد

برای بودن ایشان معه جمعیت همراهی خود در کشکری

حکم فرموده شده بود ثانیا مرقوم است که در جای

مذکور بخبرداری تیار و آماده بوده کیفیت انجا بحضور

معروض داشته باشند اگر جمعیت کفار نصارا پیش

وتمامی عوض قصبه بطلب مردم فرخی کفایت نمیکند لهذا از
چهار ماه روز بتی نرسیده منظر انور نگذشت رسانیدن
زر تصدق مردم قلعه مذکور ذمه آصف انجاست اگر عوض
قصبه کفایت نمیکند آصف از جای دیگر سرانجام آن نموده
خواهد رسانید چنانچه در ایناب مجدداً تاکید بآصف
مرقوم است ۱۲

۶ مرقوم شد محمد علی آصف فرخی در ابولا ما سماع در آمده
که زر عوض محصول قصبه فرخی بر مردم مقبنه قلعه مذکور کفایت
نمیکند از بی سبب کمال دانائی و هوس ایشان متصور
شده که از بیخ شش ماه روز بتی مردم انجا نرسیده
لهذا مرقوم است که ایشان خود موجودات مردم مقبنه
دیره بتی نویسانیده گرفته زر روبردی خود دست
بدست تقسیم نمایند باشند تصدق انها بر عامل
قصبه درکار نیست روز بتی نویسانیده گرفته طلب
مردم زر روبردی خود دست بدست تقسیم نمایند
باشد

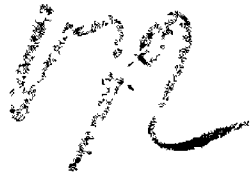

ادرمذکه

[illegible] بنام محمد رضا بخشی اول عسکر کجهری باید کرایت ن
معه جمعیت همراهی وسامان درسرانجام ازراه کتل
کجل بتی فرود آمده داخل لشکر فیروزی نشوند وامطاری
کرفتن رود بتی درانجا نموده بزودی بحضور برسند
بهیچ جاده طلب داده نخواهد شد وبعضی اسپ که بسبب
بیماری بالکل طاقت رفتن نداشته باشند درانجا
نکهداشته باقی راهمراه سیارند راهداری هم مرقوم و
ملفوف است ۵

ایضاً بتاریخ مذکور مضمون بنام اعظم علیخان بخشی
کجهری ۵

[illegible] بنام سید بیرقلعدار کمپلوه منشور موسوم محمد خدوم
صدیقی بخشی چهارم سوار کجهری ملفوف درسرست نامبرده
باید رسانید

[illegible] بنام عبدالقادر داروغه اسکدار کجهری بطور عوانیض

قدمی نموده ملک سکار و دیران سایر زندانیان هم بکرد
جوانب لشکر نصارا محاصره نموده بخنگ قرانی پردازد
و ملک انها نیز غارت گری نمایند غنایم لشکر نصارا و
ملک انها بتمامی مردم فوج معاف نموده شده ۵
~~صرف شد~~ مرسوم سیاه عسکری بخشی سیوم عسکر بحری قبل ازانکه
برای بعضی انجا نمونه جمعیت بهراهی در رای کوشه
حکم فرموده شده بود باز مرقوم است که در جای مذکور
به بیاری تمام بوده خبر اطراف و جوانب دریافته بخبردار باشند
و هوشیاری باشند اینده قسمکه حکم حضور عز اصدار
خواهد یافت بدانموجب عمل آورند ۵
~~دو نوبه شد~~ مرسوم بخشی چهارم عسکر بحری قبل ازانکه
برای بعضی انجا نمونه جمعیت بهراهی در رسکوشه حکم
فرموده شده بعضی انجا مرقوم است که در جای مذکور مهمه
سامان درنجام تیار و آماده بوده خبردار باشند
اینده قسمکه حکم حضور شرف صدور یابد بدانموجب عمل

باشند

۸ مرتب بنام داروغهای اسکدار کچهری جات متعلقه ذیل

جدول شش قطعه

داروغه کچهری مذکور	داروغه کچهری [illegible]	اسکدار کچهری نگر
عبد ربه داروغه		
یکقطعه	یکقطعه	قطعه
داروغه قربان محمد	محمد غوث داروغه	فتح محمد
امین داروغه		داروغه
قطعه	قطعه	قطعه
داروغه ظهور الله	عبد المجید داروغه	حیدر شیخ سواد
زمیدار خان	خدا امام	داروغه
قطعه	قطعه	قطعه
سلام آباد	صحال آباد	داروغه انظیر
محمد سعید داروغه	میر محمد حسین داروغه	اخراجات تبک
قطعه	قطعه	قطعه
فلک الاعظم	فتح آباد	کیلور
میر غلام رضا داروغه	غلام صادق داروغه	عبد الرحمن داروغه
قطعه	قطعه	قطعه

۸ مرتب بنام حکیم رضا برادر زین العابدین مرحوم عرضی مرسله بحضور

که متضمن کوائف اصف و صدور و غیره روبداد انجا را
می سازند بحضور میگذرد و در ایشان نباید نوشت که عرضی
فلان فلانکس جدا ایشقدر عرایض بحضور میرسد بلکه بر
کاغذ علحده یادداشت تفصیل عرایض مرسله نام پیام
مرقوم ساخته در خریطه عرایض انداخته مقرر شده باشند
تا دارو غهای حضور موافق یادداشت مرسلان ایشان مقابله
و موجودات عرایض خواهند دید و در اینولا اصف دارالسلطنه
پیش بکبر ضی فارسی بحضور نوشته بود از اداروغهای
اول و دوم کچهری اسکدار حضور دانموده دیده عرضی نوشته
پوشیده ساخته از الامر بعد سه ماه بحضور ظاهر شده
بعد تحقیقات کیفیت مقدمه الصدر به ثبوت پیوست
لهذا اظهار نفرداروغه هر دو اسکدار کچهری حضور دشمن
نفر متصدیان را بانبر بحیر کنانیده حکم فرموده شد که تا یک
سال متصدی بحیر باشند بنابر اطلاع ایشان قلمی گشت تا
بجای خود آگاه بوده بخبرداری در اسنی و درستی سر کرم

باشند

۱۲۵

مراحم والا گردیده بکار و خدمات عمده سرفراز خواهد شد

۷ امر شد نام دارو غهای نقدی توشکخانه بتین سه تخت جمع
خرج و باقی خزانه عامره مبلغ معهود بعد سال نهایت از ماه
مذکور فارسی و هندوی دکنری بنظر نگذشته اینده هم همین
قسم بنظر ستاده باشند و حساب و کتاب بواقعی
دریابند ۹

۷ امر شد نام محمد علی آصف فرنگی عرضی مرسله متضمن
مبارکباد معه مجرد به نذر بحضور پرنور نگذشت اوسمانه
ظهور عید سعید برما و بر جمع دوستخواهان مبارک و همایون
باد ۹

۷ امر شد نام صدور بنگلور عرضی مرسله معه تنبی جواهر
جنس و احشام نوطلازم بنظر نگذشته اینده هم جواهر
مضبوط در هشر طلاش کنانیده نوکر میداشته باشند

۷ امر شد نام دارو غهای نقدی توشکخانه بتین عرضی
مرسله بتوسط بیوست خانه کرم ابریشم که از بنجال آباد

افتد بگذشت باید کرایشان خود را بزودی بحضور برسانند
برسانند راهداری بهم مرقوم و ملفوف است ۵

۱۲ امر خانم محمد قلعه دار دار السلطنه تبریز عرضی بر سر
مرقوم نوزدهم ماه نقی متضمن اظهار مادر کنزاد و قرائنی
او بحضور بگذشت کنزاد را از بزرگ گذاشته از دو در
نظر بندی دارند تا بیرون قلعه برود و برادر او و متعلقان
هر دو را در بزرگ گذارند باید که راکهند راو و برادر او
لیتوماس عموی او سوم راورس هر سه را علحده علحده
در بزرگ دانسته بموجب گفته کنزاد تا زمانه بکاری نموده
سبیل زر نمایند و نیز از کنزاد که واقف از عوض معاملات
راکهند راو است واقعی دریافته هر جا که سراغ زر نامبرده
بموجب گفته کنزاد معلوم خواهد شد تحقیق نموده از انجمن
هم زر وصول باید نمود و منشور موسوم کنزاد نامبرده باید
دانا کید باید داشت که مبلغ شش لک هون از راکهند راو
وصول نموده بسرکار برساند از بعضی آینده بهر وجه مورد

ازدت امتداد در ابادی هرور سکونت میدارند باید که
بهیچ وجه من الوجوه تعارض بحال اهالی نرسانیده باشند
والا نه سخت در معرض عقاب خواهند در آمد اگر دایره
تازه یا جای دیگر داخل دایره سازند مزاحم شوند ۵

۴۴ مرقوم باسم قلعدار هرور در این منشور ان ملفوف
خطاب بخلص است

۴۴ مرقوم باسم فقرا و اهل مجلس هرور عرضه مرسلی متضمن
تکلیف رسانیدن قلعدار بشرف وضوع هوست تاکید
اکید باسم قلعدار مرقوم و ملفوف است که اینده بحال شما
مزاحمت نخواهد رسانید باید که جای دیگر افاده داخل
دایره ها نازند ۵

۴۴ مرقوم باسم سید احمد داروغه هرکاره هرور در کیفیت
اب بندی و دریافته بحضور مرقوم داشته باشند که در بحق
به مقدار اب هست متواتر از ایمنی اطلاع میداده باشند

۴۴ مرقوم باسم شاه شیخ قادری اللهیار ساکن بدر عرضی

بتوشکنی نه آمده است حواله قلعداریتن سازند ۵

۱۷ امر بنام امام بیک اسعد فلک الاعظم توپچی مرسله
متضمن شرارت نمودن سواران عسکر و غیره در تعلقه
رای کوته و ظلم و تعدی نمودن انها بر رعایا مفهوم گردد
در انجولا بموجب حکم مصور سواران متعینه رای کوته و غیره
بملک قضا سار روانه شده اند ما این نظر ما خاطب
منشور تاکید بنام محمد علی بیک بخشی چهارم عسکر نوشته
و ملفوفست رسانند و تاکید سازند که اگر آینده احدی
مجوز ظلم کرده بسزای اعمال خواهد رسید ۵

۱۸ امر بنام محمد علی بیک بخشی چهارم عسکر کچهری در بهو
که سواران متعلقه کچهری در تعلقات سرکار بر رعایای ظلم
و تعدی نمی سازند و در خانه رعایا فرود آمده نباید
که در ایمعنی تاکید بلیغ دارند که تا کسی ایچنین حرکات
بعمل آورده بدترین سزا رسانیده خواهند ۵

۱۹ امر بنام قلعدار هرور در تعاقب اشخاص متعینه

انور

تلخدمت شاق مامور سلطنه مکمید و بخاه مرد و به که بخوبی کلیم الله
شاه درویش نوشته نموده شده

۴ مرسام حسبخان نورای سپهدار یک اسب با
طرق و بخفروشال و مح عدد و ستار مرصع بنوری بطرق
انعام مرسلست باید که اسب را خود گرفته و هر چهار رسالدار
و یک نیب دار حمله بخفر رانی یکیک فروشال و یکید ستار
دهند ۵

۵ مرسام سید محمد قلعه آتین در اینولا استماع یافته
که اباجی رام از انجا باهل مندرکوده سلسله نامه داشته
اخبار سر ملک سرکار احمدی سایر داران انجامی نویسد باین
طور که خطوط اخبار نوشته از قلعه دارالسلطنه متین بغیره
جاکیر خود که بقصد صلاح شش کروهی است روانه می سازد
و ازان قریه مردم علاقه او خطوط مذکوره میرسند لهذا مرقوم
میکردد که ایشان مردم هشیار را بر این کار مامور داشته
بالا بالا بدون آکه شدن او بواقعی سراغ ایشان دریافته

مرسله متضمن اظهار خلوص عقیدت و استدعای دعای دولت
مدت و اراده بنای مسجد در سواد بندر جمالک عبور دلان
بشرف وضوح پیوست یقین است که فقیر صاحب برکت
دارد مشایخ کبار از تعقیبات صلوة خمسه اوقات دعا
اللهم انصر دین نصر دین محمد واجعلنا منهم واخذل من خذل
دین محمد ولا تجعلنا منهم اشتغال می ورزیده باشند لهذا
این نیازمند درگاه ایزدی که سبب کمر همت بالصاقه صدقه
بنابر تقویت دین متین المرسلین واهتمام بنیان کفر نصارا
و مشرکین کمر همت بسته بمقتضای ایه کریمه فاقتلوهم حیث
وجدتموهم لهذا شب و روز توجه خاطر مصروف دارد البته
در اوقات خاص خود محل اجابت دعا فراموش نخواهند
ساخت مبلغ دو صد روپیه برای بنای مسجد بصحابت
احمد علی شاه فقیر الصاحب مرسل است خواهد رسید
و اهل بلده مصور نمودند که بنام شاه بر آن اقلیم
قادری بلا بود که مارا ده کدخدای بسیه معروف داشتند بود

ایشان روانه کرده خواهد شد و بنابر دادن حوالی سرکار برای
سکونت متعلقان از قلعه نشان بقلعه دار دارالسلطنه
پیش مرقوم است انشاء الله تعالی بعد تنبیه کفاران ثالث
ثلثه ابوالحسن را همه متعلقان پیش خود باید طلبید بفضل الهی
سواری خاص داخل دارالسلطنه پیش گردیده بنابر تسهیل امور
بای دین و فوج بملک ارکات روانه نموده شده است و الحال
رابعه چهارم جیش کجهری بنابر سرداری افضلع مقرر و مامور
فرموده شده و قطب الملک را با جمعیت دو هزار سوار و
ششم جیش دیگر کجهری در فیض حصار بنابر سرداری افضلع
تعین فرموده شده یک سردار دیگر مقرر بنابر سرداری
پنجم جیش کجهری که در حضن العظیم یعنی کنی کوته مقرر کرده
فرستاده میشود که تا این هر سه سردار بر سر حدرآباد طرف
مامور باشند که تا افواج مرآتا و کنیرگ زاده نظام علی رخت
ادبار کشند جمعیت چهارم جیش هفت هزار و جمعیت
ایشان سه هزار جمله ده هزار و جمعیت قطب الملک دو هزار

خطوط بکیر آورده بحضور روانه سازند ۵

نام مرحمت میر فخرالدین دویم بخشی اول سوار بهری
مرسله بنظر کمکشت گردا کرد وقوع نضارا بوده تنبیه
نمودن چرا خلاف حکم ما بعمل آورده تا دوازده
دوازده کروهی رعایای ملک سرکار ما را غارت میسازد
شاید حکم ما را ملاحظه نمکنند ازاینمعنی بسیار غضبناک خواهد
شد ۵

نام مرحمت میر الغ خان بهادر دوقطعه مراسلیکه
بستم ماه زاید بنمری موفر واخبار رسیده اطلاع داد
روانه نمودن متعلقان دفرزندان الغ خان محمد باقر و ابوالحسن
را بدار السلطنه متن بهتر دیباشد نمکه بدار السلطنه
خواهند رسید بموافقت راهداری بمحمد باقر داده بشن

ایشان

روز متی اینها بانجا رو بروی مدرالزمانخان میداده باشند

۴ امر بنام فاضلخان سپهدار قبل ازاین مرقوم بود که
بمجرد آمدن قشون احمد بیک خود روانه شده بحضور بیایند
باید که الحال که احمد بیک در انجا رسیده از خود روانه
شده از راه کجل هتی با تامل صبری هرچه مناسب دانند
بحضور مدارالسلطنه پیش برسند

۵ امر بنام لطفعلی بیک امیر فخرالدین نخجوانی اول سوار
کجهری دلیر ولیخان را از انجا روانه نموده شده باید که لطفعلیخان
عمله کجهری مذکور و مهر و مکتوب مرا ذمه خانه کور نموده تنها به
سرانجام خود روانه حضور شود و بسر فخرالدین نخجوانی دوم بجدت
خود بحال بوده در اطاعت دلیر ولیخان باشند

۶ امر بنام محمد علی آصف قزلی عرضی ارسله خطر انور
بگذشت حسب الدرخواست مکتوبه راهداری مرقوم در
ملفوف است باید که بزودی متعلقان خود را از نزاانور
مدارالسلطنه پیش بطلبند

سوار جمعیت هشتم بخش هشتاد هزار جمعیت هم بخش دهم العلم
است هشت هزار مقرر و مامور است بان رفعت نشان
مرقوم میگردد که گذاشتن این جمعیتها بسر حد بشتر و بندبست
انصاحب هم صلاحت بان نوع دیگر بندوبست باید نمود
معروضداشت مقرر شد منشور بنام بخشی چهارم بخش مرقوم و ملفوف
جلد فرستاده بخشی مذکور را بخوانشید سوادش خود
باید طلبید ۵

~~بهمرسانیدم مرزا باقر بخشی چهارم بخش کچهری باید که بمجرد~~
رسیدن منشور ایشان موجمعیت متوطنات علاقه خویش
کچهری خود موقف یابان روانه حضور شده سواد شده پیش
بدر الزمان درکاوسر کار حاضر و باطاعت نامبرده
باشند ۵ بهمن مضمون هر قطعه نحریر شده
که ملفوف دیگر بر اسکدار

~~بهمرسانیدم مرزا باقر بخشی چهارم بخش کچهری~~
حسب الحکم نزد بدر الزمان خان بهادر رسیده اند طلب

ادونی

بندوبست کنل نموده حاضر و هشیار باشند شما را تعین
بر معین الدین نموده شده همه وجوه در کار سرکار حاضر
و مطیع باشند ۵ و قطعه نوشته شده

ام مرقوم بنام خ[illegible] کچهری شما قشونات متعینه
خود را چسپن بر کچل هتی رفته فرود آمده مندوبست کنل
نموده حاضر و هشیار باشند شما را تعین بر معین الدین
نموده شده همه وجوه در کار سرکار حاضر و مطیع باید
بود ۵ و قطعه نوشته شد

ام مرقوم بنام آدل سوار کچهری باید که همه سواران
علاقه خود را جمع نموده براه بر معین الدین حاضر باشند
عنقریب در حضور موجودات دیده خواهد شد ۵

ام مرقوم بنام سیوم سوار کچهری باید که همه سواران علاقه
کچهری خود جمع نموده براه بر معین الدین حاضر باشند
عنقریب در حضور موجودات دیده خواهد شد ۵

ام مرقوم بنام محمد نصیر صدر سلام آباد شما موجب خود

۱۹ امر بسیام عبدالله شاه ساکن هریال بعون ملک علام
روبه بکصد و پنجاه حیدری و بکصد لامی و بکصد عابدی
و دو صد بافری که بر هر یک از این نام خدا و رسول صلی الله
علیه و آله وسلم و نیز اسم مبارک شیر خدا حضرت امیر
بیر رضی الله تعالی عنه مرقوم و مسکوک است بطریق نذر
بخدمت مرسلت یابد که شرف پذیرائی نخشیده همیشه
بدعای ترقی عمر و دولت ابد مدت و مقهوری و مخذولی
اعدای دین و ملت موظف و مشغول باشند زیاده چه
برطراز ده

۱۹ امر مرقوم بسیام میر معین الدین قشون حسین خان
نورای و فشونات بمقدم جیش همراه خود کرفته معه
فوج بر کتل کجل تهی فرود آمده اخبار نصارا را طلبیده
موجود داشته باشند ۵

۱۹ امر بسیام حسین علیخان نورای سپهدار بایدکه شما
موجبت قشون خود واپس بر کتل کجل تهی رفته فرود آمده

بودن

عرایض مرسلهٔ معه بازده روپیه نذر بنظر انور گذشت امیدوار
عرشانه ظهور عبد الغفور برماو هر جمیع قدویان دولتخواهان
مبارک و همایون وسازوار نمایند هر دو فرزندان خود
را برای نوکری بحضور پر نور روانه سازند بعد رسیدن
انها بحضور مشرف بانسلاک قدویان نموده خواهد شد
۲۴ مرقوم میر احمد علی تعلقدار سمی عرضه مرسلهٔ ان
ندیم باب مغموم شدن آصف الجاه و درخواست حساب
تعلقه و طلب راهداری بشرف وضوح پیوسته در باب
روانه نمودن ان بحضور پر نور با صف خضر العظیم
رجوع نموده بزودی خود را بحضور برسانند
۲۴ مرقوم سید علاء الدین آصف خضر العظیم قبل
ازین برای روانه نمودن میر احمد عبد تعلقدار استمالتی
زیب نگارش یافته بود نامبرده تا حال فایض حضور
نگردیده باید که بزودی فیصله حساب نموده تعلقدار مذکور
را روانه حضور سازند در اینباب تاکید اکید شناسند

برکجل تهی رفته فرود آمده بند و بست کنل حاضر و هوشیار
باشند ۵

۱۴ امر جام سید حراست خان بعد دوم شش جنس
عرضی مرسله بنظر انور گذشت فعلنکها بجوانان دادگان
بابه که بموجب حکم سابق سه صد جوانان را همراه کرفته حاضر
و صادق کرفته روانه شوند سوای این روز تهی مردم متعلقه
بکهری خود هم به پتن همراه خود سازند و در خزانه نوب
زر همراه خود ببرند و مردم که نوطلازم خواهند شد در پیش
قطب الملک مثل کنانیده باشند ۵

۱۵ امر جام غلام محمد تعلقدار کوربال عرضه مرسله
تعیناتی نگار نموده فرنکی بنظر نگذشت کیفیت
مندرجه بموضوع پیوست باید که بفرنکی مذکور خبری
بجمع داد فاکید سازند که مالو فرمده سوار شده
بحضور برسد ۵

۱۶ امر جام سید یوسف تعلقدار چکن پای دو قلعه

۱۷ الفی

همرجب ام زین الدین متعلقدار کردون شکوه عرضی مرسله
مع دو سک کلاب و چهار شیشه کلفت بنظر انور بگذشت
هر دو سک مذکور خالی گذاشته باز مرد انش مرسلت
خواهد رسید ۵

جعفری جنام علی زاده گذار دو قطعه مراغی یکی قوم
نهم ماه زاید ثری دویم دهم ماه مذکور بنظر انور بگذشت
کیفیت شد رجه بوضع پیوست قبل ازاین برای دادن
سرب و باروت باصف جمال آباد مرقوم است ازانجا
رسیده باشد رسانیدن مبلغ بیست هزار روپیه
برسم علی الحساب هر دو فشون متعینه افواج از طرف خود
بسیار بجا و مستحسن شد رسیدات انرا از دیک اصف قرخی
بفرستند بیشتر ازاین زرعوض هر دو فشون هم از حضور
مرسلت رسیده باشد و برای داشتن متعلقان ایشان
قادر علی سرتاکید نموده شده بود باید که در مکان مذکور
سکونت متعلقان خود را رسانده محفوظ باشند و در اینولا

کردیده باید که شما حکمن مرحوم را مطالعه نموده بموجب
ان بعمل آرند و از معاملت و دادوی کار نداشته
باشند ۵

۱۱ مرقوم شد که آصف خدا آباد و قطعه عرائض حضور
گذشت کیفیت مندرجه مفصل بوضوح پیوسته
نامی اسپان طویله و کرم ابریشم و خانهای انها معه
کرم واله ها روانه دار السلطنت تبریز سازند تمهید اخبار
نصارا بواقعی دریافته معروض دارند ۵

۱۲ مرقوم شد برهان الدین باید که ایشان معه جمعیت
همراهی خود بحضور رسانید ۵

۱۳ مرقوم شد آصف خدا آباد و قطعه عرائض حضور ملتفت
روانه نمودن چهارصد کتهی فولاد بمودیخانه و دیگری در
مقدمه عبد الله دروازه و غه بمایش سرحدات کرمی
بنظر انور بگذشت دروغه مذکور را معه مردم متعینه او
روانه حضور سازند در ایاب مایحتاج مرقوم و ملفوف

سواری خاص رونق افزای دارالسلطنت بین کردیده است
مسموع شد که جمعیت کفار نصارا را بدار السلام آباد آمده است
متقرب بفضل الهی و باعانت حضرت رسالت پناهی
بعد یاب ندی جنه کفره نصارا لوه معقول نمودیم
شود شما باستقلال تمام بجای خود باشند بارنام
آصف و صدور رجال آباد مرقوم و ملفوف است تاکید مذکور
فرستاده سرکار بارودت طلبدارند ۵

بمرحبا صدور رجال آباد سواری دوالفقار خان
بارودت دیگر ارکه طرف ایمانی حواله عبدالغفار علی را
کنایه نموده رسیده بگیرند در ایناب تاکید دانسته
بارودت بموجب مرقومه صدر بزودی برسانند
۲۲ ماه رجب

بمرحبا قادر بخش ایلچی دارد و خه کهات عرضه مرسله
بنظر انور رسید بکفت اسباب عنام مردم که جاده کرفته
معاودت باد دانست مرسول داشته بعونه موصول

ه امر مرقوم جناب سید محمدخان اصف قرئی دو قطعه
عرایض یکی مرقومه پنجم جمادی دیگر منظر انور پادشاه
مفصل کیفیت توضیح پیوست فوج سرکار زیاده است
نگهداشتن محمدیان دران نواح ضرور نیست همه جنس و
اجناس کوتهی سرکره را بزودی فروخت کنانند و
هر قدر مرچ سیاه و بس که در قرقی است انهم برگشتیها
بار کنانیده از راه دریا روانه کوریال سازند چونکه
در انجولا سبب منع به شدن خاص سواری نسبت
دارالسلطنت بتن کفار نصارا پیش قدمی نموده
تا سلام اباد رسیده اند بفضل الهی و بامانت حضرت
رسالت پناهی ۴ عقرب بانجا نیز واقعی رسانیده
می شود قبل ازین مناشیر در جواب عرایض رسلان
مرقوم و از راه جال آباد مرسولست تا حال رسیده
باشد و زر طلب مردم منعمه حسین علیخان در بمبئی
نی نویسانیده میدهانیده باشند عقرب شمس الدینخان

است و بقیه ده هزار کشتی نوادم باید فرستاد
۳ امر بنام عبدالقادر دارد و همایش سرو
در بنوا نسب بکنار رعایای انجا همایش زمین
متصدر است باید که ایشان مورد مردم مغنه نمود بکوشد
برفور جا بیند ۵
۴ امر بنام سید ابراهیم رئیس قلعه دوم جنین
بفضل الهی و باعانت حضرت رسالت پناهی
بقین است که از ایشان تردد ات مطابق مرکوز
خاطر اقدس ظهور خواهد رسید بعون الله
تردد ات از ایشان جا کیر مبلغ چهار هزار روپیه از
سکار حیدری بفرزندان ایشان تا قیام دولت
مذاد او دور زد کار مرحمت خواهد شد و بعد رسیدن
بحضور بعنایت یکخلعت با لکی و خدمت سپهداری
سرفرازی بخشیده خواهد شد ۶
بمعرفت میر محمد علی بخشی دوم جنین مهر سیاهی نموده روانه

مشایخین و سادات و قضات و غیر مسلمین ساکنه
شهر را تاکید سازند که در تعقیبات صلوه خمس الاوقات
و بعد از ادای صلوه جمعه و دیگر اوقات اجابت دعای
فتح و نصرت قوم اسلام و سرکوبت و مخذولی کفره ظلام
از جناب الهی مسئلت نمایند بمقتضای ان تنصروا
الله ینصرکم و ایدام بنیان
کفره فجره بظهور رسد سوای اهل اسلام دیگران را هم
آگاه سازند و برسم وائس ملت خویش بستدی
ابقای این دولت خداداد باشند بجهت اینکه هیچکس
از اهل اسلام از این دولت جهاد که بهترین عبادتها
ست محروم نباشد قوم است که اگر بعضی از اشخاص
مسلمین با وجود استطاعت و قوه بدنی شایق
بجهاد نبوده باشند اطلاع دهند که راهداری بحضور در
بحضور طلبیده خواهد شد و دیگران از همانجا بدعای
فتح و نصرت و ترقی عمر و دولت و غیره مانند که هر قدر

بخشی قشون هم از راه جید رحصار در انجا میرسد ۵

۴ مرتبه نام حسین علیخان فوجدار ترخی در انبوله
بسبب متوجه گشتن سواری خاص بسمت دارالسلطنه
بتن کفار نصارا تا بسلام آباد آمده اند عقرب تنبه
واقعی نصارا نموده می شود ایشان هم دوانی نیاورده
متنبه خود باستقلال نبوده تنبه نمودن ان نواح
بردارند و فرع مردم بغین خود از همانجا نزد آصف بیگ
نوب نبده میدهند باشند در انجا هم مردم
است میرسد شمس الدین هم ان شاء الله تعالی عقرب باز
راه جید رحصار در انجا میرسد و قشون فاضلخان بحضور
برنور رسیده است ۵

۴ مرتبه نام آصف [illegible] در ان نامی تکرخات
نظر بر حمیت اسلام و اعانت و تقویت دین
خیر الانام جهاد با کفار نصارای بیدین در پیش گرفته
شده است باید که ایشان بنامی صلحا و فضلا و علما

ثابتی

تفصیل طغیان مرسله

دو نفر بنی برین

نام ... نفر

نام بکهری اسد الهی ... نام بکهری اول احمدی

... نفر ... نفر

نام بکهری دوم موجو قدار

... نفر

بهمرسانیدن نهاب خان صدور احمد نهایت تفضل الهی

و باعانت حضرت رسالت پناهی ۴ سواری خاص

رونق افزای سواد اسلام گردیده متوجه تنبیه نصارای

بعین گردیده است بعون الله کفار بیدین بسزای

اعمال خویش خواهند رسید مسموع شده که قریب

بکهزار دیجاه بار دوازده اجل رسیده و قضا گرفته

بجانب حیدرحصار رخت ادبار کشیده اند بفضل

الهی بمجرد استماع خبر سواری خاص رونق افزا خواهند

نهاد دوم بعرض حضور رسانیده اند که ان سه

کفار ملک فرنگی و دیگر که مشرف باسلام شده اند ایشان را
تا سبحانه تعالی منور اسلام تا قیام قیامت قایم و
ثابت دارد مشغول و مواظبت باشند ۵

[illegible] قلعه ارتین بموجب فرمان طغلان اسد الله
واحدی همراه رامراو مقدمی دنجاه نفر پیاده و یکنفر
سرحسمه نزد ایشان مرسلت باید که طغلان مذکور را
شرح اینها نموده در قلعه نگهدارند و نگذارند دخیل و نصبت
بندوق الیمانی و سس دیگر که بحمل اینها مرسلت میدارد
باز داشت که نزد مقدمی مذکور حاضر شده مواظبت نموده
گرفته حواله دارو غهای توپخانه سازند و از انجا
هفت نفر که قابل دادن کارخانجات باشند اینها را
بکارخانه دهند ۵

احمد آدم
احمد درویش احمد بیدار [illegible]
نفر
نفر

مذکور را بموجب ضابطه داخل شرح اینها نموده در قلعه نگهدارد
دیگر دو هل و هشت بندوق ایمانی و لسن و غیره
بعمل اینها رسیده از وی یادداشت که نزد مصدی
مذکور حاضر است ملاحظه نموده کرفته دارد جهای جنسی
توشکخانه ساز زندوا از انجمله هفت نفر که قابل دادن
بکارخانجات است احمد درویش احمد دیندار
احمد نصیب و احمد آدم و دو نفر بینی بریده را بکارخانه
بدهند

~~داروغه توپچی اول اسد الله~~
~~هفت نفر~~

~~داروغه توپچی اول احمدی~~
~~نفر~~

~~داروغه توپچی دوم مهدی قلی~~
~~دو نفر~~

فتح فیروزی بحیدر حصار رسیده انذر باید کرد تا قریب
کفاران نموده به تیغ بیدریغ مقتول و منهدم سازند

۲۰ مرقوم شد نام یمین خان قلعه دار حیدر حصار در انجولا
سواری خاص رونق افزای سواد سلام آباد
سمع شد که قریب یکهزار و پانصد بار والا جناب
حیدر حصار آمده است باید که آن نابکاران را بانهایت
واقعی رسانیده در حبس و بزه سرانجام انها بکیر
در آورند و همه را بتیغ بیدریغ مقتول سازند

۲۰ مرقوم شد نام قلعه دار تبن بموجب ذیل فلان
اسد آللهی و احمدی همراه رامراد مقدی و بخانه فرستاده
و یکسر جریده نزد ایشان مرسلت باید که فلان

مرقوم شد

نباید کرد که ماهر در درخ حروف نمودار باشد ۵

بنام سید محمد خان آصف فرخی چهار قطعه فرامین

یکی از آن مرقومه نهم مقرر شهری دیدی به یازدهم ماه جمعه‌ی
سال شناسیوی و چهار می به چهاردهم و یازدهم ماه مذکور
به غره ماه حیدری سال مذکور متضمن بر اینکه موسم روانگی
بهازات است منازل جنگی روانه باید نمود تا بر خشکی
کشیده نگاه باید داشت یا در آب فرود آورده در
کهاری باید داشت و بهازات مامت تجارت زمه
عامل قرخی همه نابسامان است و شکسته تکمیل نگردد و بهاد
کونهی جام نگر در انجا معطل نشسته اند و عامل کریم آباد
بان رفعت نشان نوشته که قلعه حیدر حصار نصارا
مورچال نموده است و علی راجه کنا فور نوشته است
که مبلغ بیست هزار هون مامت محصول تعلقات متعلقات
خود جمع شده چونکه راه خشکی و تری هر دو بالکل مسدود
بچه طور باید فرستاد موضوع و مفهوم شد لهذا روانه شدن

Herbeyini ki
bey niçe b
Fyda Hifzu

AD 1790

No 128 Ly

مناشیر مرقومه محمد حسن حیدری بنام محمد نقابه آقاباشی و دیگر
سواد

Hydery
Ch Hanke

D. Hydery
Ch Hanke

مرقوم دوم حیدری بنام محمد نقابت و در ورق طلا مات
نمونه سر مرقوم فرستاده بود و در سیه باز هم در همان ایام
فرستاده شده است در فیکه بی مثبت مطابق حکم
نبار نموده انه برای چتر است از روی چتر در بیرون
فیکه مثبت تحریر حروف نسبه دیباچی میلان را پر دار نموده
حروف دیزه میدان را بلا باید داد و رخ بالای چتر
حروف را صاف و مجلا باید داشت که تا کردها نرنشیند
و دیگر ورق دوهره بابت حاشیه چتر که تحریر میری و حروف
مثبت که نبار کرده فرستاده بود نهایت و همین طور
در حاشیه میری و حروف رخ از روی و بیرون چتر

دهنکی را بالا کشیده بردارند و ادون بگذرند شال بخلیت انجا
بعد خطبه خوانی بروز عید بجاشه بروبه نذر که مرسول لعبه
بنظر انور بگذشت حق تعالی برما و برجمع دولتخواهان
ظهور عید سعید مبارک و همایون گناد اگر جهاز بابت
تجارت سرکار روانه کورمال سازند به تعلقدار
کورمال بنویسند که بر جهاز سرکار بنام تجارت بار نموده
بمنفط نویسد و بگوشهی دارانجا بنویسند که جهاز
بمانجا بردارند و بدون طلب

سوم بنام حسین علیخان و چراغ الدین فوجدار قدیمی
دو قطعه عرائض مرقوم دهم ماه جعفری بتاریخ سبت و نهم
ماه جعفری بشرف وضوح پیوست کیفیت معلوم و بشرف
وضوح پیوست نبشه رسانیدن بمفدان نواح
اسدآباد و دادن چهارصد راسی خرج بمردمان منبعه
انجا لبسیار بجا و مستحسن شده باید که مجی الدین را در پیش

3d Copy dely
from Selamet
to Selamet
V.C. Sarma
Hon

سواری خاص بسمت دارالسلطنه تبین کفار نصارا نا اسلام آنها
و حید رحصار رخت ادبار کشیده اند الحال که سواد اسلام
دایره کاه سواری خاص است عقرب تفضل الهی و بامانت
حضرت رسالت پناهی ۴ نصارای معین بوجه احسن بسزای
بد کرداری خویش تنبیه می یابند منازل جنکی را بر خشکی
کشیده نکهدارند از انجمله هر قدر منازل که ضرور دانند
بکورپال فرستاده از انجا درخشها باید طلبید و کمک
بابت تجارت که قابل روانکی است بران دارو غهای
جام نکر را سوار نموده شتاب تا بکورپال روانه نمایند
و از انجا تعلقدار کورپال بر نکهای سرکار ما بر منازل کرایه
با بر نکهای امام مسقط اکر از انجا امر جا شنه انها را روانه
مسقط و جام نکر خواهد نمود در انباب منشور بنام تعلقدار
مذکور مرقوم و ملفوف است اکر با شکل روانکی جهازات
در ان روزها مناسب نباشد دارو غها را از راه خشکی
ما بر یک کشتی خورد تا بکورپال رسانند و همه نکهای بکار

جائیکه بهیر سرکار بت برسانند و پور بیا را مثل جوانان
همراهی خود نموده روز بتی هم نویسانیده بحضور
معروض دارند ۵

۳ مرقوم بنام فاضلخان قبل ازین درباب گرفتن خرج
از توشکی نه و تقسیم ان بردم قشون مرقوم بود باید برود
زر از خزانه گرفته بقشون تقسیم نموده خود را بحضور برسانند

۳ مرقوم بنام محمد علی آصف دوم در جواب مبارکباد
عید و چرویه نذر

۴ مرقوم بنام میر خلک و قطب الملک و مدار المهامی
درین روزها که از بند و بست ملک نرمی بوا قعی فراغ
حاصل نموده بعزم دار السلطنه متوجه پنی بودیم لهذا
نصارای بعین باعتماد و طمانی آب ندی که درمیان
حایل بود و غرور و بخوت فرصت و قت غنیمت دانسته
رخت ادبار بسواد سلام آباد بودند از انجمله بکهزار سوار
با بهزار بارد بکهزار ترب سواران دوده دوازده در

خود در نوکری سرکار حاضر داشته براورا برحالی
تعلقه متعلقه او گذارند در این روز با سواری خاص به
سوادس سلام آباد رونق افزا گردیده است ان رفیع
غرب بکفار رفعت را نبذه واقعی رسانیده خواهد شد
میشود باید که ان رفعت نشان هم بجای خود باستقلال
بوده ان دمیر محمود سپهدار و احمد بیک دیگر و
جمعیت همه یکی و یکدل و متفق شده بوده احسن نبذه
نصارا و بزه نشکین نبوده باشند شئون فاضلان
درانجا رسیده است ۵

۳ مرتبه نام تعلقه ارکوریال دارد نهایی نام نگرکه از
فرنگی درانجا آمده اند باید که انها را بزنگهای سرکار بازنگهای
کرایه بازنگهای امام مسقط اگر درانجا آمده باشند سوار
کنانیده از راه مسقط بجام نگر روانه سازند ۵

۳ مرتبه نام حراست خان عرضی مرسله شریف رفیع
پیوست باید که بزودی خود را الی منازل طولانی به

بابها

بزرگی نصب عامل گردید باید که ایشان در شکریه این
موهبت بکمید و بست و هفت اطل خام شکر تقسیم نمود و
دست و بکفرب در خش و سی سر دمند و دیگر مراسم
شکر و سپاس نیز بر رکاه الهی بجا آورند و این به
گوش خاص و عام رسانند ۵

[illegible] بنام سید محمد قلعه ارتین صندوق ایشان
بران الدین مرسلست باید که بالین مسجد و آثار شریف
بالای چوتره دفن نموده قبر و اطراف آن جای سنگ
سیاه به بلندی یک و نیم درعه تیار کنانند و دو هزار
باقری از علاقه داران خزانه گرفته تقسیم فقرا و مجاوران
نمایند و در وقت دفن همه ارباب شرع شریف و غیره
مردم را حاضر دارند ۵

[illegible] بنام مهدی خان آصف تین صندوق لاشی
بران الدین در انجا فرستاده شده است باید که
ایشان و قلعه دار و غیره ارباب شرع حاضر نموده ما
[illegible]

وسامان وسرانجام سنگین تقلعه ستی منگل رسیده اسکونت
داشتند باستماع این معنی جریده بطور یلغار سواری خاص
از دارالسلطنه نموده بکمال سرعت باسهل وجوه عبور
نمیاتا نموده دفعته بر سر وقت نصارا رسیده از ضرب
ارابه تیر درخش وتفنگ عاجز نموده شده قریب هزار
نفر در انجا مقتول گشته روز دیگر بقیه نصارا تاب جنگ
نیاورده از انجا قلعه ستی منگل گذاشته بجانب سلام آباد
راهی گشته بود که باز در اثنای راه بمقابله اینها رسیده
اولا از تیرهای درخش تفرقه در جمعیت نصارا انداخته بعد
ازانکه جمعیت کفار ازهم پراگنده گی نه و بالا گشتند یکبار
جمعیت سواران احدی بر سر انها تاخته تمامی سولدران
وبقیه جمعیت را بقتل رسانیدند وباقی بهیر و بنگاه و
درخشها وسامان وسرانجام را بگیر در آوردند چونکه
بفضل الهی وباعانت حضرت رسالت پناهی صلعم فتح و
نصرت همیشه همرکاب یاران سرکار اند الهی فتح و

فیروزی

ازان محرره ست دیکم ماه مقرر نمری دویمی ست و هفتم
ماه جعفری سیوی مرقومه مانزدهم جعفری نشرف
وضوح پیوست کیفیت اماک باران و کرانی غله
که مرقوم مفهوم شد از افضال الهی امید قوی است
عنقریب بنزول رحمت خود بر جمیع بندگان عالمی
رحم سازد و نیز مرقوم بود که راسته و هری پندت
هر کدام سائر دار خود مصلحت صلح سید هند نظر را یعنی که
دهن سک بلقمه دوخته به بر قلیل و کثیر نظر نموده
بایشان بمقتضای مصلحت وقت بمصالحت پرداختن
انسب و بر ستار زاده که مرید انهاست انهم اورعم
فاسد خود نادم شود و باقیمانده فصارا تنبه او بخاطر
جمعی باید نمود که ناخوب بجای خود منکوب و مخذول
گردد بعد از فراغ از شه نصارا سزاوار باداش
اعمال این دو فریق ضالله بوجه احسن بعمل خواهد آمد
سے سنای کنده بازان کنده بازی زرگر

AD 1760

مسجد و انار شریف بالای چونره دفن سازند و در
هزار باقری از خزانه والا گرفته در انروز بفقرا تقسیم
نمایند ۵

۹ امر بنام واردوبهای خزانه بیگن در هزار باقری حواله
سید محمد قلعه ارساز تا انها بروز دفن بران گورستان
بفقرا تقسیم نمایند ۵

۱۰ امر بنام زین العابدین آصف فیض حصار عرضی
مرسله متضمن بر اینکه نزر سنگر او سر رشته دار فیلم بهر پنج
ده هزار روپیه خورد و برد نموده ست او را در برک
داشته اند موضوع شد بسر رشته دار مذکور تا زمانه نکاریا
نموده ده هزار روپیه وصول باید کرد سر رشته دار دیگر از
حضور مان تعلقه برسد تا رسیدن سر رشته دار از
طرف خود کسی را انجهد اشته کار روائی میگرفته
باشند ۵

۱۲ امر بنام بدر الزمانخان بهادر تعلقه حوالی بیگی

ازان

212

حال این دولت خداداد بوده و آینده هم خواهد بود
و نیز در کوی از دست مبارزان سرکار اسد اقلیی
کفار نشه همیشه یافته اند و الحال هم می یابند بسبب آنکه
ست حق طوبت ما محض بر افضال الهی ست و دیگران
بر ملک و مال و کمک یکدیگر تکیه دارند سه ما کار
ولیش سو بخداوند کار باز سپرده ایم ناکرم او
چاکند کیفیت فرانسیس مدانیس آنست
که کل شرک نجس هر دو سگ و خوک برادر یکدیگر اند
باید که انصاف از طرف خود بمضمون شانزده به
هری پندت پیر که در اورا سته بنویسند که با وجود
بودن شما ها در میان سوال و جواب و قسم و عهد
این چه شکل در پیش آورده اند و چه صورت بست
و بر انچه مناسب دانند خطوط نوشته مرضی انها
در یابند ۵

۱۴ امر بنام آصف حسن العظیم عرض بر سله مرقومه غره

کجا میرود مضاعف ازان عاید سرکار حیدری خواهد
شد چاکه مالک الملک کرم خانه کمتر مکان است تکفار
فجار را کریمه مکرو مکر الله و الله خیر الماکرین معاملة
فرموده است و حضرت نواب جنت مکان هم دو
سه بار با مادهوی همین قسم معامله ساخته بودند
ظاهر و مبرهن شد همین مصلحت بخاطر دارما مقاطعه گذشته
دو وکیل سرکار امدی را با زر یک له پیش کفاران
دیر رساله فرستاده دیم توقعات لفمات بان
سکان مقرر و وعده بقیه زر مطابق ایه کریمه صدر
موفوره شده بود ما از انجا که ان شائسته جوان را
شوهر جدید از شوهر قدیم خوشتر و مرغوب تر می اید
ناز مانیکه در رحم ناپاک خود قرحه سوزاک و دیگر امراض
ملاحظه نماید در انوقت دست تاسف بدندان
حسرت گزیدن اغاز نماید در همصورت افضال الهی
و اعانت خاصان حضرت کبریای همواره مبذول

مال

ایشان معاملت خود به غبنه انشقیا پرداخته باشند
نادیکر نالش ایمعنی بحضور نیاید ۵

۴ مرتبه ام آصف بتن دو قطعه مراضی یکی از آن
منضمن مرانکه منکاران هشت محال قصبه بتن در قیمت
مالعه وجوبنه قیمتی سرکار فیض آثار قریب دو هزار راجی
خورد و برد نموده از یادوری بطالع در مثل حضور داخل
کاتبان منبعه قلعه کردیده بارام نشسته اند و دیکی
محتوی بر ایمعنی که حسب الارشاد حضور کاوان کرایه
بهم رسانیده ذمه دار و غه خزانه نموده اند بجهت آن
وجه کرایه کاوان دار و غهای مذکور بمیان می آورد موضوع
و مفهوم کشت بنابر همینکه منکاران مزبور از راه بیحیائی
رشوت و دزدی بعمل آورده باشند از خدمت
معزول نموده داخل کاتبان نموده شده باید که الحال
نامی منکاران را از سر قلعه دار بذمه خود گرفته زر خود
و برد را از رجوع و مقابله در عرصه یکماه بواجبی بعرض

ماه جمادی متضمن فراهم شدن کاوان درخشی بجاب
راهداری برای فرستادن کاوان و بزر کنفیت و زراعت
مقدان در ان نواح مع خطوط اعمال تعلقیات کمکهای
ایشان مرقوم ساخته بود در جواب دادن بخشی نجم
جیش باینان بنظر انور گذشت بعض است که بخشی
مذکور ملاحکم حضور پرنور بر گفته ان غلطنشان اقدام
برخلاف انشقا نخواهد نمود لهذا منشور تاکید بنام بخشی
مذکور مرقوم و ملفوف است امحال بهمه دزدان انشقار
قضا کرفته و اجل رسیده رخت ادبار بان نواح
کشیده اند بواقعی تنبه بعمل خواهد آمد حسب العرضه
ایشان راهداری مرسلت کاوان درخشی
بزودی روانه سازند ۵

۱۴ امر نظام بخشی جیش از روی عرایض مرسله
آصف جاه اعظم و عمال تعلقیات بطهور انجامیده
که دران نواح بهنگامه انشقا برپا کردیده است باید
ایشان

216

AD 1790

AH 1218

باردوت بنظر انور گذشت باستماع مخذولی نصارا نهایت
نهایت درخت شد لمحال کردیده حق تعالی بمقتضای اللهم انصر
من نصر دین محمد واخذل من خذل دین محمد همکی مسلمین
محض نظر بر دفع مشرکین و تقویت دین متین ختم المرسلین
داشته سایهی همدانه همه ما را بپوسته مظفر و منصور دارد
دران دفعه که سواری خاص متوجه دار السلطنت تبین بود
نصارای لعین بکمال غرور و نخوت رخت اوبار ما به
سنی منکل کشیده بود باستماع اینمعنی فورآ بطور یلغار
دفعته بسر وقت نصارا رسیده یکمرتبه در خش انداری
بر کفار نموده شده چنانچه دران روز قریب یکهزار کفار
واصل النار کردید روز دیکر نصارا تاب جنگ نیاورده
بطرف سلام آباد راهی شد باز در اثنای راه کفار حمله
دلاورانه نموده اولا اردو سر و خرشهای کفار را اجمع
نموده بعد ازان جمعیت نصارانه و بالا کشته تمامی سوارا ن
سکنا امیدی بجانها نا خته قریب بهزار بار دو هزار

1000 Cavalry!

[illegible]

وصول آوردن بازاریان حواله قلعه ارسازندران
بقلعه اریم مرقوم است ۵

ایضاً مرقوم شد که محمد قلعه اریمی قبل ازین که شش نفر
منکاران محله قصبه بنین داخل کماشتگی نموده شده است
باید که آنها را بزمه محمد مهدی آصف انجا سازند تا
در عرصه یکماه زر خورد و برد که رجوع و مقابله بآنها
هست از آنها وصول نموده با نامبردگان مذکور
ذمه ایشان دهند آصف مذکور معروض داشته بود که
که در عرصه بست روز زر وصول میسازم بازده روز
افزوده وعده یکماه داده شده ۵

ایضاً مرقوم شد که علی [illegible] عرضه مرسله شما آنرا
بهازات ایشان از بیت الله شریف رکبت
متوجه شدن سلیم خان سلطان روم به نیت نصارا
و ظهور صاحب العصر و الزمان در این سال
مورجال ساختن کج نمودن شقی بعلتکوای وعده
[illegible]

شقاوتی ظهور دزدان انضلع و کرفته بدون پنج شش
هزار کوسفند از زیر دیوار قلعه اودک و کمک ننمودن قلعدار
انجا در خواستن ایشان حکم حضور در باب نوکهداشت
پیاده ها برای تنبیه اشقیا منظور نبودن بکدشت نکهداشتن
پیاده ها در کار نیست پیاده های سابق دهم فوج
قطب الدینخان چه میکند تنبیه مفسدان خواهند پرداخت
چنانچه در ایینات منشور تاکید بنام صدور انجا نیز رقوم
و ملفوف است باید که از همان پیاده ها تنبیه سازند ۵

ام مرقوم صدور یافته حضار باستماع در آمده حرف پنج
شش هزار کوسفندان از زیر دیوار قلعه اودک مردم
مخالف برده اند و قلعدار مذبور اصلا از جای خود حرکت
نه نموده ازین معنی بسیار تعجب رو میدهد باید که آینده چنین
بیجائی را کار نفرموده تاکید شدید بهر هر قلعدار بنویسند
که هر وقت و هر جا که شرارت مفسدان منظور در آید تنبیه
وافی رسانیده باشند ۵ ملفوف منشور آصف ۵

سولدار دیگر از ترک اسوار کفار قتیل و مجروح گشت و تمامی
سرخیام بهیر و بنگاه و ده ضرب درخش و بزه سرخیام
بشمار بگیر سرکار درآمده چونکه با فضال الهی و ماعانت
حضرت رسالت پناهی همیشه فتح و نصرت همعنان
مبارزان سرکار حیدری است فتح و فیروزی نصیب حال
گردیده باید که آن رفعت نشان هم در جنب این قوت
کبری ما را مشکور و سپاس بدرگاه الهی بجا آورند و
درخشهای خویش سرد نهند قبل ازاین مکرر باصفهان
بجمال ابدرباب دادن سرب و باروت مرقوم است
احمال نیز تاکید نوشته مرقوم و ملحوظ گشته است
باید که هرقدر سرب و باروت که مطلوب افتد از انجا
مطلبیده باشند و بجهار کواه های فوج رطلی شش
رطلی هم از انجا خواهد رسید تبرکات مرسل تمام و بکمال
بحضور رسید

ام مهر بنام آصف فیض حصار

Grand!

Figurent
= elle stet le
Dessus Mentionné
Mr le Chevalier
Bourkin
Ministre de
Perse à la
Porte.

راصف هر دو موافق حکم مه کارپندامورات سرکار
باشند والاجان وابروی نخواهد ماند ۵

۴ مرقوم راجه راجندر آصف سنگور مکرر ما سنماع
پیوسته که ایشان قابل و فراغت کل در امورات
سرکار میدارند و کاغذ و فاتر را بموجب حکم مه درست
نمیدارند الحال آینده اینچنین بجایی را کارنفرموده
ایشان و صدور باتفاق یکدیگر در امورات سرکار
مطابق حکم مه بعمل می آورده باشند والا نه جان
وابرو نخواهد ماند ۵ و باهمدیگر مثل حمایان
مناقشه نموده خلل انداز کارسرکار شدن غیر از ابروی
چه نتیجه آن خواهند دید ۵

مرقوم راجه احمدی تعلقدار بالور عرضه مرسله منصفین
تباری مسجد سنگین و شکستن بخانه قدیم و سیمی
ساختن آن مسجد الهیست بنظر انور رسید نشت
افرین بر شما که بخانه کهنه شکسته بنای مسجد تازه بموجب

احکام اصفهان جمال آباد قبل از این مکرر در باب
دادن سرب و باروت بعلاقه علی رابه گیلان و مرقوم
است تا حال باروت نرسیده باید که احال هر قدر
سرب و باروت که نامبرده طلب دارد بفرستند و چهار هزار تبر
درخش هم رطلی و شش طلی هم مکلان بفرستند و
در ارسال تاکید اکید شناسند ۵
ملفوف منشور جی رابه

احکام صدور بخلوت عرض برسد تقدم بر اینکه
بموجب مکتوبه تنقیح و تصحیح جمع و خرج قلعجات و
واصیلی تعلقات نموده کواغذ را آصف نهر و
دستخط خود و ان عظم نشان درست نموده نسپارد
هر چند در ارسال باصف ظاهر میسازند فایده
نمیکند موضوع شد در این روزها آصف مذکور جای
اعتبار نموده است که تا حال در امور سرکار میسپارد
باز منشور تاکید بنام آصف و ملفوف است باید که ایشان
داخل

سید محمد امین باشنده کربه که نزد ایشان نوکر اند و
سوای اینها دو چهار مرد ادیبان با هوش قابل کار
و خدمات سرکار دیده اینها را روانه حضور سازند
تا بکار عمده سرفراز نموده آید ۱۵

۱۴ مرقوم ۱۶ ماه صفر فیضمصار ترین خان افغان
که نزد ایشان می باشد برای فرستادن او بحضور
راهداری مرسلت باید که نامبرده را روانه حضور
سازند تا بکار و خدمت عمده سرفراز نموده آید ۱۵

۱۶ مرقوم ۱۶ بدر الزمان خان بهادر عرضی مرسله
مرقومه هشتم ماه حیدری بنوزدهم ماه مذکور متضمن متصل
رسیدن فوج مقهوران بقلعه و کیفیت برابر شدن
تیر و رخشها بدمانه درخش بنظر انور بگذشت باید
ایشان قابو دیده بشبخون بر فوج مرانه نمانند و برای
فرستادن تیر و رخشهای موافق معتاد با صف
و قلعه از نکر تاکید مرقوم و ملفوفت فرستاده تیرها

رضی آمده پس بنا نموده اند باید که از بقیه تیاری مسجد
بزودی فراغ حاصل نموده بنا نک و صلوة معمور دارند
ما تواب آن بروزگار فرخنده آثار عاید حال گردد

بنام میر احمد تعلقدار تانور مرقوم شهر ماه حیدری
عرضی مرسله مضمن سرکرم بودن ایشان شب و روز
بر دلاسای رعایا و توفیر زراعت و استدعای
داخل نمودن موضع کولابزه در تعلقه بجن کودو موضع
بلکره و کلکونده در تعلقه تانور سبب قرب جوار منظر
انور گذشت حسب العروضه ایشان در باب داخل نمودن
مواضعات مذکور منشور تاکید بنام آصف بن مرحوم
است باید که شب و روز در تعلقه تعلقه خود یکیک
وجب زمین از نظر خود ملاحظه نموده در توفیر زراعت
سرکرم باشند و باعتماد دیگران بغراغت ننشینند

الواب
امر بنام قطب الملک راجه اری برای صدر عبد
داماد سنان میان مرسولست و نیز بعضی مردم فرا

بسمه تعالی

مجروبه مذرفتح بنظر اقدس رسیده گذشت ۵

۴۲ مرسله نام محمد علی دار و غه قشقلی بانه عرضی مرسله
متضمن کیفیت بیماری دوزنجیر فیل صولت اثر
وظفر پیکر بنظر انور گذشت فیلبان مذکور بهاسکار آمده
بمعالجه آن پردازند بحضور بنابر فرستاده ۵

۴۳ مرسله نام تعلقدار وقلعدار هولیور درک چند
کس زمار دار اقارب خانجهان منتسب حضور بموضع
حسکار ملی کرامده مصکونت میدارند بابد که بهیچ وجه
من الوجوه ازطرف خود یا ازدیگران مجوز تکلیف اینها
نشوند وبامد ورفت اینها مزاحمت بهم نرسانند ۵

۴۴ مرسله نام سید محمد خان الحف وجیا بحصار عرضی
مرسله متضمن مبارکباد عید الضحی معه مجروبه مذر بموضع
بهوست اوسیجانه ظهور عید سعید نبارد بر جمیع قدویا
دولتخواهان مبارک وساز وارکناد ۵

۴۵ مرسله نام میر محمد علی صدر وفرجیا بحصار عرضی

طلبیدارند و بتزنک تاکید بر اسکدار به نکر مرسل کشته
باید که این نهاب وقت دیده بعمل می آورده
باشند

ام مرقوم بنام آصف جاه آباد عرضی مرسله متضمن
ضرر بودن امین بکان حاکم نشین بنظر انور بگذشت
باید که یک مرد لوی با هوش بجا دیده بکار امینی
مامور داشته اسم نویسی او روانه حضور سازند

ام مرقوم بنام شیر خان آصف جاه آباد نکر عرائض مرسله
بنظر انور بگذشت هر قدر عوض تحصیل نکری خود که بعرض
وصول در آید زیاده برده هزار راجیتی نزد خود نگهداشته
هما نوقت روانه خزانه دار السلطنته تین ساخته
باشند روانه سرکار همیشه بعمل هر قدر سکا دان که باشند
روانه حضور پر نور نموده باشند مفصل کوائف جمعیت
نصارا که معروض داشته بودند مفهوم شد ان شاء الله تعالی
عنقریب بصیغه احسن باز تنه نصارای بعین بعمل می آید

فرد

۷ امر بنام داروغه بنادیق کارخانه توپخانی درک
حسب العروضه ایشان راهداری بنا بر فرستادن
بنادیق مرقوم و ملفوفت بنادیق روانه سازند

۱۴ امر بنام محمد نصیر خلف سوم سوار کچهری ارزدی عرضی
مرسله مفصل کیفیت بوضوح پیوست باید که همیشه
حکمی مه را ملاحظه نموده مطابق ان بعمل آورند و
در تمامی روز دوسته جادهم در شب تبدیل مکان
نموده فرود می آمده باشند

۱۴ امر بنام میر محمد علی منشور سوم قلعه دار السلطنتین
عرضی مرسله متضمن درخواست تاکید بنام تعلقدار
بحس کود و قلعه ارطمار در باب شکستن اگران قلعه
قدیم و هتر و نیز استدعای زر ساعده اسپان
بان شوکت مرتبت و دیگر متصدیان علاقه کچهری
ایشان بخط انور بکدشت حسب العروضه ایشان
نامشیر تاکید بنام مشارالیهم مرقوم و ملفوفت باید

AM 7218

مرسله متضمن مبارکباد فتح معه هجرویه مذز بشرف وصول
یوست اوسیجانه ظهور ایمنی برما و بر جمیع فدویان
درگاه وسلامت دارادگ

ماشیر شماره ۱۰ مرداد ماه خردادی سال شناسه ۱۲۱۸ خانه
ماه مذکور

Kiessowe
(Ohrdruf)

مرمبام سید محمد قلعدار قلعه دارالسلطنه تبن
کلسهای مسجد اعلی بزودی تیار کنانیده بالای
مناره های مسجد مذکور نصب کنانیده بحضور معروض
دارندگ

مرمبام دارو غهای خزانه کلسهای مسجد مذکور
بزودی تیار کنانیده بر بالای مسجد اعلی نصب
کنانیده بزودی بحضور معروض دارندگ

ماه مذکور

۱۴ امر مهدی خان آصف پیش خدمت مرسله محسن مرزا
انکه
تعلقدار گلشن آباد بطور مبادله مبلغ مبلغ راضی محمد رضا
مسم باشی علاقه جلوگیری رسانیده است و نیز بعضاد و
پرخاش کار و از انجمله مشت و دو راس گاو نر کبار و
ماده و سه لاوه بابت امرت محل وسی راس
گاو ماده خریدی مکردون کوته معه بقی قیمت آن منظر انور
بگذشت رسانیدن مبلغ مذکور نامبرده بجاو متعهد شده
درانجی در طلب او مجرا گرفته خواهد شد حسب العرضه
ایشان تعلقدار دیگر مارگل کور فرستاده می شود

۱۴ امر بنام بدر الزمانخان بهادر از روی عرضی
بخشی چهارم جیش گجری کیفیت پشنجولت نمودن
ایشان بر فوج کفار متعرض شده باید که مفصل معروض دارند
دابنده هم چونکه جای فا بوده بواقعی پشنجولت زده تنبیه
رسانند

۱۴ امر بنام بدر الزمانخان بهادر در باب کیفیت

اکران و جهتر و شکست سرانجام ان بکامکاری بیاورکار
صرف سازند و قلعدار متین است بساعد خواهند
دهانید باید که آب مزبده باغ رسانند و شب و
روز بکار رجوعه خود سرگرم باشند ۱۲

۱۴ امر بنام محمد نصیر خلف سیوم سوار کچهری مرقوم رسله
بنظر انور بگذشت همبرین منوال کیفیت لشکر نصارا
توانر معروض داشته بخبرداری و هشیاری در انجا
قایم باشند ۱۲

۱۴ امر بنام نور الاجنا نتایج ساکن حیدرآباد مرقوم
رسله متضمن کیفیت روبا و مراقبه خود و اراده رسیدن
انشان بحضور و افزانور معه اهل و عیال بنظر انور بگذشت
چونکه انصاحب صحیح النسب و عمده خاندان اند
بدون چنین استی من در سرکار حیدری همیشه پیش
نهاد خاطر اقدس ست البته خود را بحضور رسانیده
بهره یاب ملازمت شوند ۱۲

۱۴ امر بنام فاروق

مباشیر حضور هم از همان راه بایشان موصول خواهد گشت ۵

۱۷ امر بنام محمد رضا آصف دوم احمد عنایت عرضی

مرسله نظر انور بگذشت کیفیت مندرجه بوضوح پیوست

چونکه نصارای بدکیش با قلیلی ز مارد بتر در حصار

قلعه بند شده سکونت میدارد جای دوا دوی او

معلوم پس معطل نشستن صد در اینجا با وجود بودن

جمعیت معقول چه موجب باید که باطراف و جوانب

ان نواح هر جا که یورش و زدان نظر آمد نبه انها بوا یر

می نموده باشند و سر کوبی نصارا که در اینجا بعمل آمده

بنامی ممالک محروسه اشتهار است و قبل ازین با نجا هم

بر خیم در آمده در اینصورت بصدد تاکید باید نمود

که بکمال جرات و دلیری با نجا مضبوط و متحکم بوده جا

نبه اشتغا نموده باشند تا از معنی حسن مجرای قدرت

و بانقش نبی ایشان منصور باشد ۵

۱۷ امر بنام سید عبد الله سید عبد روس خطاب بخط

ایشان ظاهر نشده باید که فضل خداوندی اعانت حضرت
رسالت پناهی را همیشه شامل حال خود دانسته جمعیت
جیش و غیره همراه خود کرفته کفاران را تعاقب رسانند و
بر فوج مرانه یکبار مدرستی شبخون افکنند تا همه روبفرار
نهند و در اینجا هم خبداری بدکیش نبه رسیده است
و اینده هم خواهد شد همواره اخبار اینجا نوشته مصحوب
آدمان خود نزد یک اصف نظیر فرستاده باشند
و از اینجا برا سکه ارخواهد آمد و از یجا در جواب نامه شیر
بواسطه نامبرده خواهد رسید

نامه بنام اصف وصد در خورشید سواد بابرکت
ایشان اخبار اطراف و جوانب طلبیده به مدار المهام
بهادر اطلاع میداده باشند تا اینجا نیز مهمات ما حسن
وجوه نموده باشند و کیفیت رویداد اینجا را بحضور
هم عرضه نموده بصحابت آدمان خود پیش اصف نظیر
میفرستاده باشند از اینجا بحضور برا سکه خواهد رسید

نامه

کنداچار برای گرفتن اراضی نشستند میخواهند که زمین سابق
بحال گردد موضوع شدند فراهمی خداآباد در سرد یکی
کادبری پوریاجی ملکیه داشته خود بسردیکی رودبار
بخبرداری وهوشیاری باشند انشاءالله تعالی مغرب
سواری خاص هم رونق افزای انسمت میگردد در مقدمه
زمین بیادگان کنداچار بموجب حکم کسابق عزورود
یافته است بعمل آورند اگر بیادگان بگرفتن اراضی راضی
نشده عذر آورند بانها بگویند که آمر نتیجه این عذر وحیله
سوای پشیمانی امر دیگر نخواهند دید بلکه مطابق حکم سرکار
بعمل آوردن عین صلاح وبهبود خود دانسته
۱۹ امر شام وارد عه دار الضرب فرخی عرضیه مرسله متضمن
براینکه پیوسته در تیاری فلوس وعثمانی واد هیله
دیاوله وغیره سرکرم بوده از ابتدای سال لغایت حال
شش لک وبیست هزار فلوس معه اد هیله وغیره تیار
کنانیده بذمه اصف ابنی نموده اند معه دو عدد عثمانی

متضمن شهور و معروف بودن کوشش ها و این سرکار جهت
با کفار در بیت الله و تمامی ملک عرب معه مکرر سالها فضایل
جهاد موصول گردیده مسرت افزای خاطر اقدس گردید
چونکه جهاد با کفار دین اعظم رکن ایمان مقدم بر عبادات
است لهذا این مستمند درگاه ایزدی شب و روز با تمامی
لوازمات امور آن جهاد مشتغل است او سبحانه که تا
قیام قیامت حافظ و ناصر دین خیر المرسلین و ناصر
مجاهدان صفوت آئین است حسب الخواهش خاطر اقدس
از قوه بفعل آورد الصاحب هم سید صحیح النسب و
مشایخ بزرگ اند مدعای نصرت غازیان و راحت باشند
تا عنقریب کفار بدکار را مخذول و منکوب گردیده
شرف دین احمدی شوند ۵

از مرحوم شیر خان آصف خدا آباد دو قطعه خط بعض
مرسله یکی مشتمل کم شدن آب ندی و بخبر داری
بودن خود با نجا دیگری محتوی بر اینکه مردم بیاد کان

اسامیهای مذکور موجب فرد ملفوفه رسیده اند

۱۹ امر بنام اصف جاه العظیم قبل از این نهاهی
سیله دسوت خام که ترسیل داشته بودند رسیدان
بهرود سخط خاص مزین نموده ملفوف است خواهد
رسید

۲۰ امر بنام بدر الزمان خان سادر فوج مخالف در ا
نواح است عمداً و مصلحتاً زیادتی جمعیت خود شهره اند فلا
در اصل یکصد نفر فرنگی و دو هزار مردم بارسوای این از
قسم غارتگران و غیره دزد و ده پانزده هزار تخمیا در انجا
ست ایمنی از روی اخبار بعرض حضور پیوست و هرکاره
رسله ایشان نیز همین معنی ظاهر ساخت و البته بر آن
رفعت شان از روی اخبار باطنی ظاهر شده باشد
و جمعیت کفار بانسمت باید اینکه جمعیت نصارا باین
طرف سلام آباد وغیره رخت اوبار کشیده اند و سبب
تحطات سالی آن نواح که فی روپیه چهار دک جوار بهر سیدان

برای نمونه بنظر انور رسیده بود که همیشه تعقید فلوس و غیره
و غیره بفور تبارک نشده باشند مرقوم بود که از تقرر
مزدوری مادله از حضور اطلاع شود فی اطل سه قلم مزدوری
باید که یک اطل مادله وزن نموده گرفته سه قلم مزدوری
سیداده باشند ۵

۱۹ امر جناب سید محمد فلعدار مین مت وهشت اسامی
معه زن و مرد و بابت مرسله اصف فیض حصار بدمه
ایشان داده شده است باید که بموجب فرد ملفوفه
موجودات انها دیده بانچه بکهدارند

۱۹ امر جناب اصف فیض حصار عرضه مرسله مضمر
اینکه
سبزه کس و مرد و دابه و کنیز تعلقه غلام حسین و
بکفر زمیدار تعلقه نابلی و صاردکس و فعدار و غیره
تعلقه مکرا معه زن و دختر و کنیز و بحکیس و فعدار
هوبلی تعلقه مذکور جمله مت و هشت کس که بدمه حسین خان
سپهدار نموده فرستاده بود بر بیاریجا و مستحسن شده

خنک کنان تا بفرودگاه رفته هرچیکه در انجا غنیمت بدست

آید همه را گرفته تا چهار ربع گهری برهمان فرودگاه بوده

باز بجای خود مراجعت باید نمود و بعد از این هم کفاران

را بکار غفلت انداخته یک شبخون باید زد و باز بر

دیگر بوقت روز به همه جمعیت را تیار نموده برانها باید زد

یقین است که انهمه کفاران نابکار در مقابله این لشکر

تاب نیاورده خواهند گریخت با غنیم یکدو دفعه بعمل

آورده بعد از انکه پراگنده و گریزان شوند خود هم با جمعیت

باطراف و جوانب باید گردید و مردم سکنه اطراف

که از سرکار باغی شده باشند رعایت انها منظور نما

بهر مواضع که غله در کهوها بوده باشد بیارند از انجا هم

فوج سنگین ازین سمت همراه [illegible] روانه

گردیده است از استماع خبر آمد آمد این فوج همه مقهوران

هراسیده [illegible] زند درین وقت هیبت ایشان

هم بموجب مرقومه صدر مناسب دانسته تنبیه کفار سازند

[illegible]

دشوارست دانسته بملک سرکار که بفضل الهی ارزانی است
همه قدردان و خدمتگزاران املاک ارادهٔ این نوام داشته
رسیده اند و در ایشان مردم جنگی قدری قلیل اندواز
دهشت و خوف فوج سرکار مبادا کدام وقت بگروه
بر سر وقت خود ما خواهند رسید جای خود ترسان بود
از دور دور بیست و دو میل نزدیک باد جود این ایشان
تا حال تنبه واقعی نرسانیده از بسیار تعجب بفضل الهی
همراه ایشان جمعیت معقول مستعد و آماده باشند که
ازاین فوج نادره ده کردهٔ کفاران را معزور سازند
دبندوبست ملک سرکار منمودند نه که در پناه قلعه دانه دن
بتبری ها بوده باشند باید که ایشان دبخشی چهارم بخش
با تمامی سپاهیان مشورت نموده بسبق همگی فوج خود را
جریده دتیار همراه خود کرفته بر فرود کاه کفار روند
همینکه مردم طلایه مخالف از آمد آمد فوج سرکار واقف شده
غلبانک سازند در جمعیت اینها شور و غوغای افتد دین اثنا

فلا

5138

کیفیت مندرجه بوضوح پیوست خبر واقعی نصارا در باقیه
بحضور معروض داشته باشند و در صورت زیادتی
بهنگامه اشقیا باید که خود جای امن دیده سکونت
دارند ۵

۴ امر بنام علیرضا حکم نامه فارسی و هندوی هر دو
ملفوف مرسل گشت باید که بموجب آن کارپرداز بوده
حسن مجرای خود بروی کار آورند ۵

۴ امر بنام اصف ثانی عریضه مرسله متضمن بر آنکه
علاقه داران کارخانه سفرلاطوری که سفندان لوشاهی
که مدارای یکوحب بوده باشد درخواست میدارند بنظر
انور نگذشت علاقه داران مذکور از راه بیهودگی نوع گو
میسازند که بمقدار یکوحب موی بچه گوسفندان میخواهند باید
که موی گوسفندان سیزده ماهه چهارده ماهه که البته
دراز میباشد هر قدر که مطلوب افتد بکارخانه مذکور
برسانیده باشند و بگویند که موی گوسفندان انملک

در اینجا تنبیه نصاری را قبل از این بوقوع آمده مفصل مرقوم گردیده
است مبرهن شده باشد الحال تعاقب انها نموده
بملک انها خبک لذا خش مقرر نموده خضوع ذلیلی خاص
بسمت ترجیلی جلوه افروزست بفضل الهی و باعانت
حضرت رسالت پناهی صلعم تنبیه واقعی نصاری را نموده
میشود که از بعضی منبر کمر شکنی کفاران ان نواح گردیده
همه مغرور این و محذول میشوند لا

ولهذا جنابم علیرضا بیگ سرکرده بهت را از حضور خاص
نموده نزد ان مرسلت باید که بنا برده تمامی احکام
حکمیه اطلاع داده قسمیکه در حکمنامه مرقوم است بدان
موجب عمل آورند و هرگاه عرایض بحضور پر نور مرسول
خواهند داشت از ان حقیقت تبریزی مذبور را
اطلاع داده بعرضی میدهد سری و اساس رادفتانی
سوسکر سرکنانیده مغرر ساده باشند لا

ولهذا جنابم تعلقدار دانم باری عرضی مرسله بنظر انور
گذشت

گذشت

اند تخمیناً عوض ده هزار روپیه بوده باشد و بیشتر در رمانه ما نمیرده
یک دانه مروارید بهتر و یکعدد زمرد و نه عدد یاقوت بود
اینهمه را در کچهری نگهداشته شده معلوم و مفهوم شد
رمانه مذکور ذمه منشای او نموده مبلغ ده روپیه نذر سرکار
پیکبر مروارید و زمرد و جزه را حضور رسانده

~~صلح مرتبام تعقد از کوریال خریطه های موسوم آنام~~
وغلفان مسقط و دلال انجا در باب دادن جای در
شهره برای داشتن مراکب سرکار حیدری مرسلت
باید کرایشان بر مراکب مذکوره اجناس روانه نمودنی
بار نموده بزودی روانه مسقط سازند تا بانجا در شهر
جهازی نموده سکونت دارند و فتیکه طلبیده خواهد شد
باین سمت برسند

~~صلح مرتبام دار و غه جهازات آمد و رفت مسقط~~
حسب المعروضه ایشان خطوط بنام امام و غلفان و
دلال مسقط مرقوم است اینه برای داشتن مراکب سرکار

همین قسم هم میرسد

~~اینجا بنام آصف ثانی جمع اشرف درآمده که~~
~~ایشان تا یکپاس روز برآمده بخواب راحت مشغول~~
بوده بعد ازان بخانه خود در بار عام زده بوقت دو پاس
روز بکچهری حاضر شده باز بشرف سریعه رواز می شوند
از همین خبر از فراغت دلی بحضور توان نمود باید که آینده
پرده غفلت از خود دور ساخته قبل از بکچهری روز
برآمده از نامی حوایج خود فارغ شده حاضر بکچهری باشند
و دو بکچهری روز نامفهمانده برخاسته باز بوقت چهار بکچهری
شب بکچهری حاضر گردیده بعد اتمام نقاره نوبت دوم هر
شب بر خاست سازند و در این خبر از دریافت مقدمات
کلی و جزوی سرکار بکلی اشتغال نورزند

~~اینجا بنام آصف ثانی عرضه رسید مضمون بر اینکه باران~~
نامی ساهو باشنده ارکات در کنجام بقصبای الهی شده
خبر از منشای او دارت دیگر نموده لهذا از نامه او را ضبط نموده

میسازیم باقی کیفیت بموجب منشور بندوی دریافته مطابق
ان بعمل آورند و در جنبهی دیگر شرخان اصف ضد الامادر
را روانه نکری مذکور سازند تا بانجا به بندوبست امورات
تعلقه متعلقه خود پردازد ۸

۴ مرقوم بدر الزمانخان بهادر پیش ازین مرقوم
است که نصاحب از طرف خود براورا سته و هر رسته
بهرکه میتوانند بی موجب بے سبب خلاف عهد و پیمان
نمودن و ناخوشی در میان آوردن خیلی تعجب و در
ناخوشی طرفین غیر از خرابی لکوکهای مرزمانه حصول دراین
صورت انصاحب بهمه وجوه داناد دور اندیش هستند
لهذا نوشته میشود که مطابق قرارنامه از طرفین لوازمات
دوستی و ارتباط منضبط سازند از حضور پرنور علیرضا
از برای رفع خلش و ترایید دوستی طرفین که موجب
رفاه و فلاح خلق الله است فرستاده شده است باید
انصاحب بسری مت و بالای هر نویس ظاهر نموده شارالیه

حیدری در مشهد جای خواهند داشت باید کرانی نمایند
مراکب سرکار مستقبل برده در مکان مذکور بخشکی کشیده
بالای آن چادری نموده نگهدارند و بدون طلب رواله
این سمت نشوند

ارسال مناشیر غره ماه دینی سال استانه الله محمد نعاینه
افزاه مذکور

بنام میر قمرالدین عرضه مرسله متضمن عبور نمودن
نصارا ندی کاوری و فرود آمدن بر استه خدا آباد و
عقب شدن آن نمره جمعیت خود و بسبب دور
از اکهاری شدن او متعذر موضوع شده می باید
آن نمره عقب فوج نصارا باشند ان الله المستعان
ما بدولت نیز بهمان نزدیکی رسیده آن را طلب

بسم الله

او نیز خیالی داخل نموده خنده است مکان مذکور دایره کاه
لشکر فیروزیست انشاء الله المستعان عنقریب بتنبیه خاطرخواه
بعمل می آید ۱۲

۱۳ مرقوم بنام آصف ثانی عرضی مرسله متضمن فرستادن
چهار دک نخود سفید اشرف وضوع میوست نخود مذکور
تا حال بحضور نرسیده شاید در اثنای راه برا سکاتلند
باشد متعاقب خواهد رسید باید که بفور طلبیده در تعلقات
کشت و کار کنانند تا زیاده تر حاصل کرده ۱۲

۱۴ مرقوم بنام سید محمد خان آصف فرجا بحصار سلیم
یکهزار هون حیدری حواله علیرضا وکیل سرکار نموده رسید
بگیرند تا نامبرده مبلغ مذکور بخرج مردم همراهی خود بیاورد ۱۲

۱۵ مرقوم بنام محمد عثمان در زاهد خیالی عرضی مرسله متضمن
نیاز نمودن چهار درخش در یکدفعه بنظر انور گذشت بیماری
درختها بسیار بجا و مستحسن شده باید که کارپردازان اسد اللهی
را نیز بهمه صنایع نضارا بیاموزانند محمد امین دارونه حواله سید محمد

را طلبیده رفع خلش کنند ان شاء الله تعالی بعد انفصال
زر نقد هم خواهد رسید اگر مرضی شریف باشد من هم بعد انفصال
خواهم رسید بمضمون دو بکر انچه مناسب باشد نوشته
جواب طلبیده اطلاع دهند انصاحب هم بیرون قلعه
جمعیت بوده همیشه کیفیت رویداد را بحضور معروض داشته
باشند مراتا دیگر مردم دغا باز امداد نکرده دغای
انها غافل نباید بود در بنولا انصارای بدکیش رانبه
کنان نیز خیالی که ملک او ست داخل نموده شده برخاسته
دایره کاه لشکر فیروزی است متقرب تنبیه معقول و مناسب
بعمل می آید

نقل مکتوب

نام مرتبام سید عبد الرزاق [illegible] بی نظیر مکتوبه
نشور موسومه بدر الزمانخان بهادر ملفوف مرسلت
بصحابت ادم هشیار روانه نموده جواب آن طلبیده
مرسولدارند در بنولا انصارای بدکیش رانبه نموده بملک

شریک دزدان ظفرآباد کرده قطاع الطریقی مینمودند سوای
این سه چهار اساسیان برای رسانیدن زر واجبی سرکار
ستمدیده میباید که همه اساسیان مرقومه صدر را از اضاف
انجا بذمه خود گرفته بدانند که اگر سن بر دو نفر راه زن زیاده
از ست سال باشند بکیفر اینها قطع نموده بکار مهمکشی بدارند
واگر کم از ست سال باشند جلدی در قید داشته بعد ازان
داخل زمره اسد اللهیان سازند و اساسیان که بر
ذمه اینها زر واجب الادای سرکار است اینهمه را بذمه
خود بگیرند و در بزرگ گذارند آینده نیز اینچنین اساسیان
را بذمه خود گرفته باشند ط

سلخ مرقوم نام محمد قاسم وارد عرضداشت نموده عرضی سلمه
منضمن سقط شدن فیل خدا بخش علاقه عماری کارخانه
بنظر انور رسید باید که فیل خدا بخش والا بخش خاص
سواری را در رسانیده باحتیاط تمام رانبی چاره
بدانا نبده باشند و در احتیاط آن سعی تمام بکار برند

قلعه اربتین نموده شده بود از نامبرده سراغ او دریافته داخل
کارخانه ساز نمود

شرح مرخص نمودن اهالی قلعه اربتین عرضی مرسله متضمن بر اینکه
دو نفر تعلقه منظر آباد سرنگ در دان ظفر آباد کرده راه زنی
مینمودند سوای این سه چهار اسامیان برای رسانیدن زر
واجبی سرکار متمردی میباشند زنهار برای نگهداشتن اینها در
سرنگ مشورتاکید قلعه اربتین درخواست میدارند موضوع
شده بموجب مرقومه ایشان تاکید بقلعه اربتین در باب نگهداشتن
دردان و غیره اسامیان در سرنگ مرقوم و ملفوفه شاید
هر دو نفر اگر کم از بیست سال عمر داشته باشند حبسی در قید
داشته بعد ازان داخل زمره اسد اللهیان نمایند
اگر زیاده از بیست سال بوده باشند یکبار انها را بزده
برسمه کشی مقرر سازند در ایناب بقلعه اربتین مرقوم
ملفوفه

شرح مرخص قلعه اربتین دو نفر رعایای تعلقه منظر آباد
سرنگ

بوقوع خواهد پیوست انصاحب دانا و تجربه کار بسیند بوقت شب
مردم بقریه جات فرستاده غله باید طلبید و هم غله مدفونه باید
برآورد و تقسیم مردمان را تقسیم باید نمود و به سیه داران
در سالداران و بخشی و بقره دلاسا نموده مردم را افزای
شدن نباید داد مسموع شد که در هندوستان فوج سیدها
و هولکر و علی بهادر هزیمت خورده تار و مار شده خبر
واقعی ایمعنی هم از انجا دریافته معروضداشتند و از طرف
خود براورا سته و هری پندت بهر که نوشته باید فرستاد
که بی موجب و بی سبب خلاف عهد و پیمان نمودن و
ناخوشی در میان آوردن غیر از خرابی غیر ما چه حاصل لهذا
نوشته میشود که مثل انصاحب دانا و دوراندیش واسطه
کار بوده مجوزها کی خلق الله کردیدن بسیار تعجب شاید ان
علیرا را بدفع غلش فرستاده شده باید که انصاحب
بسری نت و بالاجی بهر نویس ظاهر نموده شد را لیه را
طلبیده رفع غلش کنانند بعد انفصال مقدمه زر نقد هم خوا

صلح مرتب نام سید محمد خان آصف فرحبا بحصار عرضی
متضمن بر اینکه میرعباس علی پسر آصف مجسته اساس
باراده رفتن تا پور در فرحبا بحصار نوشته است و بسبب
عدم راهداری نمیتواند که بشتر روانه شود لهذا احب العرض
ایشان راهداری مذکور ملفوف مرسلست ۵

صلح مرتب نام میر افضل خان عرضی مرسلات ایشان
مرقومست در حکم ماه خسروی بتاریخ سلخ ماه دینی بشرف
وضوح پیوست و کیفیت بوقوع آمدن جنگ مرقوم بود
مفصل معلوم شد باید که افضال الهی و اعانت حضرت
پناهی را مقدم شمار حال خود دانسته در این جنگ
جهاد انچنانکه شرط دولت شناسی و بایسته مناسب وقت
بیند بعمل آورده باشند بعون الله نصارا الی سبیل که
تا بملک سلام آباد رخت اقامت کشیده بود اینها را تنبیه
کنان بسر حد چنابل برده شد انحال لشکر ظفر پیکر بر مکان
مذکور دایره وار دانند و همه در ملک ارکات و بیره جنگ

حوالهٔ قلعدار سازند تا در نیزک گذارد و تمامی مردم فوج خم
بنی دهنده بالفعل ایشان معه جمعیت در قبض حصار
باشند و حمید رخش را بخشی اول مقرر سازند سابق
شخصیکه حضور طلب شده بود او را روانه حضور نموده
شخص دیگر که جریح و اشراف باشد اگر قابل اول بخشی گری
بنده بهتر والا دوم مقرر سازند و اسم نویسی او بحضور
بفرستند هر قدر ساعده که مطلوب شود گرفته سواران بهتر
و جریح نگهدارند مرقوم بود که شیخ حمید رسالدار یکه رخش
که ذره او بود بر زر مکاه گذاشته در اول شلق قراری
شد و نا قبض حصار قرار نگرفت بعمل کرایشان آن نکوام
را زنده گذاشته اند باید که بمقضای دلکم فی القصاص حیوة
ادا انزا مدار کشند در اینمعنی تغافلی نسازند که از قتل یک
کس بسیار ها تسلط افتد و سپهدار دیگر را
پیش از این نکوام مذبور نهضت کرده بود هر سه را بعهده
انها قایم دارند و بمنشی خود تاکید دارند که در اخبار عرضی

An Officer of
Nawab ordered
the crucified
An Omrahee
with the face
the Enemy

رسید اگر مرضی انصاحب باشد من هم خواهم آمد بمصروف یا دیگر
مناسب داند نوشته جواب طلبیده اطلاع دهند ۱۲

صلح مرتبام قطب الملک عرضی ان محرره گشته
روز جمعه سال ستاشه ۱۱۲۱ محمد تباریخ سلخ ماه مذکور رسیده ۱۲
داد تنبه نمودن ایشان بکفاران مقهور و زخمی شده اتادن
اسد علی و شجاعت و تهوری نمودن فرزندان ایشان حسین علیخان
نمک پرورده قدیم سرکار اسد الهی مثل شیر هزبر بسیار بجا
و مستحسن شد در مردم جنیش سپه دار باید عهده دار بس با
شده باشد او را از مدت معزول سازند و دیگر مردم
نجیب و اشراف دیده بر خدمات منصوب باید نمود شیخ مهر
سپهدار که شهید شد سعادت یافت سید اشرف
سپهدار که از حضور همراه حیدر بخش آمده است از اعوص
شیخ عمر مقرر سازند و علی بیک را بر عهده قدیمی او
قایم دارند ۳ ضرب در حشم که بر زم گاه باشد مزید مضایقه
محمد بیک بخشی که نامردی کرفت ان ناپکار را در حین حصار

ایشان نهکوته بسیار باشد جمعیت همراهی ایشان
سوای ان پورنیا با جمعیت سنگین بانجا میرسند
از انجمان سه قشون بجویل راه کوه فنه منتهورا
برداشته بجهت دادن سه قشون بجویل ایشان منشور
تاکید بنام پورنیا مرقوم شد ۵

بداه دفعه بنام میر محمود سپهدار دو قطعه عرایض
محرره هشتم و نهم ماه خسروی متضمن بر انکه جوق اول
رساله همت خان خالیست چقدار مطلوبست و در
ذات همت خان شیر خان یوسف زای خوب و لایق
است و نیز در تنبیه یک یوزدار فوتی شده یوز
خالیست برادر نسبتی تنبیه دار بسیار لایق و اتابع
همت خان رساله دار در کار سرکار بکار آمده و ایشان
یوسف خان را فرستاده کفاران همت کوائی را تنبیه
واقعی رسانیده اند موضوع و مفهوم شد باید که شیر خان
یوسف زائی را برادل چقداری رساله همت خان و هم

AM 1218

خود تاریخ در فروسال وسن منبوشته باشد همین علیجان
ملف این نوجوان است در وقت جنگ مصالحه
او منظور دارند و یک بخشی در فوج خود منورس خه بلغف
فوج تعین او نموده بجنگ مغرستاده باشند ۵

صلح مرتبام شاه بداند کمالات صوری و معنوی
این نن بتواتر بسمع اشرف درآمده است لهذا فتح
اوقات شریف است که بنا بر حصول فتح و نصرت عازمان
اسلام و مقهوری محمد ولی محصور کفار ظلام در اوقات
مخصوصه خود در جناب واهب العطیات مسئلت باشند
و از طرف خود کسی را بحضور روانه سازند مبری مدرکه
فرستاده نگردد

بتاریخ یازدهم ماه دینی بنام محمد در بلور مرقومی مرسله
مرقوم هفتم ماه دینی بتاریخ دهم ماه مذکور بشرف وصول
یوست هنگامه آرای اشقیا در روانه شدن این نن
بهکوته برای تنبیه انها خبر انور بجدت مفهوم شد رفتن

Deem
(Dank)

الشان

رفتن ایشان ببرکت آباد و فوج انجا ملحق نخواهد شد باید که
خود ببرکت آباد رفته میر محمود را دانه جمال آباد سازند
و یوسف خان فوجدار برکت آباد را معه جمعیت همراه
خود دارند مسموع شده علی کنا نور در انبولا جبال
قاصد در سر داشته اراده آنجانی دارد یعنی قرین
صدق نمی آید مفصل دریافته اطلاع دهند ۵

۷ امر بنام محمد اتقاد سپهدار در انبولا میر محمود سپهدار
حضور طلب آمده باید که ایشان معه فوجدار برکت آباد
نزد حسین علیخان رفته سکونت دارند برای خرچ هم
خانمکور از همانجا خواهند داد باید کیفیت علی راجه کنا نور
که مرقوم بود مفصل موضوع شد ۵

۷ امر بنام فوجدار برکت آباد در انبولا میر محمود سپهدار
بحضور پر نور طلبیده شده است باید که ایشان معه جمعیت
همراهی نزد یک حسین علیخان رفته سکونت دارند برای
خرچ هم از همانجا خانمکور خواهند داد باید ۵

برادر نسبتی تیب دار را بعهده داری مقرر سازد
قیمت اسپ بهمت خان رسالدار که بکار آمده است
قیمت آن معلوم نیست لهذا حکم فرموده می شود که مبلغ
یکصد روپیه از سرکار برسالدار مذکور مرحمت شد قبل
ازاین زر ارقام یافته بود که آنان بجمال آباد
روانه شوند باید که یوسف خان را در برکت آباد گذاشته
خود بجمال آباد روند و به بندوبست آن نواح پردازند
میر غلام علی سپهدار چهارم حبش را همراه گرفته کارپند
امورات سرکار باشند ۵

ماه دیگر بنام حسین علیخان عرضه مرسله مرقومه
دهم ماه حیدری مفصل منبی رسانیدن باشقیای ان نواح
در سیدن شمس الدین بجنگ و بابو را و سرشته داران انجا
بشرف وضوح پیوست باید که آینده همانجا روز بسی
مردم همراهی خود و هم بر مردم برکت آباد تکلیف حکم
بسی انها نیز همانخا نویس نمایند خرچ میدهنده باشند و بعد ان

افش

956

باختیارات در علم نجوم است که در ایشان سعدیت
ونحوست ایام و دیگری فواید متفرقه مرقوم است
از کتبخانه سرکار برآورده روانه حضور سازند ۵
بهمن مضمون بنام داروغه جنسی توشکی نوشته
قطب الملک نیز بتاریخ مذکور تحریر یافت

ست

ے قطعه

بتاریخ ۹ مرقوم احمد طاهر پسر مغفرخان مرحوم در اجو لا
سواری خاص متوجه این سمت گردیده است نظر به
پاس اسلام بان رفعت مرتبت حکم فرموده میشود
که بخاطر جمعی معه هنگش بحضور بنابر ملاقات حاضر شده
باز رخصت یافته بمکان خود مراجعت سازند و
دراین رفاه و فلاح خود انگارند ۸

ایضاً بنام احمد طاهر مرقومی مرسله محمودی برای استعفای
برایم رو بوصول آورده مطلع کوائف مندرجه ساخت

257

جبش و پانصد سوار برای کمک مطلوبست موضوح
شد قبل ازاین سه قشون احمدی سعه حافظ محمد خان
بخش برای تنبیه اشقیای آن نواح مامور اند باید که بخوبی
دصص مکارنفرموده با جمعیت مذکور معه جمعیت همراهی
خود تنبیه اشقیا سازند در اینباب باصف تبریزی رقوم
است باید که جمعیت همراهی آصف تبریز همراه خود کرفته
اصف را در دامنه قلعه تکلور ساز ند بودن آصف در تک
ضرور نیست علاقه خک بصدور دارد

~~امر باصف تکلور سموع شده که ایشان با جمعیت~~
سه صد و پنجاه نفر جبش و پانصد نفر سپاده احشام
دود و درخش از قلعه تکلور برای تنبیه اشقیا برآمده اند
باید که بمجرد وصول منشور جمعیت مذکور همراهی صدور
داده خود در قلعه باشند و علاقه خک بصدور دارد

~~امر بسنام حافظ محمد خان باید که ایشان هر سه~~
قشون احمدیان را همراه خود کرفته به تنبیه مخالفان تعلقجا

از بسکه باس اسلام و حقوق دیرینه خیرخواهی و دولتخواهی
ایشان همیشه منظور نظر مامه دولت است عفو جرایم نمود
تا بازتشفی خاطران رفعت مرتبت مرزا احمد علی بیگ
را روانه نموده شده بعینکه از اظهار رضا و تلطیف و تشفی
تشفی کلی بحصول انجامیده باشد و نیز چند مقدمات اصلاح
سرکار بین که بالفعل فیه ظاهر گردیده باشد در اصلاح
ان امر بحد دکه تمام ساعی و سرگرم بوده بحضور اطلاع دهند

ا مر بنام میر قمر الدین سه دفعه اسامی بموجب
پتی مرسله ایشان بابت تعلقات خدا آباد که بحضور
مرسوله داشته بودند سوای ان کالی کوره وغیره دو اسامی
جمله شصت و پنج از انجمله بکفر بابت لنکا فوت شده بابی
شصت و چهار نفر از ایشان مرسلت باد که بعد
رفتن متصل کهات جمله همه ها نزد بر بنا روانه سازند
راهداری و منشور بنام بورنیا نیز مرقوم و مرسلت

ا مر بنام صدور بنظور مرقوم بود که یک قطعه

بلسی

ابنده اجنس بجائی را کا دفعه موده خبردار از اطراف و
جوانب باشند ۱۲

الامر بنام قطب الملک مسموع شده که بعضی سوارا ن
دبیش بی اعتباری رو بفرار نهاده اند لهذا امر قوم
است که آنشان را صف و صدور همه بجای نشسته
بی همه نوب بنده از روبروی خود تقسیم سازند باید
صف و صدور همه مقدمان بجانه قطب الملک رفته
روبروی قطب الملک موجودات دیده قطب الملک ایران
بدست قطب الملک و طلب جنس حواله بخشی و مقدمان
نموده تاکید سازند که روبروی قطب الملک تقسیم
نمایند ۱۲ بهمین مضمون با صف و صدور فیض حصار نیز
رقوم است ۱۲

مصله
سه قطعه

الامر بنام جعفر خان قلعدار نمودن عرضی رسیده موضح
و کیفیت مرقومه مفصل مفهوم شد باید که آنشان را در

مکری بنگلور برداز مسید جلال الدین صدور نیز جا نخا
اند ایشان و صدور هر دو یکجا بوده با نفاق یکدیگر تنبه
درزدان نساخته باشند ۵

الامر بنام سید محمد امین اصفهانی نظر بعرضی رسیده
بوضوح پیوست کیفیت مندرجه ظاهر شد بنابر آنکه
از شروف و درزدان ایمن باشند درحکم مرقوم ایشان
مرقوم است که هر رعیت در خانه خود یک بندوق
دارند بموجب حکم بعمل نیاورده با تقسیم اشتری کار
سرکار رو داده اند باید که الحال مجددًا بر جا یا ماکید
سازند مرقوم بود که کفار با استماع روانگی زرر سید
تعاقب نموده بودند اخر الامر بسبب داخل شدن
رسید در لکهولی انها مایوس گشته پس رفتند تعجب
صد تعجب از وقوف ایشان که مخالف از خورشید
سراغ روانگی رسیده یافته با نجا رسید و شما بلا وقوف
بخواب غفلت مشغول و غافل از اخبار اشیا باید

A/h/2216

سرما العزیز بجا اورده بفعراد مساکین طعام و نقد تقسیم
سازند در باب دادن پنجاه روپیه تاکید بنام متعلقدار
مرقوم و ملفوف است ۵

۱۸ امر بنام متعلقدار متین پنجاه روپیه برای فاتحه بندگان
شاه مهر ولی و شاه مسعود ولی قدس الله سرما العزیز
از جعفرخان متعلقدار ساز ند و رسید بگیرند ۵

۱۹ امر بنام حسین علیخان فوجدار فرخی دو قطعه عرا
محرره مجدیم و نوزدهم ماه خردی بتاریخ یازدهم ماه دا گری
بشرف وصول پیوسته مامور نمودن شیخ محی الدین
را معه محمدیان همراهی او برای تنبیه دزدان فادرنگر
و نگهداشتن مقصد محمدی دیگر و تقسیم نمودن وجه
طلب بجا به مردم فوج تلنگیات و اسد آللهی بر طبق خواه
حضور و دادن طلبانه به قشون احمد بیک بسیار بجا
و مستحسن شد باید که قشون را مجدد راج که نزد مهتابخان
است پیش خود طلبیده برانند و بتمامی جمعیت همراهی خود

790 This entered in the Register at Page
293 under date the 27th February

اندرون قلعه مدرشتی و خبرداری بجای خود مستحکم باشند
بیرون قلعه برآمدن درکار نیست ۱۵

۱۱ امر بنام فخرالدین تعلقدار برکت آباد مرقوم بود که
یک نایر باشنده چرکل در زمره احمدیان داخل کرده
سرکرم قدویت و جانفشانی امورات سرکار باشد
باید که بجاه نفر احمدیان تعین او نموده بکار سرکار سرکرم
دارند علی را به که یک منشی بنام غلام علی نزد خود داشته
او را همراه میر محمود روانه جمال آباد سازد از انجا بحضور
خواهد رسید ۵

۱۲ امر بنام محمد علی آصف فرخی یکنفر احمدی که در برکت آباد
بکار سرکرم است تنخاه نفر احمدیان دیگر تعین او نموده
بکار سرکار سرکرم دارند حضور رسوله میر محمود برسند

۱۳ امر بنام جعفر خان تعلقدار تمرتین عرضی مرسله او معروض
پیوست از عاقل انجا بجاه رویه گرفته طعام نخته
فاتحه نیاز بنام شاه نبیو اولیا دشته و مهر بعلیدس الله

ان اله المستعان در عرصه قریب سر کوبی کفار نصارا
بوجه احسن نموده می آید اول زر علی الحساب برای قشون
برمحمود و فوج برکت آباد بهر عنوان رسانیده من بعد
روزنامچه طلبیده زر وجه طلب بفرستند در اینماده ما صف
نیز مرقوم است ۵

[illegible] مرقوم

[illegible] نام حسین علیخان فوجدار فتحی غرضی مرسله مرقوم
بست و یکم ماه دهمی سال شتا بتاریخ هجدهم داکری سال
مذکور بشرف وضوح پیوست مرقوم بود که یکنفر کلاه پوش
ارکوی بطرف بلچری از راه دریا میرفت قلعدار رحیم آباد
او را گرفته است بجا جوقدار بتقصیر گذاشتن نوکری
حسب الحکم والا از سه سال مقید و می الدینخان قلعدار
رحیم آباد که زر منصرفه مرحوم سیاه بذمه او بود در نیرک است
و در قشون غلام می الدین سپهدار دو جوقدار و در
اقسام سر لشکر بهکن خان یک سرخمه فوت شده
و صدرالدین امین معزول بازار لشکر متعینه فتحی برای

نبرد یکی برکت آباد رفته فوجدار انجا را نیز معه فوج متبعه
او با خود ملحق ساخته نزدیک کوه لامزی به تنبه کفار مشغول
باشند میر محمود سپهدار را حکم فرموده شده که معه فشون
متعلقه خود در نزدیکی کنابور سکونت ورزیده تنبه کفار ان
سازد باید که ان رفعت مرتبت سپهدار مذکور را همان
برازنده مسموع میشود که نصارا را از انحوای کورکیه ها قصد
لفیر آباد دارد از یمنی هم خبردار بوده تنبه نصارا سازند
برای بندوبست قلعجات توپخانه در باب نگهداشتن جمعیت
در ممکنجات عمال مرقوم است مطابق ان با فضل محمدان
وغیره نگهداشته بندوبست باید کنانید در صورت خودداری
ان در ممکنجات باید که ایشان مناسب دانسته محمدان
را نگهداشته بندوبست قلعجات نواحدات کنانند
وکسانی شرارت پیشه را بلا اندیشه واصل جهنم می
ساخته باشند در اینولا بفضل الهی نصارای این سمت
راتبه نموده بملک ارکات داخل نموده شده است "

ان ۱۲ لشنه

راسند دانسته نقل لن در دفاتر نبوب نند و تعلعدار
مذکور تاکید نماید که در قلعه بخبرداری و هوشیاری بود
قلعه را مضبوط و مستحکم دارد تنبه نمودن ان نفسدان
آن نواح را در بر در خان او بران نمودن انها بسیار بجا
و مستحسن شد اگر کفار نصارا از حدود حصار بآن سمت
آواره شوند سراغ انها نیز دریافته تنبیه واقعی سازند
و جمعیت خود متفرق نساخته یکجا دارند

امر مبرم الصف فرمی چهار قطعه عرایض دوداران
مرقومه بیست و چهارم دست و ششم ماه خسروی و دو
مرقومه دویم و هشتم ماه دینی فایز حضور گردیده مطلع
کوایف مندرجه شد مرقوم بود اکنهات را در سرشته دار
سعه کماشتهای حساب و کتاب کوشواره تیار نموده
معطل نشسته است باید که نامبرده را معه حساب و کماشتهای
اگر نماسب داند از کتل نالجری یا از راه جمال آباد روانه
حضور سازند و تاکید نمایند که همه حساب در دارالسلطنه

زرمدرانه از سه سال مفید است و نادارد و طفل و یک زنکه
علاقه اباجی متوفی سرشته دار حسین آباد از برای زرمدرا
از دو سال در بزرگ اند و قوت انها از گدائی است
رعایت خان قلعدار بالای کتل ترمن آباد مضبوط د
هوشیار است لاکن بسبب کمی در ماهه گذران وقات
نمیکرد و امیدوار است که بدستور سابق در ماهه او بحال
گردد موضوع مفهوم شد فرنگی را در بزرگ دانسته توقف
شب مخفی کلوی او را شکنجه نموده از جان باید گشت د
اسباب و سرانجام او داخل سرکار ما بدست خت بجا
جو قدار و محی الدین جان قلعدار معزول رحیم آباد را از قیدها
نموده یکی را بجو قداری فشون غلام محی الدین دیگر بر اسر چشمه
ههکن خان سرلشکر بعوضی مقرر شده و صدر الدین
امین بازار را هم از قیدها نموده بکاری مامور سازند
هر دو طفل و زنکه اباجی را بگذارند و در ماهه قلعدار بالای
کتل ترمن آباد را بدستور سابق بحال نموده شده بمین منشور

اسباب محاسب نویسنده داخل سرکار ساز مذکور نصرانی
مذکور گذاشتن فعل عبث باید که در بزرگ داشته داشته
چنان تدبیر نمایند که داصل هیچ کرد و بشرط احتیاط
ام مرتبام مهدیخان آصف تبن دو قطعه عرائض
محرره سیوم ماره ذاکری سال شتایلی متضمن بر انکه هفتاد
هزار روپیه منجمله بقایای شهر کنجام بابت قیمت خانه
وغیره بمعرض وصول آورده داخل خزانه نموده اند و
اسوبندت نامی متصدی را بسبب ناکاری او معزول
ساخته بعوض ان مادهو را و را مکلف داشته اند دیگری
مضمونی بر انکه عامل معزول کلشن آباد برای وصول
زر بقایا مامور است اگر عامل حال بر تعلقه دوم کلشن آباد
مقرر باید اولی است سوای این عامل حاسن وکوره سر
دکوری یلی هم ناکاره اند تبدیل انها ضرور موضوع دانسته
شد وصول نمودن زر از رعایای شهر کنجام و تغیر ساختن
متصدی بسبب ناکاری و مقرر نمودن به مادهو راو بسیار

گذاشته جریده مقصدیان باحساب کوشواره بحضور برسند
هفت هزار و هفتاد و پنج موره برنج از کوهتی فرخی و
دو هزار و دویست و ده موره از کوهتی رحیم آباد فی مورد
سی دک بابت نصفت فی فلس دک مقرر نموده بقوم
همراهی حسین سلیمان که فروخته اند بهتر شد و نبرد فروختن
بکهرار و ششصد اطل مرچ سیاه نصفت فی اطل بابت
یکفلم هفت طلا بهتر شد باید که فلفل سیاه را بافی
مذاشته همه را بفروخت آرند و هر قدر که مس بوده
باشد انرا عثمانی و فلوس سهاد و غیره تبار کنانیده به
نجاران و غیره فروخته باشند یکنفر نصارا از دیک
رحیم آباد اسیر کردیده همراه او مبلغ دو صد و شانزده
هون بهولی و یک تفنگ و دو بستوک یک صندوق
پارچه لباس و غیره سرانجام است باید که صندوق و
بستول بهتر ما سرانجام نفروی یا برنجی باشد انرا
روانه حضور ساخته زر نقد و صندوق لباس و غیره

ابیار

Kalayan
Prisoner:
The Jesuit
enumerated
ordered to be
carried to the
country of the
Kalayan taken
articles to be
sent to Sultan
The Prisoner to
be Jesuit Mun-
dered

370

دیگر برا عهده داری قایم داشته تاکید سازند که در انجا
در جانفشانی و حسن نزدد و قدوبت سرکار سرکرم
بوده در مقاطلبی زاعکر صدور دلاور خان
لوانی قلعه دار باشند که تا اینده از یمعنی همه وجوه
سرفرازی و اعتبار خواهند یافت برای خرج انها نیز تاکید
بنام آصف مرقوم است که طلب شما به نظور پیشکی
در قلعه امانت بدارد تا تکلف خرج نشود باید که مرقومه
صدر بند دلبت قلعه نموده معه جمعیت خود و چهارم
جنس جنس کمپنی معه در خشها و غیره سرانجام از انجا
معه اصفهان روانه شده در جهاری که متصل قلعه نیما میله
یکدو کروهی واقعست رسیده از انجا هم دو سه کروه
بسمت جهاری بیشتر روانه شده بخبرداری فرد آید
که نیکه متفرق شده باشند همه مردم را جمع نموده
ارام دهند و از انجا بوقت قابو جمعیت شتاب همراه خود
بانجشی گرفته رفته بر مردم محاصره قلعه تاخت و برد نموده باشند

بجا و مستحسن شده متعاقب بر افراد اسلم نویسی ابتیاد خط
شده میرسد عامل معزول کلش آباد را بحضور پر نور
روانه سازند عامل حال البته زر بقایا وغیره وصول
خواهد ساخت باید که ایشان اشخاص خوب دیده
بر عملداری تعلقه حاسل وغیره مقرر سازند

از امر مبرم بدر الزمانخان عرائض مرسله ایشان بخطر
انور بگذشت و کیفیت مندرجه مفصل بوضوح پیوست
در مقدمه کمی غله مرقوم بود یقین است در صورت
جمعیت کثیر اگر قلعه بند شوند البته کمی غله خواهد بود لهذا
زیب انگارش می یابد که سوای جمعیت مقرری قلعه
خورشید سواد منجمله چهارصد چیش کهری چهارصد جوان
چیش و یکصد جوان عسکر قدیم اعتباری دیده معه
دو رسالدار در عسکر هم یوزداران و سیه دار اعتبار
که وابستگان ایشان در ملک سرکار سکونت داشته باشند
سوای این مثلا دو برادر باشند یکی ازان همراه خود کرده